

مبانی شبکه‌های تنظیم‌گری ضرورت‌ها، کارکردها و ابزارها

مبانی شبکه‌های تنظیم‌گری، ضرورت‌ها، کارکردها و ابزارها

ناظر علمی طرح: سیدمحمدصادق امامیان
مدیر طرح: مزده ناطقی
تدوین‌کنندگان طرح: امیرحسین قلندری
مبانی میرزایی / سیدمحمدرضا دادگستر



ادبکده حکمرانی شریف



مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری

کتابخانه

ISBN : 978-622-93506-3-1



9 786229 359631



مبانی شبکه‌های تنظیم‌گری

ضرورت‌ها، کارکردها و ابزارها

ناظر علمی طرح:

سیدمحمدصادق امامیان

(عضو هیئت علمی دانشگاه امیرکبیر و هم‌بنیان‌گذار اندیشکده حکمرانی شریف)

مدیر طرح:

مژده ناطقی

تدوین‌کنندگان طرح:

امیرحسین قلندری

مهدی میرزایی

سیدمحمدرضادادگستر

به سفارش:

مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری

با همکاری:

اندیشکده حکمرانی شریف



اندیشکده حکمرانی شریف



مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری

کتابخانه

سرشناسه	: قلندری، امیرحسین، ۱۳۷۶-
عنوان و نام پدیدآور	: مبانی شبکه‌های تنظیم‌گری؛ ضرورت‌ها، کارکردها و ابزارها/ ناظر علمی طرح سیدمحمدصادق امامیان؛ مدیر طرح مژده ناطقی؛ تدوین‌کنندگان طرح امیرحسین قلندری، مهدی میرزایی، سیدمحمدرضا دادگستر؛ به سفارش مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری؛ با همکاری اندیشکده حکمرانی شریف، تهران: کتاب راهبرد، ۱۴۰۲.
مشخصات نشر	: ۱۰۵ ص.
مشخصات ظاهری	: 978-622-93596-3-1
شابک	: فیبا
وضعیت فهرست نویسی	: سازمان‌های دولتی -- ایران -- نظارت دولتی
موضوع	: Administrative agencies -- Iran -- State supervision
شناسه افزوده	: میرزایی، مهدی، ۱۳۷۶-
شناسه افزوده	: دادگستر، سیدمحمدرضا، ۱۳۷۷-
شناسه افزوده	: امامیان، سیدمحمدصادق، ۱۳۵۶-
شناسه افزوده	: ناطقی، مژده، ۱۳۶۵-
شناسه افزوده	: ایران، ریاست جمهوری، مرکز بررسی‌های استراتژیک
شناسه افزوده	: اندیشکده حکمرانی شریف
شناسه افزوده	: ایران، ریاست جمهوری، مرکز بررسی‌های استراتژیک، کتاب راهبرد
رده بندی کنگره	: JQ1V8F
رده بندی دیویی	: ۲۵۴/۵۵۰۶
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۷۲۸۶۸۲



اندیشکده حکمرانی شریف



مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری
کتابراه

عنوان کتاب: مبانی شبکه‌های تنظیم‌گری؛ ضرورت‌ها، کارکردها و ابزارها

ناظر علمی طرح: سید محمدصادق امامیان

مدیر طرح: مژده ناطقی

تدوین‌کنندگان طرح: امیرحسین قلندری، مهدی میرزایی، سیدمحمدرضا دادگستر

به سفارش: مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری

با همکاری: اندیشکده حکمرانی شریف

ناشر: کتاب راهبرد وابسته به مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری

نوبت چاپ: اول - تابستان ۱۴۰۳

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۳۵۹۶-۳-۱

حقوق این اثر برای مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری محفوظ است.

تهران، خیابان پاستور شرقی، کوچه شهید شکل‌آبادی (خورشید سابق)، شماره ۵۲

تلفن: ۰۲۱-۶۴۴۵۳۰۴۶-۹

پیشگفتار	۱
فصل نخست: مقدمه	۳
فصل دوم: درآمدی بر مفهوم شبکه‌ی تنظیم‌گری	۱۱
۱-۲. چیستی تنظیم‌گری	۱۱
۲-۲. تعریف شبکه‌ی تنظیم‌گری	۱۲
۳-۲. مدل مفهومی «ضرورت-کارکرد-ابزار» شبکه‌های تنظیم‌گری	۱۳
فصل سوم: ضرورت‌های شبکه‌های تنظیم‌گری	۱۵
۱-۳. رقابت تنظیمی منفی، مضر و روبه پایین	۱۵
۲-۳. آربیتراژ تنظیم‌گری	۱۷
۳-۲-۱. عناصر مفهومی آربیتراژ تنظیم‌گری	۱۸
۳-۲-۲. موقعیت‌های بالقوه‌ی آربیتراژ تنظیم‌گری	۱۹
۳-۲-۳. شبکه‌های تنظیم‌گری و مکانسیم‌های کاهش آربیتراژ	۲۰
۳-۳. امکان خرید جایگاه	۲۰
۴-۳. ضعف تنظیم‌گران در تأمین منابع و کمبود تخصص	۲۲
۵-۳. نیاز به مشورت و هماهنگی با هم‌تایان	۲۳
۶-۳. نیاز به تغییر جایگاه	۲۴
فصل چهارم: کارکردهای شبکه‌های تنظیم‌گری	۲۷
۱-۴. سطح تنظیم‌گران	۲۷
۴-۱-۱. افزایش تخصص و منابع	۲۸
۴-۱-۲. افزایش شهرت و اعتبار	۲۸
۴-۱-۳. افزایش قدرت و استقلال	۲۸
۲-۴. سطح نظام تنظیم‌گری	۲۹
۴-۲-۱. تعیین، ترویج و نظارت بر استانداردها و روال‌های مطلوب تنظیم‌گری	۲۹
۴-۲-۲. کمک به افزایش انگیزه‌های اعتباری تنظیم‌گران	۳۱

- ۳۲-۲-۴. ایجاد هویت حرفه‌ای مشترک ----- ۳۲
- ۳۲-۲-۴. افزایش ظرفیت هماهنگی، همگرایی و سازگاری ----- ۳۲
- ۳۳-۲-۴. ارتقای ظرفیت و نگرش حل مسئله ----- ۳۳
- ۳۴-۳-۴. سطح نظام حکمرانی ----- ۳۴
- ۳۴-۱-۳-۴. کمک به افزایش تأثیر تنظیم گران بر سیاست ----- ۳۴
- ۳۵-۲-۳-۴. کمک به خروج تنظیم گران از سلطه‌ی سیاسی و افزایش قدرت چانه‌زنی ----- ۳۵

فصل پنجم: ابزارهای شبکه‌های تنظیم‌گری ----- ۳۷

- ۳۷-۱-۵. برگزاری رویداد ----- ۳۷
- ۳۸-۲-۵. اشتراک داده‌ها ----- ۳۸
- ۳۸-۳-۵. صدور اعلامیه‌های عمومی مشترک ----- ۳۸
- ۳۹-۴-۵. ظرفیت‌سازی و آموزش ----- ۳۹
- ۴۰-۵-۵. مستندسازی قوانین، مقررات و رویه‌ها ----- ۴۰
- ۴۱-۶-۵. مطالعات فنی ----- ۴۱
- ۴۱-۷-۵. ارائه‌ی اخبار مرتبط با تنظیم‌گری ----- ۴۱
- ۴۱-۸-۵. سازوکارهای رسمی کاهش آربیتراژ تنظیم‌گری ----- ۴۱
- ۴۲-۹-۵. انتشار گزارش از عملکرد تنظیم گران و رتبه‌بندی آنان ----- ۴۲

فصل ششم: بررسی تجربیات جهانی در زمینه‌ی ایجاد شبکه‌های تنظیم‌گری -- ۴۵

- ۴۶-۱-۶. تجربه ایجاد شبکه ملی تنظیم‌گری در بریتانیا ----- ۴۶
- ۴۷-۱-۶. شبکه تنظیم گران بریتانیا ----- ۴۷
- ۵۵-۲-۶. شبکه رقابت بریتانیا ----- ۵۵
- ۵۷-۳-۶. انجمن همکاری تنظیم‌گری دیجیتال ----- ۵۷
- ۵۸-۲-۶. تجربه ایجاد شبکه ملی تنظیم‌گری در برزیل ----- ۵۸
- ۵۹-۱-۲-۶. انجمن سازمان‌های تنظیم‌گری برزیل ----- ۵۹
- ۶۲-۳-۶. تجربه ایجاد شبکه ملی تنظیم‌گری در هند ----- ۶۲
- ۶۳-۱-۳-۶. انجمن تنظیم‌گرهای هندی ----- ۶۳
- ۶۵-۴-۶. تجربه ایجاد شبکه ملی تنظیم‌گری در نروژ ----- ۶۵
- ۶۶-۱-۴-۶. شورای تنظیم‌گری بهتر نروژ ----- ۶۶
- ۶۷-۵-۶. تجربه ایجاد شبکه ملی تنظیم‌گری در فرانسه ----- ۶۷
- ۶۹-۱-۵-۶. ساختار حکمرانی و سازوکار فعالیت شبکه تنظیم‌گری ملی در فرانسه ----- ۶۹

۶۹	۲-۵-۶. کارکردها و ابزارهای شبکه ملی تنظیم‌گری فرانسه
۶۹	۶-۶. تجربه ایجاد شبکه ملی تنظیم‌گری در کانادا
۷۰	۱-۶-۶. جامعه تنظیم‌گران فدرال کانادا
۷۲	۲-۶-۶. شبکه آژانس‌های تنظیم‌گری کانادا
۷۵	۷-۶. بررسی تجربیات ایجاد شبکه‌های تنظیم‌گری منطقه‌ای
۷۶	۱-۷-۶. شبکه‌های تنظیم‌گری در منطقه اقیانوسیه
۷۷	۲-۷-۶. شبکه‌های تنظیم‌گری در اتحادیه اروپا
۷۹	۳-۷-۶. شبکه‌های تنظیم‌گری در منطقه آفریقا
۸۰	۸-۶. شبکه‌های بین‌المللی تنظیم‌گری
۸۰	۱-۸-۶. سازمان بین‌المللی کمیسیون‌های اوراق بهادار
۸۱	۹-۶. جمع‌بندی تجربیات جهانی در زمینه ایجاد شبکه‌های تنظیم‌گری
۸۵	فصل هفتم: ضرورت‌ها و ظرفیت‌های تأسیس شبکه‌ی تنظیم‌گری در ایران --
۸۵	۱-۷. تطورات تنظیم‌گری در ایران
۸۷	۲-۷. ضرورت‌های تأسیس و استقرار شبکه‌ی تنظیم‌گری در ایران
۹۰	۳-۷. در مسیر تأسیس شبکه‌ی تنظیم‌گری در ایران
۹۳	منابع
۹۳	منابع فارسی
۹۳	منابع انگلیسی

پیشگفتار

حکمرانی در معنای متأخر خود - در مقابل حکومت متمرکز در معنای سنتی آن - بر توزیع قدرت عمودی و افقی و ظهور و تکثر بازیگران جدید رسمی و غیررسمی استوار شده است. از این رو «همراستاسازی» منافع دایره وسیع و متنوعی از بازیگران، از جمله مهم ترین دغدغه حکمرانان در قرن بیست و یکم شناخته شده است. تنظیم گران از جمله مهم ترین نهادهای «همراستاساز» و «واسطه گر» حکمرانی هستند که کارویژه آنها حصول اطمینان از تطابق حداکثری - و یا عدم تعارض در حداقلی ترین حالت آن - فی مابین منافع فعالین بخش خصوصی و منافع عمومی جامعه است.

صدالبته نهادهای حکمرانی در خلأ پدید نمی آیند؛ در عزلت نقش آفرینی نمی کنند؛ بدون ریشه نهادی پایدار نمی مانند؛ و ناگزیر نیازمند جایابی و استقرار در ترتیبات کلان حکمرانی هستند. تشکیل «شبکه های تنظیم گران» تلاشی در جهت نهادینه گی و تثبیت تنظیم گران به عنوان جزئی از «زیست بوم تنظیم گری» در نظام کلان حکمرانی است. این شبکه ها، تنظیم گری را به مثابه یک کارکرد مستقل حکمرانی معرفی می کند؛ تشابهات نهادی آنها را برجسته می سازد؛ زمینه ساز تبادل تجربیات و شکل گیری دانش تخصصی می شود؛ چارچوب های فعالیتی آنها را معین می نماید؛ خصوصیات حرفه ای آنها را شاخصه گذاری می کند؛ و در یک کلام به نهادهای تنظیم گر، «هویت جمعی و شخصیت حرفه ای» متمایز و منحصر به فردی عطا می کند.

کتاب حاضر که به سفارش مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری تدوین شده است، مروری نظری بر تلاش طولانی مدت همکاران اینجانب در باشگاه تنظیم گری اندیشکده حکمرانی شریف است. تلاشی که از سال ۱۳۹۴ با مفهوم سازی و ترویج نظریه تنظیم گری با کتاب «درآمدی بر دولت تنظیم گر» آغاز شد و در سال های اخیر با برداشتن گام های بلندی در مسیر نهادینه سازی این مفهوم در ساختار حکمرانی جمهوری اسلامی ایران از طریق مشارکت در ایجاد و استقرار نهادهای تنظیم گر بخشی و موضوعی، توسعه مفهومی «نظام و زیست بوم ملی تنظیم گری» و نظریه پردازی و راهبری «شبکه تنظیم گری ایران» تکمیل شده است.

از منظر سیاستی، کتاب حاضر بر ضرورت تشکیل شبکه‌های تنظیم‌گران بخشی و موضوعی و در سطوح ملی و بین‌المللی تاکید می‌کند. در خلاً چنین شبکه‌هایی، تشکیل و تکثیر نهادهای تنظیم‌گر به صورت مستقل و پراکنده، عملاً به «جداافتادگی و عزلت نهادی» آنها انجامیده و مانع «معنابخشی و اثرگذاری سیاستی» آنها در تکمیل پازل زیست‌بوم «نظام ملی تنظیم‌گری» و ارتقای کیفیت کلان حکمرانی در کشور عزیزمان ایران خواهد شد.

در پایان وظیفه خود می‌دانم از ریاست محترم وقت مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری -جناب دکتر زمانیان- به واسطه دستور کارگذاری تشکیل «شبکه تنظیم‌گران ایران» تشکر کنم و به گروه نویسندگان این اثر به سرپرستی سرکار خانوم دکتر ناطقی و آقایان قلندری، میرزایی و دادگستر خدقوت و دست‌مریزاد عرض کنم.

سیدمحمدصادق امامیان

ناظر علمی

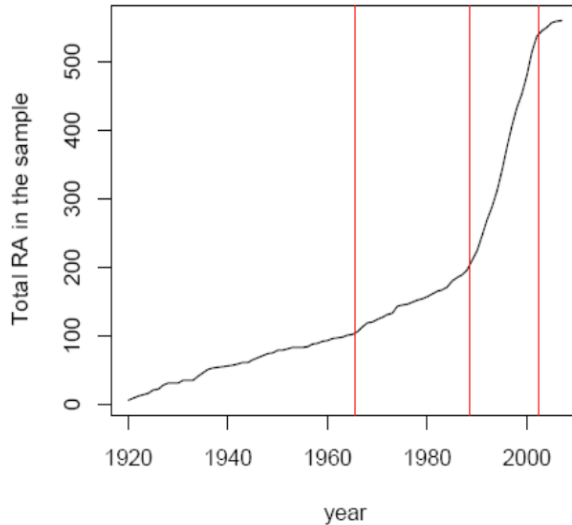
تیرماه ۱۴۰۳

تهران

فصل نخست

مقدمه

سازمان‌های تنظیم‌گر امروزه به‌عنوان ضرورتی غیرقابل‌انکار برای حکمرانی مدرن در نظر گرفته می‌شوند. همانطور که در نمودار ۱ قابل مشاهده است، به‌دنبال فراگیری ایده‌ی دولت تنظیم‌گر، در طی ۴۰ سال اخیر، تعداد این آژانس‌ها در کشورهای مختلف جهان به‌صورت چشم‌گیری رشد نموده است (Jordana et al, 2011). تکثر تعداد تنظیم‌گران در کنار همپوشانی و همگرایی موضوعات تنظیم‌گری، منتج به آن شده است که برخی از کارکردهای تنظیم‌گری این نهادها در شرایط انفرادی و جزیره‌ای به‌نحو مطلوبی محقق نشود. در این شرایط، تنظیم‌گران جهت ایفای نقش اثربخش در تحقق منافع عمومی، باید تعاملات سازنده با یکدیگر داشته باشند، همکاری و هماهنگی خود را در تصمیمات ارتقاء دهند، دانش و اطلاعات تنظیم‌گری را با یکدیگر به اشتراک بگذارند و هویت حرفه‌ای مشترکی برای غلبه بر چالش‌های مشترک ایجاد کنند.



نمودار ۱: داده‌های مربوط به تأسیس سازمان‌های تنظیم‌گری در ۴۸ کشور و ۱۶ بخش در طول ۸۸ سال

(Jordana et al, 2011) (۱۹۲۰-۲۰۰۲)

برای نیل به موارد مذکور و رفع انسداد ایفای نقش تنظیم‌گران، پیشنهادات سیاستی رایجی از جمله تأسیس ابرتنظیم‌گر واحد و تأسیس شبکه‌های تنظیم‌گری در نظام‌های حکمرانی مدرن مطرح شده است. برای رفع مشکلات هماهنگی و افزایش یکپارچگی میان تنظیم‌گران، برخی از متخصصین، به ویژه در مورد تنظیم‌گران اروپایی، پیشنهاد ایجاد تنظیم‌گر واحد را ارائه کردند. این پژوهشگران، شبکه‌های تنظیم‌گری را در مقایسه با ایجاد یک ساختار نهادی از بالا به پایین و رسمی که توسط یک نهاد بالادست و ابرتنظیم‌گر اداره می‌شود، «دومین بهترین»^۱ پیشنهاد سیاستی می‌دانند و برخی از پژوهش‌های متأخر، با تأکید بر مزایای حکمرانی شبکه‌ای و روابط غیررسمی و غیرسلسله‌مراتبی، مدعی هستند که شبکه‌های تنظیم‌گری «اولین بهترین»^۲ راه‌حل سیاستی هستند (Vantaggiato, 2020). در عرصه‌ی عمل نیز همانطور که در نمودار ۲ نشان داده شده است، در طول دو دهه‌ی اخیر، تأسیس شبکه‌های تنظیم‌گری در سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، رشد فزاینده‌ای را تجربه نموده است.



نمودار ۲: سیر تأسیس شبکه‌های مهم تنظیم‌گری

نیاز به تدوین، هماهنگ‌سازی و اجرای استانداردها و قوانین، توسعه شبکه‌های تنظیم‌گری را در زمینه‌های مختلف، مانند انرژی، مخابرات، جرم و جنایت، حفاظت از حریم خصوصی، حقوق بشر، رقابت بین‌المللی و تنظیم بازارهای مالی تسهیل کرده است. شبکه‌های تنظیم‌گری که توسط یک حکم قانونی صریح یا ضمنی پشتیبانی می‌شوند، با هدف هدایت رفتار سازمان‌های عضو، به تدوین قوانین و استانداردهای مشترک در یک حوزه سیاستی معین می‌پردازند (van der Heijden & 2022). (Yesilkagit).

1. Second Best
2. First Best

از منظر تأسیس و گسترش شبکه‌های تنظیم‌گری، اتحادیه اروپا از پیشروترین مناطقی محسوب می‌شود که توانسته است الگوهای همکاری فرامرزی بین آژانس‌های تنظیم‌گری ملی را به خوبی توسعه داده و شبکه‌هایی تحت عنوان «شبکه‌های تنظیم‌گری اروپایی»^۱ را گسترش دهد. در بافت اتحادیه اروپا، ایجاد بسیاری از شبکه‌های تنظیم‌گری اروپایی تا حد زیادی توسط کمیسیون اروپا در اوایل دهه ۲۰۰۰ میلادی تسهیل شد، تا نقش مشاوره‌ای را برای آن‌ها در مورد مسائل تنظیم‌مقررات ایفا کند و از طریق هماهنگی داوطلبانه، همگرایی تنظیم‌گرانه بین آژانس‌های تنظیم‌گری ملی را تقویت نماید (Eberlein & Newman, 2008).

نکته حائز اهمیت این است که وجود رسمی شبکه‌هایی که همکاری بین تنظیم‌گران را تسهیل می‌کنند، پدیده‌ای خاص و انحصاری برای اتحادیه اروپا نیست. چنین شبکه‌هایی در مناطق مختلف در سراسر جهان وجود دارند و برخی از آن‌ها در مقیاس منطقه‌ای و بین‌المللی و برخی در سطح ملی مشغول فعالیت هستند؛ بسیاری از سازمان‌های بین‌دولتی مانند سازمان توسعه و همکاری اقتصادی^۲، سازمان بهداشت جهانی^۳ و سازمان غذا و کشاورزی ملل متحد^۴ مدت‌هاست که تعامل بین تنظیم‌گران را تسهیل کرده‌اند (Koppell, 2010). در کنار این موارد بین‌المللی، ایجاد شبکه‌های تنظیم‌گری در سطح ملی نیز مورد توجه قرار گرفته است؛ این نوع از شبکه‌ها عموماً میان تنظیم‌گران مختلف از بخش‌های گوناگون در یک کشور شکل می‌گیرند، در حالی که شبکه‌های تنظیم‌گری منطقه‌ای و بین‌المللی، عموماً در یک بخش خاص نظیر انرژی، مخابرات و... در بین تنظیم‌گران کشورهای مختلف شکل می‌گیرند. از حیث جایگاه و اهمیت شبکه‌های تنظیم‌گری ملی، کشورهای بریتانیا، برزیل، هند، نروژ، فرانسه و کانادا را می‌توان از مهم‌ترین کشورهایی دانست که با هدف افزایش هماهنگی میان تنظیم‌گران داخلی خود، دست به تأسیس چنین شبکه‌هایی زده‌اند. در ادامه، به توضیح مختصر شبکه‌های تنظیم‌گری در هریک از این ۶ کشور پرداخته خواهد شد و در فصل «بررسی تجربیات جهانی در زمینه ایجاد شبکه‌های تنظیم‌گری» از این کتاب، به‌طور مفصل ابعاد مختلف شبکه‌های تنظیم‌گری از منظر نحوه شکل‌گیری شبکه، کارکردها و ابزارهای شبکه، سازوکارهای

1. European Regulatory Networks (ERNs)

2. Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)

3. World Health Organization (WHO)

4. Food and Agriculture Organization of the United Nations (FAO)

تأمین مالی، ساختار حکمرانی شبکه، نحوه عضویت و... مورد بحث قرار خواهد گرفت.

- **بریتانیا:** در سال‌های اخیر و هم‌زمان با توسعه و گسترش نهادهای تنظیم‌گر در بریتانیا، نهادهای جدیدی با عنوان شبکه‌ی تنظیم‌گری نیز به ساختارهای تنظیم‌گری این کشور اضافه شده است که به‌عنوان ساختار مکملی جهت بهبود در ایفای نقش تنظیم‌گران فعالیت می‌نماید. در حال حاضر سه شبکه تنظیم‌گری در بریتانیا مشغول به فعالیت هستند که عبارتند از: شبکه تنظیم‌گران بریتانیا^۱، شبکه رقابت بریتانیا^۲ و انجمن همکاری تنظیم‌گری دیجیتال^۳.
- **برزیل:** انجمن سازمان‌های تنظیم‌گری برزیل^۴ شبکه‌ی تنظیم‌گری کشور برزیل محسوب می‌شود که در ۸ آوریل ۱۹۹۹ تأسیس شده است. این انجمن یک نهاد خصوصی است که به‌عنوان یک انجمن مدنی و غیرانتفاعی و با ماهیت غیرحزبی ایجاد شده است و هدف آن ارتقای همکاری متقابل بین اعضا و مقامات دولتی، در تعقیب بهبود مقررات و افزایش ظرفیت فنی، کمک به پیشرفت و تحکیم فعالیت تنظیمی در سراسر برزیل است.
- **هند:** کمیسیون تنظیم مقررات برق اوريسا، اولین کمیسیون تنظیم مقررات در بخش برق هند بود که در ۲۸ نوامبر ۱۹۹۶ تأسیس شد. پس از آن، کمیسیون تنظیم مقررات برق مرکزی در آگوست ۱۹۹۸ و کمیسیون تنظیم مقررات برق هاریانا در ۱۰ مارس ۱۹۹۸ تشکیل شد. ده مورد دیگر نیز به سرعت پس از آن‌ها در دیگر ایالت‌های هند تأسیس شدند. این تنظیم‌گرها نیاز به یک پلتفرم مشترک برای بحث در مورد مسائل نوظهور در رویه‌ها و شیوه‌های تنظیم‌گری، توسعه استراتژی‌های مشترک برای رویارویی با چالش‌های پیش‌روی تنظیم‌گرها در هند و به اشتراک گذاشتن اطلاعات و تجربیات احساس کردند. به همین علت ایده تشکیل انجمن منسجم و کارآمد به سرعت مورد پذیرش قرار گرفت و با تشکیل کمیسیون‌های تنظیم مقررات بیشتری، چه بر اساس قوانین خاص ایالت، یا قانون کمیسیون‌های تنظیم‌گر برق، در سال ۱۹۹۸، آن‌ها شروع به شرکت در فعالیت‌های انجمن تازه تأسیس کردند. البته اساسنامه انجمن، آن‌ها را فقط محدود به فعالیت در بخش برق نمی‌کند. این انجمن تحت عنوان انجمن

1. UK Regulators Network (UKRN)

2. UK Competition Network (UKCN)

3. The Digital Regulation Cooperation Forum (DRCF)

4. Associação Brasileira de Agências de Regulação (ABAR)

تنظیم‌گران هندی^۱، تحت قانون ثبت انجمن‌ها، با ثبت انجمن در دهلی در ۴ فوریه ۲۰۰۰ تاسیس شد.

● **نروژ:** شورای تنظیم‌گری بهتر نروژ^۲ یک نهاد مستقل زیر نظر وزارت تجارت، صنعت و شیلات است که در دسامبر ۲۰۱۵ تاسیس شد و به‌عنوان شبکه تنظیم‌گری به ایفای نقش می‌پردازد. شورای تنظیم‌گری بهتر نروژ، بیانیه‌های مشورتی برای پیشنهادات مربوط به مقررات جدید بخش تجاری در مرحله مشاوره عمومی صادر می‌کند و هدف آن کمک به کاهش بار تنظیم‌گری بر مشاغل و به‌طور کلی مقررات کارآمدتر است. به صورت مشخص، مأموریت شورای تنظیم‌گری بهتر نروژ این است که ارزیابی‌های تأثیر تنظیم‌گری^۳ را در طرح‌هایی برای قوانین جدید یا اصلاح‌شده که بر کسب و کارها تأثیر می‌گذارد، بررسی کند.

● **فرانسه:** همکاری سازمان‌های تنظیم‌گر فرانسه بر بستر مناسبات غیررسمی انجام می‌شود. هر کدام از سازمان‌ها به‌تناوب در نقش کارآفرین شبکه ظاهر می‌شوند و وظیفه هماهنگی حضور دیگر تنظیم‌گرها در جلسات و میزبانی از آن‌ها را بر عهده می‌گیرند. از این رو نمی‌توان رابطه قانونی و رسمی مشخصی برای ایشان ترسیم کرد. حضور تنظیم‌گران فرانسوی در شبکه مبتنی بر تمایل به ایجاد روابط غیررسمی در راستای پاسخگویی به مشکلات مشترک است و این کشور هنوز نتوانسته به یک ساختار اجرایی رسمی در زمینه شبکه تنظیم‌گری ملی همراه با وظایف و مسئولیت‌های رسمی برسد.

● **کانادا:** کانادا دو تجربه موفق در زمینه شبکه‌سازی تنظیم‌گری دارد. اولین تجربه، تجربه‌ای برخاسته از ملاحظات و ابتکارات بخش دولتی است که منجر به تأسیس جامعه تنظیم‌گران فدرال^۴ شد که یک نهاد بین‌بخشی ذیل دولت کانادا است و متشکل از سازمان‌ها و ادارات تنظیم‌گر در زمینه‌های گوناگون است و تلاش می‌کند تا ظرفیت و قابلیت‌های حرفه‌ای تنظیم‌گری و تخصص کارکنان در ابعاد مختلف تنظیم‌گری را بهبود بخشد. دومین تجربه اما بر پایه نوآوری جامعه مدنی کانادا استوار است که به‌عنوان شبکه آژانس‌های تنظیم‌گری

1. Forum of Indian Regulators (FOIR)

2. Norwegian Better Regulation Council

3. Regulatory Impact Assessments (RIA)

4. Community of Federal Regulators (CFR)

کانادا شناخته می‌شود و در سال ۲۰۰۳ به‌عنوان فدراسیونی از سازمان‌های ملی تشکیل شد که اعضای استانی و منطقه‌ای آن مسئول محافظت از مردم از طریق خودتنظیم‌گری هستند. منشأ شکل‌گیری شبکه‌های تنظیم‌گری در جهان قابل تفکیک به دو مکانیزم «از بالا به پایین» و «از پایین به بالا» است. به‌عنوان مثال، شبکه‌های تنظیم‌گری اروپایی هم به‌صورت از پایین به بالا و هم از بالا به پایین تأسیس شده‌اند؛ همانطور که در مورد تأسیس اکثر شبکه‌های تنظیم‌گری اروپایی بیان شد، کمیسیون اروپا نقش پررنگی داشته است و از این منظر، ایجاد این شبکه‌ها تا حدودی ماهیتی از بالا به پایین و اجباری داشته است که نتیجه یک تفویض اختیار دوگانه است که در فضای تنظیمی اتحادیه اروپا اتفاق افتاده است (Coen & Thatcher, 2008). در همین رابطه، لازم به تأکید است که بسیاری از شبکه‌های تنظیم‌گری اروپایی در ادامه ساختارهای غیررسمی موجودی که سابقاً آژانس‌های تنظیم‌گری ملی از طریق آن‌ها با یکدیگر همکاری می‌کرده‌اند، شکل گرفته‌اند (Mathieu, 2016). اگرچه برخی از این ساختارهای غیررسمی با ساختارهای رسمی تری از شبکه‌های تنظیم‌گری جایگزین شده‌اند، اما بسیاری از آن‌ها در کنار شبکه‌های رسمی به حیات خود ادامه داده‌اند؛ در نتیجه، هر دو مکانیزم از بالا به پایین و از پایین به بالا در رابطه با شبکه‌های تنظیم‌گری اروپایی وجود داشته است.

هر یک از این دو نوع مکانیزم مزایا و معایب مخصوص به خودشان را دارند؛ ساختار از بالا به پایین در عین فراهم آوردن فضایی رسمی که منجر به اتخاذ تصمیماتی با الزام‌آوری بالایی می‌شود، ناگزیر نوعی حالت سلسله‌مراتبی را داراست که هماهنگی‌های هم‌ارز دوسویه و چندسویه میان نهادهای تنظیم‌گر را با اختلالاتی مواجه می‌کند. ساختار غیررسمی و از پایین به بالا نیز یک بدیل سیاستی است که به سمت اشکال تصمیم‌گیری افقی و مشارکتی‌تر حرکت کرده است، اما در اتخاذ تصمیمات و سیاست‌های الزام‌آور با دست‌انداز و موانعی روبرو است.

پس از درک ضرورت شبکه‌ی تنظیم‌گری به‌عنوان عنصری کلیدی در نظام تنظیم‌گری مدرن و عدم توجه و آشنایی نسبت به آن در میان سیاست‌گذاران و حتی پژوهشگران کشور، اهمیت پرداختن به این موضوع با هدف پوشش خلأ ادبیاتی داخلی و سپس اثرگذاری سیاستی درک شد و کتاب حاضر نیز به دنبال تحقق این مهم و کاربری آن در نظام حکمرانی کشور است. هدف از تدوین این کتاب، تبیین مفهوم شبکه‌ی تنظیم‌گری بر اساس ادبیات تنظیم‌گری و شرح ضرورت‌ها و مزایای وجودی

آن است. به همین منظور، پس از مطالعه‌ی ادبیات این حوزه، مدلی مفهومی متشکل از «ضرورت‌ها»، «کارکردها» و «ابزارها» طراحی گردید تا روند تبیین مفهوم شبکه‌ی تنظیم‌گری را تسهیل کند. پس از بیان تفصیلی این مدل، نمونه‌هایی از شبکه‌های تنظیم‌گری ملی در کشورهای بریتانیا، هند، برزیل، فرانسه، نروژ و کانادا و برخی از شبکه‌های تنظیم‌گری منطقه‌ای و بین‌المللی مورد بررسی قرار گرفته و در این بررسی، ابعاد مختلف شبکه‌های تنظیم‌گری از منظر نحوه‌ی شکل‌گیری شبکه، کارکردها و ابزارهای شبکه، سازوکارهای تأمین مالی، ساختار حکمرانی شبکه، نحوه عضویت و... مورد مطالعه قرار گرفته است. در ادامه کتاب، به بررسی وضعیت ایران از منظر شبکه‌ی تنظیم‌گری پرداخته شده است؛ در ابتدا برخی از ضرورت‌ها و پیامدهای فقدان شبکه در ایران مورد بررسی قرار گرفته و سپس معدود اقدامات صورت گرفته در راستای تأسیس شبکه‌های تنظیم‌گری در ایران طرح گردیده است.

فصل دوم

در آمدی بر مفهوم شبکه‌ی تنظیم‌گری

۱-۲. چیستی تنظیم‌گری

تعریف مفهوم تنظیم‌گری^۱ همانند بسیاری از مفاهیم موجود در علوم انسانی، دشوار و به شدت مورد مناقشه است: در چهارچوب فکری راست‌گرایان افراطی^۲، تنظیم‌گری کلمه ناخوشایندی است که نشان‌دهنده دست‌سنگین دولت‌های استبدادی و مجموعه قوانین خرنده‌ای است که محدودکننده آزادی‌های انسانی هستند؛ طبق عقاید چپ‌گرایان سنتی^۳، تنظیم‌گری بخشی از روبنا است که در خدمت منافع طبقه مسلط بوده و روابط قدرت را در اشکال به‌ظاهر متمدن چارچوب‌بندی می‌کند؛ از نظر دموکرات‌های ترقی‌خواه^۴، تنظیم‌گری کالایی عمومی و ابزاری جهت کنترل سرمایه‌داران تشنه منفعت و مدیریت ریسک‌های اجتماعی و زیست‌محیطی است؛ به عقیده برخی، تنظیم‌گری مجموعه اقداماتی است که منحصراً توسط حاکمیت و اجبارهای قانونی صورت می‌پذیرد، در حالی که در نظر عده‌ای دیگر، تنظیم‌گری عمدتاً مربوط به اقدامات بازیگران اجتماعی است که بر سایر بازیگران از جمله دولت‌ها، نظارت دارند (Levi-Faur, 2011).

ضمن به رسمیت شناختن تکثر تعاریف، ما تعریفی موسع از تنظیم‌گری را مورد توجه قرار می‌دهیم. مطابق با این تعریف، تنظیم‌گری به عنوان «وضع بروکراتیک و پیشینی»، «نظارت» و «اعمال» قواعدی مشخص توسط مجموعه‌ای از بازیگران اجتماعی، بخش خصوصی و سیاسی بر روی طیف دیگری از بازیگران اجتماعی، خصوصی و سیاسی است، همچنین این قواعد تا زمانی که مستقیماً توسط قانون‌گذار یا دادگاه تدوین نشده باشد، تنظیم‌گری محسوب می‌شود؛ به عبارت دیگر، تنظیم‌گری مربوط به قواعد بوروکراتیک و اداری است و نه در مورد قواعد قانونی یا قضایی (Guidi et al., 2020).

-
1. Regulation
 2. Far Right
 3. Old Left
 4. Progressive Democrats

علاوه بر این تعریف، یکی از اهداف مهم تنظیم‌گری، همراستاسازی منافع بخش عمومی و خصوصی است؛ از قرن نوزدهم تا به امروز، با رونق گرفتن سیاست‌های آزادسازی، خصوصی‌سازی و کوچک‌سازی دولت، تغییرات اساسی در نقش دولت‌ها رخ داده است. دولت‌ها از سویی نقش مداخله‌گر خود را در بخش‌های مختلف از دست داده و از سویی دیگر، همواره در صدد آن بوده‌اند که بازارهای آزادسازی شده را تنظیم کنند (Gilardi, 2002)؛ بنابراین، از نیمه‌ی دوم قرن بیستم تا به امروز، ایده‌ی «دولت تنظیم‌گر» (Majone, 1994) به‌طور گسترده در ادبیات مورد بحث قرار گرفته است و در این برهه، مفهوم تنظیم‌گری به‌عنوان ضرورتی غیرقابل انکار برای این مسیر، با معنا و مفهومی جدید شکل گرفت. در این ایده، با وجود بازیگران جدید بخش خصوصی، دولت‌ها معمولاً بر خود لازم می‌بینند تا منافع عمومی را با استفاده از ابزارهای تنظیم‌گرانه حفظ کنند. از سویی دیگر، دولت‌ها معمولاً برای رفع دغدغه‌های سرمایه‌گذاران در مورد عدم قطعیت‌های سیاسی، سرپیچی دولت‌ها از وعده‌هایشان و افزایش اعتبار تعهدات سیاستی، برخی از اختیارات خود را به تنظیم‌گران مستقل تفویض می‌نمایند. از این رو لایه‌ی تنظیم‌گری همواره به‌عنوان جزئی از نظام حکمرانی که قابلیت به حداقل رساندن مضرات حضور بخش خصوصی در عین بهره‌مندی از مزایای آن را ایجاد می‌کند، شناخته می‌شود.

۲-۲. تعریف شبکه‌ی تنظیم‌گری

امروزه، شبکه‌های تنظیم‌گری در سطوح متفاوتی اعم از بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی تأسیس شده‌اند. در این شرایط، به‌تناسب ماهیت‌های متفاوت شبکه‌های تنظیم‌گری، تعاریف متفاوتی در ادبیات برای آنان وجود دارد؛ با این حال، برخی از ویژگی‌ها و تعاریف شبکه‌های تنظیم‌گری ماهیتی عام دارند و در اغلب شبکه‌های تنظیم‌گری صدق می‌کنند. جدول ۱، مجموعه‌ای از تعاریف شبکه‌های تنظیم‌گری را نشان می‌دهد که اغلب بر وجوه محدودی از شبکه بنا شده‌اند. این کتاب در صدد آن است که با مرور این تعاریف و واکاوی ضرورت‌ها، کارکردها و ابزارهای شبکه‌های تنظیم‌گری، تعریف مبسوط‌تری از آن‌ها ارائه کند.

جدول ۱: تعریف شبکه‌های تنظیم‌گری

منبع	تعریف
(Papadopoulos, 2018)	شبکه‌های تنظیم‌گری را می‌توان «مکان‌های اجتماعی سازی» دانست که در آن‌ها «باورهای مشترک» در مسیرهای عملیاتی مناسب از طریق «انتقال هنجارها، ارزش‌ها و هویت‌ها در میان بازیگران» و «درونی سازی مجموعه‌ای از تمایلات مشترک» پدیدار می‌شوند.
(Maggetti & Gilardi, 2014)	شبکه‌های تنظیم‌گری اروپایی مسئول تولید و انتشار استانداردهای غیر الزام‌آور، دستورالعمل‌ها و توصیه‌ها در تعدادی از حوزه‌های مهم مانند بانکداری و مالی، برق و گاز، مخابرات و مقررات رقابت هستند.
(Coen & Tacher, 2008)	شبکه‌های تنظیم‌گری اروپایی شبکه‌هایی به‌دور از سلسله‌مراتب هستند که به سمت اشکال تصمیم‌گیری «افقی» و مشارکتی تر حرکت کرده‌اند.
(Maggetti & Gilardi, 2011)	شبکه‌های تنظیم‌گری با ایجاد عرصه‌های پایدار، بادوام و پرمحتوا امکان تعاملات افقی سازنده را بین بازیگران افزایش می‌دهند.
(Slaughter, 2009)	شبکه‌های تنظیم‌گری بین‌المللی غیررسمی جایگزینی سریع و انعطاف‌پذیر برای معاهدات بین‌المللی سلسله‌مراتبی و دست‌وپاگیر هستند. این شبکه‌ها توزیع روال‌های مطلوب را ترویج می‌کنند و امکان استانداردسازی فنی و کمک‌های اجرایی را فراهم می‌سازند.
(Barringer & Harrison, 2000)	شبکه‌ها به‌عنوان مجموعه‌ای از سازمان‌ها تعریف می‌شوند که از طریق ایجاد قراردادهای توافق‌های اجتماعی به جای قراردادهای الزام‌آور قانونی، گرد هم می‌آیند. ممکن است قراردادهای الزام‌آور قانونی در یک شبکه وجود داشته باشد، اما سازماندهی روابط اساساً مبتنی بر قراردادهای اجتماعی است.
(Maggetti, 2014)	شبکه‌ها در معنای عام خود، تغییر از «حاکمیت» به «حکمرانی» را به‌عنوان ساختارهای حاکم برای اعمال کنترل و هماهنگی، در برابر سلسله‌مراتب‌ها و بازارها برجسته می‌کنند. در این شبکه‌ها، تعدادی از بازیگران، برای مقابله با مشکلات وابسته به یکدیگر در حوزه‌های موضوعی مختلف تعامل می‌کنند.
(Vantaggiato et al, 2020)	شبکه‌هایی از مقامات تنظیم‌گر که به تسهیل اجرای سیاست‌ها و همچنین فراهم کردن فرصت‌های کلی برای همکاری و اشتراک اطلاعات کمک می‌کنند.

1. Government

2. Governance

۳-۲. مدل مفهومی «ضرورت-کارکرد-ابزار» شبکه‌های تنظیم‌گری

پس از پرداختن به تعاریف متنوع از شبکه‌های تنظیم‌گری و اشاره به ناقص بودن آنها، در این کتاب، مدلی مفهومی متشکل از «ضرورت-کارکرد-ابزار» جهت پرداخت مبسوط‌تر به مفهوم شبکه‌ی تنظیم‌گری ارائه خواهد شد (شکل ۱). در این مدل ابتدا «ضرورت‌های شبکه‌ی تنظیم‌گری» مطرح شده است؛ این ضرورت‌ها در بردارنده‌ی ریشه‌های عمومی شکل‌گیری شبکه‌های تنظیم‌گری هستند و مجموعه دلایلی که نیاز به تأسیس نهاد جدیدی چون شبکه را ایجاد کرده است، شامل می‌شوند. در قسمت دوم مدل، «کارکردهای شبکه‌ی تنظیم‌گری» مورد مذاقه قرار گرفته است؛ این کارکردها تأثیرات و پیامدهای شبکه‌های تنظیم‌گری بر سطوح مختلف تنظیم‌گران، نظام تنظیم‌گری و نظام حکمرانی در بر می‌گیرند. در قسمت سوم نیز که آخرین بخش از مدل مفهومی است، به بررسی ابزارهای متنوع شبکه‌های تنظیم‌گری پرداخته شده است؛ این ابزارها به‌نوعی خروجی‌هایی از شبکه‌های تنظیم‌گری هستند که هر کدام به‌نحوی عینی در راستای یک یا چند کارکرد از شبکه حرکت می‌کنند و به‌دنبال رفع مسائلی هستند که شبکه به خاطرشان تأسیس شده است.



شکل ۱: مدل مفهومی ضرورت-کارکرد-ابزار شبکه‌های تنظیم‌گری

فصل سوم

ضرورت‌های شبکه‌های تنظیم‌گری

تأسیس شبکه‌های تنظیم‌گری علل و ریشه‌های متعددی داشته است که در فصل «بررسی تجربیات جهانی در زمینه ایجاد شبکه‌های تنظیم‌گری»، به سیر تأسیس هر شبکه‌ی تنظیم‌گری و علت اصلی تأسیس آن پرداخته شده است. طبعاً علت تأسیس و ضرورت‌های شبکه‌های تنظیم‌گری متعدد، متفاوت و بعضاً منحصر به فرد است؛ با این حال، در این بخش تلاش شده است تا ریشه‌های عمومی شکل‌گیری شبکه‌های تنظیم‌گری جمع‌آوری شود و مجموعه دلایلی که نیاز به تأسیس نهاد جدیدی چون شبکه را ایجاد کرده است، مورد بررسی قرار گیرد.

۳-۱. رقابت تنظیمی منفی، مضر و رو به پایین

پدیده‌ی رقابت تنظیمی^۱ از نظر تاریخی ریشه در سیستم‌های حکومتی فدرال داشته است؛ با این وجود، از اواسط قرن بیستم و تشدید جهانی شدن اقتصاد، رقابت تنظیمی به یک موضوع مهم چه در سطح بین‌المللی و چه در سطح ملی تبدیل شده است. تئوری رقابت تنظیمی در ابتدا تمرکززدایی و رقابت در تنظیم مقررات را با نتایج کارآمد، برابر می‌دانست و با تکیه بر همانندی میان مقررات و بازارهای کالا، ادعا می‌کرد که تنظیم‌گران باید برای شهروندان و بنگاه‌ها رقابت کنند تا کارایی به حداکثر برسد. این تئوری پیش‌بینی می‌کرد که چنین رقابتی به دلیل توانایی بازیگران مختلف در انتخاب کارآمدترین مقررات، «مسابقه‌ای رو به بالا»^۲ در استانداردهای تنظیم‌گری ایجاد می‌کند (2004). (Geradin & McCahery).

در مقابل، با مرور زمان برخی از پژوهشگران نشان دادند که این پیش‌بینی لزوماً محقق نخواهد شد. این پژوهشگران به همراه مطالعات تجربی استدلال می‌کنند رقابت تنظیمی در عرصه‌ی عمل

1. Regulatory Competition

2. Race to The Top

کارایی پیش‌بینی شده را نداشته است و به‌نوعی به‌جای مسابقه‌ای رو به بالا، «مسابقه‌ای رو به پایین»^۱ را رقم زده است؛ زیرا رقابت شدید میان تنظیم‌گران برای تأیید و گسترش صلاحیت و نفوذ خود در یک حوزه، باعث می‌شود که سیاست‌ها و رویه‌های تنظیم‌گری بیشتر و بیشتر از منافع عمومی دور شوند (Geradin & McCahery, 2004). این بدان معنی است که اگر در صلاحیت‌های تنظیم‌گران همپوشانی وجود داشته باشد، انگیزه تنظیم‌گران ممکن است به‌جای تأمین «منفعت عمومی»، رفع نیازهای شرکت‌ها برای افزایش یا ایجاد صلاحیت تنظیم‌گری خود یا به چالش کشیدن صلاحیت تنظیم‌گران دیگر باشد (Coen & Thatcher, 2008). چنین رقابتی، رقابت تنظیمی مضر^۲، منفی و رو به پایین نامیده می‌شود.

در شرایط رقابت تنظیمی منفی، بازیگران بازار به‌دنبال تغییرات در رفتار تنظیم‌گری هستند تا از فرصت‌ها برای کاهش بار تنظیم‌گری خود استفاده کنند. کز کاردهای تنظیم‌گران برای جذب سرمایه یا شانه خالی کردن به‌دلیل تسخیر توسط شرکت‌های بزرگ ناشی از همین رقابت به سمت پایین است (Li & Newman, 2022). نکته‌ی حائز اهمیت آن است که رقابت تنظیمی منفی، چرخه‌ای از اقدامات تنظیم‌گری را ایجاد می‌کند که در نهایت تنظیم‌گران در موقعیتی بدتر از موقعیتی قرار می‌گیرند که می‌توانستند با هماهنگ‌کردن سیاست‌های خود داشته باشند (Radaelli, 2004).

بنابر آنچه گفته شد و با وجود تنوع و پیچیدگی چالش‌های تنظیم‌گری که دولت‌ها و جوامع با آن مواجه هستند، امروزه استراتژی‌های تنظیم‌گری به‌جای آنکه بسیط باشند، باید کثرت‌گرا باشند. در نتیجه، منطقی است که گاهی اوقات رقابت تنظیمی و گاهی اوقات همکاری میان تنظیم‌گران نتایج بهتری به‌همراه داشته باشند و اغلب، ترکیبی از رقابت و همکاری وضعیت بهینه را ایجاد کند (Geradin & McCahery, 2004). در همین راستا، برخی از مطالعات اخیر بر روی همکاری و هماهنگی میان تنظیم‌گران متمرکز شده‌اند. یکی از اهداف تأسیس شبکه‌های تنظیم‌گری ملی و فراملی نیز به همین مسئله برمی‌گردد. شبکه‌ها با چارچوبی که از راه‌حل‌های هماهنگ‌کننده در قالب قوانین نرم یا سخت ارائه می‌دهند و با ایجاد سازوکارهای همکاری و مشارکت، از رقابت‌هایی که می‌تواند اثرات خارجی نامطلوب ایجاد کنند، جلوگیری می‌کنند (Maggetti & Gilardi, 2014).

1. Race to The Bottom

2. Detrimental Regulatory Competition

۲-۳. آربیتراژ تنظیم‌گری

مفهوم آربیتراژ تنظیم‌گری^۱، ایده‌ی «آربیتراژ» که اغلب در مباحث مالی و اقتصادی مطرح می‌شود را به محدوده‌ی تنظیم‌گری وارد می‌کند. اشخاص، بنگاه‌ها و فعالین اقتصادی ممکن است نه تنها به دنبال قیمت‌های متفاوت باشند، بلکه به دنبال مقررات گوناگونی بگردند که برای فعالیشان مفیدتر باشند. در این معنا، آربیتراژ تنظیم‌گری رویه‌ای اغلب قانونی است که در آن تنظیم‌شوندگان برای دور زدن مقررات نامطلوب خود، از نقاط ضعف سیستم‌های تنظیم‌گری استفاده می‌کنند. ناهمگونی‌های تنظیم‌گری چه در مرزهای درون یک کشور و چه در عرصه‌های بین‌المللی، این امکان را به تنظیم‌شوندگان می‌دهد تا بین «فضاهای تنظیم‌گری» متفاوت حرکت کنند تا هرگونه محدودیت مرتبط با رویه‌های خاص تنظیم‌گری را از بین ببرند (Coendet, 2021).

آربیتراژ تنظیم‌گری، پدیده‌ای است که در عرصه‌ی عمل شاید نتوان هیچ‌وقت آن را به صفر رساند اما نکته‌ی قابل توجه آن است که ازدیاد در آن می‌تواند پیامدهای منفی مهمی برای نظام‌های حکمرانی داشته باشد. گسترش آربیتراژهای تنظیم‌گری، مانعی مهم در به هدف نشستن سیاست‌های تنظیمی محسوب می‌شود و ممکن است خنثی‌سازی سیاست‌ها را در پی داشته باشد. از سویی دیگر، آربیتراژ تنظیم‌گری، اغلب به‌عنوان امری ناعادلانه درک می‌شود، زیرا کسی که به دنبال سود بردن از فرصت‌های آربیتراژ تنظیم‌گری است، باید سرمایه، زمان و هوش قابل توجهی را با یکدیگر ترکیب کند. در این میان به نظر می‌رسد سرمایه از عوامل دیگر مهم‌تر است؛ بنابراین، افراد کمتر ثروتمند و بازیگران ضعیف‌تر، اغلب نمی‌توانند از آربیتراژ استفاده کنند و تنها آن‌ها هستند که هزینه‌ی تنظیم‌گری بالاتری را پرداخت می‌کنند (Knoll, 2002).

در این قسمت ابتدا عناصر آربیتراژ تنظیم‌گری که از آربیتراژ اقتصادی وام گرفته شده است، مفهوم‌پردازی می‌شود و سپس موقعیت‌های بالقوه‌ی آربیتراژ تنظیم‌گری به‌عنوان ریشه‌های آربیتراژ واکاوی خواهد شد. در آخر، شبکه‌های تنظیم‌گری به‌عنوان راهکاری برای کاهش آربیتراژ تنظیم‌گری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۲-۱. عناصر مفهومی آربیتراژ تنظیم‌گری

در این قسمت با الهام از مفاهیم مالی و اقتصادی آربیتراژ، سه عنوان کلی فضا، هدف^۱، قیمت^۲ در آربیتراژ تنظیم‌گری شرح داده می‌شود.

۳-۲-۱-۱. فضاهای آربیتراژ

در آربیتراژ مالی، افراد تفاوت‌های قیمتی یک کالا را در «بازارهای گوناگون» پیدا می‌کنند و از آن‌ها به نفع خود بهره می‌برند؛ بنابراین، آربیتراژ مفهومی است که اساساً با وجود «فضاهای گوناگون» شکل می‌گیرد. این فضاهای گوناگون در آربیتراژ مالی، خود را در بازارها نشان می‌دهد و در آربیتراژ تنظیم‌گری، در حوزه‌های مقرراتی و قضایی متفاوت تجلی پیدا می‌کند. یکی از موارد رایج، حوزه‌های قضایی متفاوت در محدوده‌های جغرافیایی مشخص است. کشورها معمولاً در ذیل مفهوم دولت-ملت، استانداردهای تنظیم‌گری متفاوتی را اتخاذ می‌کنند که طبیعتاً فضاهای تنظیم‌گری متفاوتی را شکل می‌دهد (Coendet, 2021). به عنوان مثال، ایرلند نه تنها به دلیل کاهش مالیات بر درآمد، بلکه به دلیل رویکرد تنظیم‌گری «لمس ملایم»^۳، مدت‌هاست مقصد مورد علاقه دفاتر مرکزی چند ملیتی بوده است (Li & Newman, 2022). اگر حتی حوزه جغرافیایی مقررات، یکسان و در درون یک کشور باشد، هر قاعده یا مجموعه‌ای از مقررات برای اداره‌ی یک فعالیت خاص، می‌تواند به عنوان یک فضای مجزا در نظر گرفته شود تا فرصت‌هایی برای جابه‌جایی میان فضاهای گوناگون برای افراد و بنگاه‌ها فراهم شود (Coendet, 2021).

۳-۲-۱-۲. هدف آربیتراژ

هدف معامله‌ی آربیتراژ مالی و اقتصادی می‌تواند هر کالایی با ارزش اقتصادی باشد که قیمت‌های متفاوتی برای آن وجود دارد. بنابراین معمولاً ممکن است یک کالا، اوراق بهادار یا ارز، موضوع آربیتراژ باشد. در مورد هدف آربیتراژ تنظیم‌گری، برخی معتقدند که تنظیم‌شوندگان به دنبال مقررات مناسب برای خود می‌گردند؛ از این رو، «قوانین و مقررات» هدف اصلی آربیتراژ تنظیم‌گری است.

1. Space
2. Object
3. Price
4. Light Touch

نکته‌ی حائز اهمیت آن است که خرید و فروش مقررات تنظیم‌گری تنها به صورت استعاری مطرح است، درحالی که در آربیتراژ مالی و اقتصادی اینگونه نیست (Nabilou, 2017).

۳-۲-۱-۳. قیمت

آربیتراژ مالی و اقتصادی شامل قیمت‌های متفاوت برای کالاها یا یکسان است، اما مقررات تنظیم‌گری دارای برچسب قیمت نیستند و همانطور که گفته شد، آن‌ها در فرایند آربیتراژ خرید و فروش نمی‌شوند. این تفاوت میان دو نوع آربیتراژ، این سوال را ایجاد می‌کند که عنصر قیمت در آربیتراژ تنظیم‌گری چگونه مشخص می‌شود؟ برخی دیدگاه‌های حقوقی و اقتصادی، مفهوم هزینه‌ی تنظیم‌گری را به جای قیمت به کار می‌برند و استدلال می‌کنند که قیمت یک مقررات بازتاب هزینه‌ی تنظیم‌گری مرتبط با آن است؛ بنابراین، تمرکز تنظیم‌شوندگانی که به دنبال آربیتراژ هستند، بر کاهش هزینه‌های مقررات است (Coendet, 2021).

۳-۲-۲. موقعیت‌های بالقوه‌ی آربیتراژ تنظیم‌گری

به طور کلی در ادبیات آربیتراژ تنظیم‌گری، وجود دو رژیم متفاوت تنظیم‌گری، منجر به آن می‌شود که رویه‌های تنظیم‌گری متفاوتی شکل گیرد و فرصت‌هایی برای آربیتراژ به وجود آید. از آنجایی که تفاوت در رژیم‌های تنظیم‌گری در مرزهای جغرافیایی متنوع، رایج‌تر است، تمرکز ادبیات این حوزه بیشتر در عرصه‌های بین‌المللی بوده است. با این وجود، ناهمگونی‌های رویه‌های تنظیم‌گران در درون یک مرز جغرافیایی نیز می‌تواند منجر به شکل‌گیری آربیتراژ شود. ناهماهنگی بین تنظیم‌گران اغلب به تنظیم‌شوندگان این توانایی را می‌دهد که به طور مؤثر انتخاب کنند که کدام تنظیم‌گر حاکم بر آنان باشد (Fleischer, 2010). این ناهمگونی‌های میان تنظیم‌گران را می‌توان در چند دسته مطرح کرد: ۱. تنوع رویه‌های تنظیم‌گری؛ ۲. تفاوت‌های حقوقی و اداری؛ ۳. ظرفیت‌های اداری؛ ۴. استقلال سیاسی^۲ (Li & Newman, 2022). در نهایت، ناهمگونی‌های تنظیم‌گران، رویه‌های متفاوت آنان و تعدد تنظیم‌گران در یک حوزه، در کنار رقابت تنظیمی منفی که در قسمت قبل مطرح شد، همگی شرایطی را فراهم می‌کند تا بخش تنظیم‌شونده فرصت‌هایی را برای استفاده از آربیتراژ تنظیم‌گری به دست آورد (Frantz & Instefjord, 2018).

1. Administrative Capacities

2. Political Autonomy

۳-۲-۳. شبکه‌های تنظیم‌گری و مکانسیم‌های کاهش آربیتراژ

همانطور که گفته شد، ناهمگونی‌های تنظیم‌گری و ایجاد یک رقابت تنظیمی منفی در بین تنظیم‌گران می‌تواند عواقبی منفی برای نظام‌های حکمرانی داشته باشد. امروزه، شبکه‌های تنظیم‌گری یکی از مهم‌ترین راه‌حل‌های سیاستی برای رفع این مسئله شناخته می‌شوند؛ شبکه‌ها با افزایش ظرفیت هماهنگی، نظارت بر روال‌های مطلوب^۱ تنظیم‌گری، اشتراک داده و اطلاعات، توانمندسازی تنظیم‌گران و نظارت بر فعالیت هم‌تایان، ناهمگونی‌ها و رقابت مضر تنظیم‌گری را کاهش می‌دهند و در نهایت منجر به کاهش آربیتراژ تنظیم‌گری می‌شوند.

به‌عنوان مثال، یکی از نمونه‌های موفق و نوآورانه‌ی مکانسیم‌های کاهش آربیتراژ در «مقررات عمومی حفاظت از داده»^۲ اتحادیه اروپا پیاده‌سازی شده است. GDPR یک مکانسیم هماهنگ‌سازی اجرایی را تحت‌عنوان «مکانسیم‌های همکاری و سازگاری»^۳ در ماده‌ی ۶۰ خود لحاظ کرده است. این مکانسیم در دو سطح به کاهش آربیتراژ کمک می‌کند. اولاً به‌طور افقی، به هم‌تایان تنظیم‌گری اجازه داده می‌شود تا بر تصمیمات یکدیگر نظارت کنند. دوم آنکه به‌طور عمومی، هم آژانس‌های اتحادیه اروپا و هم قانون‌گذاران کشورهای عضو می‌توانند با ارائه‌ی اطلاعات مرتبط به مردم، تنظیم‌گران ضعیف‌راموظف به پاسخگویی کنند. بنابراین عموم مردم از جمله سازمان‌های غیردولتی، از این اطلاعات برای تحت فشار گذاشتن تنظیم‌گرانی استفاده می‌کنند که در اجرا سهل‌انگار تلقی می‌شوند (Li & Newman, 2022).

۳-۳. امکان خرید جایگاه

خرید جایگاه^۴، به این ایده اشاره دارد که سیاست‌گذارانی که در مکان سنتی سیاست‌گذاری خود با موانعی مواجه می‌شوند، عموماً به‌دنبال مکان‌های جدیدی برای سیاست‌گذاری هستند که بیشتر با اولویت‌ها و اهداف آن‌ها سازگار باشد. این مفهوم تاکنون به‌طور کلی به‌عنوان یک فعالیت مرتبط با سیاست‌گذاری، نه تنظیم‌گری، مفهوم‌سازی شده است. با این وجود، اخیراً پژوهش‌هایی این مفهوم را در رابطه‌ی میان تنظیم‌شوندگان و تنظیم‌گران مورد بررسی قرار داده‌اند. خرید جایگاه یا خرید

1. Best Practices

2. General Data Protection Regulation (GDPR)

3. The Cooperation and Consistency Mechanisms

4. Venue Shopping

محکمه^۱ در محیط تنظیم‌گری، اشاره به آن دارد که تنظیم‌شونده از تعدد، همپوشانی و رقابت تنظیمی منفی تنظیم‌گران استفاده می‌کند تا خود را در فضای تنظیم‌گری مطلوب‌تری قرار دهد. در این شرایط، از چند جنبه نزدیک شدن به یک تنظیم‌گر می‌تواند برای شرکت‌ها مفید باشد. اولاً، شرکت‌ها به دنبال استفاده از تنظیم‌گران مطلوب‌تر و به کاهش زیان مورد انتظار خود هستند. دوم آنکه شرکت‌ها اطلاعات ناقصی در مورد ترجیحات تنظیم‌گران و همچنین نتایج بالقوه‌ی تصمیمات آنان دارند؛ بنابراین، منطقی است که شرکت‌ها برای به حداقل رساندن عدم قطعیت مربوط به تصمیم‌گیری، به دنبال کسب اطلاعات از چندین تنظیم‌گر باشند (Coen et al., 2021).

به‌طور کلی، دو مکانیسم در محیط تنظیم‌گری فرصت‌های خرید جایگاه را افزایش می‌دهد. اول آنکه صلاحیت تنظیم‌گران در سطوح^۲ و بخش‌ها^۳ همپوشانی داشته باشد. دوم آنکه رقابت منفی میان تنظیم‌گران شکل بگیرد و تنظیم‌گران استانداردهای خود را مطابق با منفعت خصوصی شرکت‌ها تدوین کنند تا حوزه‌ی صلاحیت خود را افزایش و حوزه‌ی صلاحیت دیگر تنظیم‌گران را کاهش دهند. در صورت تحقق این دو شرط، منطقی است که یک شرکت به چندین تنظیم‌گر مراجعه کند تا شانس تصمیم‌گیری مطلوب را افزایش دهد و حتی شرکت‌ها ممکن است از تنظیم‌گر بخواهند که برای گرفتن یک تصمیم تنظیم‌گری با آنان همکاری کنند (Coen et al., 2021).

مفهوم خرید جایگاه، ارتباط نزدیک و همپوشانی زیادی با مفهوم آربیتراژ تنظیم‌گری دارد اما تفاوت‌هایی می‌توان میان این مفهوم با آربیتراژ تنظیم‌گری ذکر کرد. استفاده از آربیتراژ تنظیم‌گری غالباً امری قانونی است، اما خرید جایگاه لزوماً از رویه‌های مرسوم قانونی پیروی نمی‌کند و تنظیم‌شوندگان می‌توانند به انحای مختلف به تنظیم‌گران متعدد نزدیک شوند. از طرفی دیگر، مکانیسم آربیتراژ تنها زمانی که شفافیت اطلاعات وجود داشته باشد، امکان فعال‌سازی پیدا می‌کند؛ در حالی که یکی از انگیزه‌های خرید جایگاه و مراجعه به تنظیم‌گران متعدد اساساً نبود اطلاعات کافی برای شرکت‌ها است. با این وجود، بسیاری از مفاهیم آربیتراژ با مفاهیم خرید جایگاه مشترک است و شبکه در این مسئله نیز به‌عنوان راه‌حلی برای کاهش فرصت‌های خرید جایگاه و ایجاد رقابت تنظیمی مثبت، می‌تواند اثربخش باشد.

1. Forum Shopping

2. Level

3. Sector

۳-۴. ضعف تنظیم‌گران در تأمین منابع و کمبود تخصص

ادبیات شبکه‌های تنظیم‌گری نشان می‌دهد که اعضای شبکه از دو طریق برخی نیازهای خود را مرتفع می‌سازند. اول آنکه اعضای شبکه به‌طور معمول با یکدیگر تعامل دارند و دارایی‌های ارزشمندی مانند دانش، اطلاعات، شیوه‌ها و تجربیات را به اشتراک می‌گذارند. دوم آنکه نوعی از تقسیم کار در شبکه شکل می‌گیرد که در آن هر عضو در برخی وظایف و زمینه‌ها تخصص پیدا می‌کند و ضمن به اشتراک گذاری تخصص خود، به‌طور متقابل از تخصص سایر اعضا نیز بهره می‌برد (Vestlund, 2017).

در ارتباط با تأمین منابع، شبکه‌های تنظیم‌گری اساساً به‌عنوان مکانیسمی جهت جبران کمبود منابع تنظیم‌گران شناخته می‌شوند (Vantaggiato, 2019) و آژانس‌های تنظیم‌گری به‌واسطه‌ی یکپارچگی درون شبکه‌ای و ارتباطات متقابل، قادر به کسب منابع از طریق شبکه‌ها هستند؛ به همین جهت، تأمین و ادغام منابع به‌عنوان یک پدیده‌ی شبکه‌ای^۱ در نظر گرفته می‌شود (Bach et al, 2015; Vestlund, 2017). در این تحلیل، شبکه‌ی تنظیم‌گری به‌خودی‌خود به‌عنوان نوعی منبع تلقی می‌شود که تنظیم‌گران برای جبران کمبود منابع خود به آن تکیه می‌کنند (Vantaggiato, 2019). این مسئله در شبکه‌های تنظیم‌گری اروپا، به‌خوبی تصویرسازی شده است. به‌عنوان مثال، مقامات اروپایی آژانس‌های تنظیم‌گری دارو و عنوان می‌کنند که از طریق جلسات منظم در شبکه‌ی تنظیم‌گری دارو^۲، رویه‌ها، ایمیل‌ها و تماس‌های تلفنی، در ارتباط مداوم با یکدیگر هستند. در همین راستا، مقامات مؤسسه‌ی کنترل مواد دارویی اسلواکی^۳ و آژانس داروی نروژ^۴ نیز طی مصاحبه‌ای عنوان داشتند که وقتی با چالش‌ها، موضوعات و بازیگران جدید روبرو می‌شوند، به‌طور معمول در مورد اطلاعات، شیوه‌ها، تجربیات و راه‌حل‌ها با شبکه مشورت می‌کنند (Vestlund, 2017).

فقدان تخصص نیز موضوعی است که همواره برخی تنظیم‌گران از آن رنج می‌برند. مراحل تنظیم‌گری اغلب پیچیده و زمان‌بر هستند و به مهارت‌های فنی و تخصص گران‌قیمت نیاز دارند. تنظیم‌گران به‌دلیل ضعف در منابع، یا به علت‌های دیگر، اغلب به‌سختی به سطح مطلوبی از تخصص می‌رسند. علاوه بر این، به‌نظر می‌رسد رسیدن به سطح مطلوبی از تخصص در همه‌ی زمینه‌ها اساساً

-
1. Network Phenomenon
 2. Medicines Regulatory Network
 3. Slovak State Institute for Drug Control (SIDC)
 4. Norwegian Medicines Agency (NOMA)

امری ناممکن باشد. بنابراین، همکاری برای تجمیع منابع و اعمال تخصص در میان تنظیم‌گران مسئله‌ای ضروری است و به آنان در کاهش بار کاری، صرفه‌جویی در زمان، بهبود کارایی و ارتقای عملکرد کمک قابل توجهی می‌کند (Vestlund, 2017).

با توجه به آنچه ذکر شد، به‌طور کلی تنظیم‌گران به دنبال پوشش نقایص و جبران کمبود منابع خود هستند و ممکن است این هدف را از طرق مختلفی پیگیری کنند، اما به‌نظر می‌رسد شبکه‌سازی با هم‌تایان دارای منابع بیشتر، استراتژی مناسب و نسبتاً کم‌هزینه‌ای باشد؛ ارتباطات و وابستگی‌های دوجانبه و چندجانبه در شبکه‌های تنظیم‌گری فضای بسیار مطلوبی را جهت اشتراک و تأمین منابع ایجاد می‌کند، به‌گونه‌ای که در غیاب این وابستگی‌های متقابل، تنظیم‌گرهای دارای سطح منابع بالا به‌دلیل کسب سود کمتر، به‌سختی حاضر به همکاری با هم‌تایانی با سطح منابع پایین‌تر می‌شدند (Vantaggiato, 2019).

۳-۵. نیاز به مشورت و هماهنگی با هم‌تایان

در ادبیات حوزه‌ی تنظیم‌گری، منشأ شکل‌گیری شبکه‌های تنظیم‌گری بسیار مورد بحث قرار گرفته است و از جنبه‌های مختلفی به آن پرداخته شده و دلایل متنوعی برای آن ذکر شده است. یکی از مهم‌ترین دلایل تأسیس شبکه‌های تنظیم‌گری وجود شکاف‌های تنظیمی میان آژانس‌های تنظیم‌گری است که انتظار می‌رود همکاری و هماهنگی میان تنظیم‌گران در قالب شبکه به‌مرتفع نمودن آن کمک نماید (Papadopoulos, 2018). به‌عنوان مثال، وائاگیا^۱ و همکاران در تبیین ضرورت شکل‌گیری شبکه‌های اداری اروپایی^۲ که در طیف گسترده‌ای از حوزه‌های سیاستی ایجاد شده‌اند و کارکردهای مختلفی را برعهده دارند، به‌لزوم دستیابی به هماهنگی تنظیم‌گرانه^۳ در یک بازار واحد و ممانعت از نفوذ سیاسی غیرقابل قبول قدرت‌ها در سطح اتحادیه اروپا اشاره می‌کنند (Vantaggiato et al, 2020).
به بیان ساده، می‌توان دلیل وجودی شبکه‌های تنظیم‌گری را تسهیل «شبکه‌سازی»^۴ عنوان کرد؛ به این معنا که در شبکه، ارتباطات میان اعضا از طریق برخوردهای مفید، توسعه پیدا می‌کند (Coen & Thatcher, 2008) و بستری برای به اشتراک‌گذاری و تعمق در تجربیات، افزایش دانش اعضا از

1. Vantaggiato

2. European Administrative Networks (EANs)

3. Regulatory Harmonization

4. Networking

طریق یادگیری‌های متقابل، هماهنگ‌نمودن اقدامات پیرامون روال‌های مطلوب و گردش اطلاعات به‌عنوان منبعی حیاتی برای هماهنگی و تعاملات افقی فراهم می‌گردد (Papadopoulos, 2018). از این رو، کارشناسان و متخصصان اطلاعات و تخصص خود را در شبکه به اشتراک می‌گذارند و الگوهای مشترک درک در مورد سیاست را از طریق تعاملات منظم شکل می‌دهند (Stone, 2004).

به‌گفته‌ی اسلتر و هیل^۱، منشأ شکل‌گیری شبکه‌های تنظیم‌گری در این واقعیت نهفته است که مقامات تنظیم‌گر متوجه شده‌اند که بدون مشورت و هماهنگی با هم‌تایان خود -بالاخص هم‌تایان خارجی در شبکه‌های بین‌المللی- قادر به انجام مناسب مسئولیت‌های خود نیستند (Slaughter, 2010; Hale & Hale). در همین رابطه، یکی از فضایل اصلی مورد ادعا در مشورت، هدایت به یادگیری متقابل به معنای «به‌روزرسانی باورها براساس تجربیات، تجزیه و تحلیل یا تعاملات اجتماعی زیسته» است (Dunlop & Radaelli, 2013) و بنابراین، شبکه‌ها به‌عنوان محافلی برای آزمایش و اشتراک‌گذاری عمل می‌کنند که منجر به یادگیری می‌شوند (Slaughter & Hale, 2010).

۳-۶. نیاز به تغییر جایگاه

شبکه‌های تنظیم‌گری غیررسمی معمولاً در نگاه اول، در مقایسه با ایجاد یک سازوکار هماهنگی رسمی یا یک نهاد مرکزی واحد، به‌عنوان «دومین بهترین»^۲ ابزار یکپارچه‌سازی سیاست‌ها در نظر گرفته می‌شوند؛ چراکه «غیررسمی» بودن شبکه‌های تنظیم‌گری این ذهنیت را متبادر می‌کند که فاقد قدرت تصمیم‌گیری و تأثیرگذاری بر سیاست هستند (Vantaggiato, 2020). با این شرایط، این سؤال مطرح می‌شود که چه دلیلی باعث راه‌اندازی شبکه‌های تنظیم‌گری می‌شود و آژانس‌های تنظیم‌گری با چه انگیزه‌ای در ایجاد شبکه‌های غیررسمی نقشی محوری ایفا می‌کنند و علاقه‌مند به تأسیس آن هستند؟ آیا در عمل شبکه‌های تنظیم‌گری غیررسمی از توانایی لازم برای تأثیرگذاری بر سیاست برخوردار نیستند؟

با توجه به تحقیقات انجام‌شده، یکی از انگیزه‌های اصلی آژانس‌های تنظیم‌گری جهت تأسیس شبکه‌های تنظیم‌گری غیررسمی، احساس ضرورت «تغییر جایگاه»^۳ است؛ به این معنا که آژانس‌های

1. Slaughter & Hale

2. Second Best

3. Venue Shifting

تنظیم‌گری تمایل به راه‌اندازی شبکه‌هایی غیررسمی دارند تا جایگاه بحث درباره‌ی یک موضوع سیاستی خاص را از محیطی رسمی که در آن به دلیل سلطه‌ی بازیگران سیاسی، توانایی تنظیم دستور کار^۱ ندارند - یا توانایی تنظیم دستور کار را تنها با همتایان خود به اشتراک می‌گذارند (Baumgartner & Jones, 2010; Vantaggiato, 2020).

همین انگیزه‌ی «تغییر جایگاه» باعث می‌شود تا تنظیم‌گران شبکه‌های غیررسمی را به سازوکارهای همکاری رسمی ترجیح دهند. در محیط‌های رسمی، تنظیم‌گران بالاجبار قدرت تصمیم‌گیری را با بازیگران سیاسی به اشتراک می‌گذارند که نفوذ بیشتری دارند و بنابراین دستور کار را کنترل کرده و تنظیم‌گران را به جایگاه مشاوره‌ای تنزل می‌دهند. در مقابل، در شبکه‌های غیررسمی، تنظیم‌گران دستور کار را تعیین می‌کنند و به‌طور مستقل همکاری‌ها را مدیریت می‌کنند و برعکس حالت اول، کنترل انحصاری بر دستور کار شبکه دارند (Vantaggiato, 2020).

درست است که در ادبیات، غیررسمی بودن شبکه‌های تنظیم‌گری در درجه‌ی اول به ناتوانی آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های الزام‌آور اشاره دارد، اما از طرفی دیگر، غیررسمی بودن، باعث کاهش نظارت خارجی و دخالت در فعالیت‌های شبکه خواهد شد (Papadopoulos, 2007; Bach et al, 2016)؛ در شبکه‌های غیررسمی، تنظیم‌گران می‌توانند اطلاعات و نظرات را به‌صورت محرمانه تبادل کنند و امکان توسعه‌ی اعتماد را فراهم سازند (Yesilkagit & Danielsen, 2011)، علاوه بر این، تنظیم‌گران قادر به تنظیم دستور کار و مدیریت همکاری در عرصه‌ی نهادی متمایزی هستند که در آن تنها خود تنظیم‌گران امکان شرکت داشته (Baumgartner & Jones, 2010) و عدم حضور فعالان سیاسی از ویژگی‌های اختصاصی آن است (Vantaggiato, 2020).

بنابراین، اگرچه در نگاه اول به‌نظر می‌رسد شبکه‌های تنظیم‌گری غیررسمی فاقد قدرت تصمیم‌گیری باشند، اما تنظیم‌گران در شبکه این امکان را پیدا می‌کنند تا با بهره‌گیری از اطلاعات انباشته شده در شبکه و انتقال آن به بازیگران سیاسی، در فرایندهای سیاست‌گذاری تأثیرگذار باشند. با وجود چنین شرایطی، به‌نظر می‌رسد غیررسمی بودن شبکه، دیگر یک عامل بیش از اندازه محدودکننده نباشد؛ چرا که فضایی برای تنظیم‌گران فراهم می‌شود تا از تخصص فنی و اطلاعات با کیفیت بالا که از طریق

شبکه‌های خود به دست آورده‌اند و در دسترس مدیران سیاسی آن‌ها نیست، به‌عنوان اهرم سیاسی و در جهت شکل دادن به دستور کار سیاست استفاده کرده و تصمیم‌گیرندگان سیاسی راقانع سازند که در تدوین سیاست‌ها با شبکه به مشورت بپردازند (Bach et al., 2015; Boeger & Corkin, 2017). با توجه به ماهیت به‌شدت تخصصی تنظیم‌گری در بخش‌های مختلف، سیاست‌گذاران برای تدوین سیاست با تنظیم‌گران مشورت خواهند کرد و به تنظیم‌گران نفوذ بیشتری نسبت به آنچه در چهارچوبی رسمی و تحت سلطه‌ی بازیگران سیاسی امکان‌پذیر بود، می‌دهند (Vantaggiato, 2020).

در مجموع، به نظر می‌رسد انگیزه‌ی تغییر جایگاه بحث‌های سیاستی از محیط‌های رسمی به شبکه‌های تنظیم‌گری غیررسمی با هدف ارائه‌ی دستور کارها به سیاست‌گذار و ایفای نقش مشورتی، مطلوب‌ترین ساختار برای تنظیم‌گران باشد. تنظیم‌گران، شبکه‌های تنظیم‌گری غیررسمی را به‌عنوان «اولین بهترین»^۱ گزینه‌ی سیاستی می‌شناسند و معتقدند که همکاری‌های غیررسمی باید مقدم باشد تا زمینه‌ی ابتکارات رسمی فراهم شود (Vantaggiato, 2020).

فصل چهارم

کارکردهای شبکه‌های تنظیم‌گری

در این قسمت، کارویژه‌های منتسب به شبکه‌های تنظیم‌گری و تأثیرات و پیامدهایی که این نهادها بر سطوح مختلف تنظیم‌گری و حکمرانی گذاشته‌اند، مورد بررسی قرار می‌گیرد. تأثیرات شبکه‌های تنظیم‌گری را می‌توان در سه سطح کلی دسته‌بندی کرد. سطح اول، تأثیراتی است که تک‌تک تنظیم‌گران از تأسیس و عضویت در شبکه می‌بینند. سطح دوم، تأثیراتی است که شبکه از طریق بهبود روابط تنظیم‌گران بر نظام تنظیم‌گری می‌گذارد. در آخر، سطح سوم به تأثیرات شبکه‌ی تنظیم‌گری بر نظام حکمرانی می‌پردازد. نکته‌ی حائز اهمیت آن است که علاوه بر آنکه شبکه در این سه سطح کارکردهای مهمی را ایفا می‌کند، خود این سطوح نیز بر یکدیگر اثرگذار هستند. امروزه، تنظیم‌گران ارکان ضروری و غیرقابل انکار در نظام حکمرانی هستند و توانمندی آنان به همراه ارتقای عملکرد نظام تنظیم‌گری، تأثیر به‌سزایی بر نظام حکمرانی خواهد گذاشت. از طرف دیگر، بهبود نظام تنظیم‌گری و نظام حکمرانی نیز بر آنکه تنظیم‌گران به سطوح مطلوبی از تخصص و منابع برسند، مؤثر است. در نهایت، شبکه با ارتقای این سه سطح و برهم‌کنش این سطوح بر یکدیگر، تأثیرات فزاینده‌ای بر تنظیم‌گری، نظام تنظیم‌گری و نظام حکمرانی خواهد داشت.

۴-۱. سطح تنظیم‌گران

اولین سطحی که شبکه‌های تنظیم‌گری بر آن اثر می‌گذارند، سطح تنظیم‌گران است؛ بدین معنا که تأسیس شبکه برخی از ویژگی‌های یکایک تنظیم‌گران را ارتقاء می‌دهد و آنان را به تنظیم‌گرانی با عملکرد بهتر تبدیل می‌کند. در همین راستا، برخی از اعضای شبکه‌های تنظیم‌گری (به‌ویژه شبکه‌های تنظیم‌گری اروپا) اذعان دارند که عضویت در شبکه، باعث بهبود عملکرد آنان در محیط‌های داخلی خود شده و توانمندی تنظیم‌گران را در پی داشته است (Vantaggiato et al, 2020). توانمندسازی تنظیم‌گران به‌واسطه‌ی عضویت در شبکه را می‌توان در ۳ دسته‌ی کلی مطرح کرد.

۴-۱-۱. افزایش تخصص و منابع

ادبیات اخیر بیان می‌کند که شبکه‌های تنظیم‌گری ممکن است با فراهم کردن دسترسی تنظیم‌گران به اطلاعات با کیفیت بالا و تخصص همتایان، وضعیت آنان و حکمرانی را بهبود دهد (Bianculli et al., 2017; Jordana, 2017; Papadopoulos, 2017). به‌عنوان مثال، تنظیم‌گران ممکن است از همتایان خود در مورد تجربیاتشان در رابطه با یک اقدام تنظیمی خاص یا چگونگی مقابله با یک مسئله‌ی خاص پیرسند. علاوه بر این، شبکه به تنظیم‌گران اجازه می‌دهد تا وضعیت بازار خود و همچنین تصمیمات و اقدامات تنظیم‌گرانه‌ی خود را محک بزنند و ارتقا ببخشند (Vantaggiato, 2019).

۴-۱-۲. افزایش شهرت و اعتبار

تجربیات تنظیم‌گری نشان می‌دهد که شهرت برای مقامات تنظیم‌گری بسیار مهم است (Busuioc, 2016; Carpenter, 2004; Busuioc & Lodge, 2016). همچنین شهرت و اعتبار تنظیم‌گران به توانایی آن‌ها در اتخاذ تصمیمات مطلوب بستگی دارد (Leaver, 2009). تنظیم‌گران با تکیه بر شبکه‌ی همتایان خود، می‌توانند تخصص خود را بهبود بخشند که این امر منجر به تصمیمات تنظیم‌گری صحیح‌تر و در نهایت حسن شهرت و اعتبار بیشتر می‌شود. این تحلیل نشان می‌دهد که شبکه‌ها علاوه بر آنکه موجب بهبود تخصص تنظیم‌گران در مواجهه با منابع کمیاب می‌شوند، شهرت آنان را نیز بهبود می‌بخشند (Vantaggiato, 2019).

۴-۱-۳. افزایش قدرت و استقلال

استفاده‌ی استراتژیک تنظیم‌گران از شبکه‌ها موضوعی است که اخیراً مطالعاتی بر روی آن انجام شده است. برخی از محققان دریافته‌اند که عضویت و مشارکت در شبکه‌های تنظیم‌گری، استقلال بوروکراتیک و استقلال در عمل تنظیم‌گران را افزایش می‌دهد (Danielsen & Yesilkagit, 2014; Vantaggiato, 2019). دو استدلال در ادبیات به توضیح این گزاره می‌پردازد.

اول آنکه شبکه‌ها اطلاعاتی را در اختیار تنظیم‌گران قرار می‌دهند که در دسترس مدیران و نهادهای بالادستی آن‌ها نیست. این امر منتج به آن می‌شود که تنظیم‌گران از موقعیت واسطه‌ای خود در بین سطوح حکمرانی به‌نحوی احسن استفاده کنند و استقلال و قدرت خود را گسترش دهند (Bach & Ruffing, 2014; Ruffing, 2014). دومین استدلال برای توضیح افزایش استقلال تنظیم‌گران به ضعف در تخصص و تصمیم‌گیری آنان بر می‌گردد. اگر مشخص شود که تنظیم‌گران نمی‌توانند وظایف

خود را به درستی انجام دهند، ممکن است با پایان‌دهی^۱ یا مداخله‌ی دولت^۲ مواجه شوند (Pollack, 2002). در این شرایط، شبکه‌های تنظیم‌گری با بهبود تخصص و ارتقای تصمیمات، می‌توانند از مداخله‌ی دولت جلوگیری کنند و استقلال تنظیم‌گران را افزایش دهند (Vantaggiato, 2019).

۴-۲. سطح نظام تنظیم‌گری

یکی از مهم‌ترین دلایل عدم توفیق نهادهای تنظیم‌گر، عملکرد انفرادی و جزیره‌ای این نهادها و در نتیجه فاصله گرفتن‌شان از تأثیرگذاری عمیق بر بازار و نظام حکمرانی است. عدم توفیقات ویژه و کژکارکردی‌های ناشی از عملکرد انفرادی نهادهای تنظیم‌گر، سبب شکل‌گیری ایده‌های متأخر شده است که تحقق اهداف و کارکردهای تنظیم‌گری و سپس نیل به حکمرانی تنظیم‌گرانه را از طریق اتخاذ رویکردهای نظام‌مند میسر می‌داند؛ به این معنا که «نظام تنظیم‌گری» جایگزین اقدامات انفرادی تنظیم‌گران شده و سبب خارج شدن آن‌ها از انزوای سیاسی شود؛ نظامی که پیاده‌سازی آن، نیازمند حلقه‌های مکملی است تا ارتباط میان تنظیم‌گران با یکدیگر، دیگر ارکان حاکمیت، سایر سازمان‌ها، بخش خصوصی و نظام آموزش عالی را برقرار کرده و یک روح یکپارچه و نظام‌مند در میان آن‌ها به وجود آورد (میرزائی و هاشمی، ۱۴۰۲).

با این مقدمه‌ای که از نظام تنظیم‌گری ذکر شد، ارتباط مؤثر تنظیم‌گران با یکدیگر بخشی مهم از نظام تنظیم‌گری را تشکیل می‌دهد. یکی از کارکردهای آشکار شبکه‌ی تنظیم‌گری تکمیل این بخش از نظام تنظیم‌گری است. شبکه‌ی تنظیم‌گری با ایجاد بستری برای اشتراک منابع، تشکیل همکاری‌های سازنده میان تنظیم‌گران، افزایش ظرفیت هماهنگی، همگرایی و سازگاری و ایجاد نوعی هویت حرفه‌ای مشترک می‌تواند تأثیر به‌سزایی بر تکمیل نظام تنظیم‌گری بگذارد. در ادامه‌ی این بخش کارکردهایی از شبکه که مؤثر بر نظام تنظیم‌گری است، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۲-۱. تعیین، ترویج و نظارت بر استانداردها و روال‌های مطلوب تنظیم‌گری

یکی از کارویژه‌های مهم شبکه‌های تنظیم‌گری، گسترش روال‌های مطلوب تنظیم‌گری^۳ است. روال‌های مطلوب، روش یا تکنیکی است که منجر به نتایج اثربخش‌تر و برجسته‌تری نسبت به

1. Termination

2. Government Intervention

3. Regulatory Best Practices

روش‌های دیگر می‌شود و به دلیل آنکه به‌طور عام توسط گروهی از متخصصین یک رشته یا موضوع پذیرفته شده است، به‌عنوان یک شاخص استفاده می‌شود. برخی از محققان استدلال کرده‌اند که شبکه‌ها می‌توانند کیفیت تصمیم‌گیری را از طریق توزیع روال‌های مطلوب و بهبود استانداردهای حرفه‌ای افزایش دهند (Maggetti & Gilardi, 2013; Newman & Zaring, 2013). این روال‌های مطلوب تنظیم‌گری معمولاً در دو گروه طبقه‌بندی می‌شوند. گروه اول مواردی است که به‌طور عام برای همه‌ی تنظیم‌گران مطرح می‌شود و معمولاً ویژگی‌های مطلوب نهادی مثل استقلال، شفافیت، پیش‌بینی‌پذیری در این دسته گنجانده می‌شوند. گروه دوم نیز به روال‌های مطلوبی اشاره دارد که مختص هر حوزه است و از حوزه‌ای به حوزه‌ی دیگر ممکن است متفاوت باشد.

نمونه‌ی بارز از ترویج روال‌های مطلوب تنظیم‌گری در شبکه‌های تنظیم‌گری اروپا^۱ قابل مشاهده است. شبکه‌های تنظیم‌گری اروپایی مسئول تولید و انتشار استانداردها، دستورالعمل‌ها و توصیه‌ها در تعدادی از حوزه‌های مهم مانند بانکداری و مالی، برق و گاز، مخابرات و مقررات رقابت هستند. به‌طور معمول، این شبکه‌ها ابتدا روال‌های مطلوب تنظیم‌گری را جمع‌آوری می‌کنند و سپس قوانین نرم خاص‌تری را تدوین می‌کنند که همه اعضا معمولاً ظرف یک سال ملزم به اتخاذ آن‌ها هستند. هدف این قوانین نرم، ترویج بهترین شیوه‌های تنظیم‌گری، دستیابی به هماهنگی بین مقامات تنظیم‌گری و اطمینان از اجرای مداوم قوانین هماهنگ‌شده در سراسر اروپا است (Maggetti & Gilardi, 2014).

شبکه‌های تنظیم‌گری، روال‌های مطلوب را با فعال‌سازی مکانیسم‌های اجتماعی شدن، فشار هم‌تایان و فشار جامعه‌ی مدنی و اغلب در قالب «قوانین نرم» ترویج می‌کنند. با این وجود، برخی از شبکه‌های تنظیم‌گری به‌جای استفاده از روش‌های نرم، از مکانیسم‌های «تعهد‌آور و الزامی» برای تعیین و نظارت بر روال‌های مطلوب استفاده می‌کنند. نکته‌ی حائز اهمیت آن است که در نگاه‌های کارکردگرا به شبکه‌های تنظیم‌گری، استانداردها و روال‌های مطلوب به‌عنوان کانال‌های کلیدی برای جلوگیری از عدم اجرای مقررات معرفی می‌شوند. شبکه‌ها با تعیین، ترویج و نظارت بر استانداردها و روال‌های مطلوب، عملکرد تنظیم‌گران را بهبود می‌بخشند و با فعال‌سازی نوعی از مکانیسم‌های هماهنگی، از وقوع آربتراژ تنظیم‌گری، رقابت تنظیمی منفی، خرید جایگاه و تسخیر تنظیم‌گری جلوگیری می‌کنند (Li & Newman, 2022).

1. European Regulatory Network (ERN)

۴-۲-۲. کمک به افزایش انگیزه‌های اعتباری تنظیم‌گران

یکی از انتظارات رایج از شبکه‌های تنظیم‌گری، ایجاد انگیزه‌های اعتباری و فعال‌سازی مکانیسم‌های شهرت برای تنظیم‌گران است. تنظیم‌گران اغلب موظفند به این واسطه حرفه‌ای عمل کنند و کیفیت نتایج تنظیم‌گری خود را ارتقا دهند (Majone, 2000). در همین راستا، شبکه‌ها معمولاً از دو کانال کلیدی برای درگیر کردن مکانیسم‌های اعتبار و شهرت استفاده می‌کنند.

اول آنکه شبکه‌ها بستری برای اعمال «فشار همتایان»^۱ فراهم می‌کنند. فشار همتایان به تأثیرات یک گروه بر اعضای خود در جهت تغییر رفتارها و ارزش‌ها برای همگام‌شدن با گروه، اطلاق می‌گردد. در شبکه‌های تنظیم‌گری، فشار همتایان زمانی رخ می‌دهد که تنظیم‌گر اقداماتی را انجام دهد که در نگاه دیگر تنظیم‌گران عضو شبکه مورد قبول نباشد و مورد سرزنش آنان قرار گیرد (Li & Newman, 2022). این کارویژه‌ی شبکه کمک‌قابل توجهی به انطباق با استانداردها و قوانین نرم شبکه‌ها می‌کند و در نهایت منجر به نوعی از رقابت تنظیمی مثبت میان تنظیم‌گران خواهد شد. حتی برخی از شبکه‌های تنظیم‌گری اروپایی رویه‌های رسمی‌تری برای این مسئله به کار برده‌اند؛ یکی از مهم‌ترین ارکان نهادی این شبکه‌ها، هیئت‌های بازبینی^۲ هستند که وظیفه‌ی نظارت بر گسترش و اجرای قوانین نرم مورد تأیید شبکه را بر عهده دارند. هدف صریح این هیئت‌های بازبینی، اعمال فشار همتایان برای انطباق از طریق ارزیابی‌های منظم و گزارش‌دهی است. این شبکه‌ها فرض می‌کنند که فشارها انگیزه‌هایی اعتباری برای مقامات تنظیم‌گری ایجاد می‌کنند تا قوانین نرم را به‌منظور برآورده کردن انتظارات سایر اعضا و اجتناب از سرزنش عمومی اعمال کنند (Maggetti & Gilardi, 2014).

دومین کانال مؤثر بر انگیزه‌های اعتباری تنظیم‌گران، فشارهای عمومی است. انتشار گزارش‌های عملکرد تنظیم‌گران در شبکه نه تنها مکانیسم فشار همتایان را فعال می‌کند، بلکه تنظیم‌گر را تحت فشارهای عمومی قرار می‌دهد تا رویه‌های خود را با روال‌های مطلوب تنظیم‌گری و قوانین نرم شبکه منطبق سازد. شهرت برای تنظیم‌گران همواره مسئله‌ای مهم است و فشارهای اجتماعی و سرزنش‌های عمومی، شهرت و اعتبار تنظیم‌گران را درگیر می‌کند. به‌طور کلان‌تر، آژانس‌های تنظیم‌گری معمولاً پیش‌بینی می‌کنند که عدم انطباق آشکار با قوانین نرمی که در شبکه تولید می‌شود، پیامدهای مهمی

1. Peer Pressure

2. Review Groups

برای سوء شهرت آن‌ها در قبال سایر تنظیم‌گران، صنایع تحت تنظیم و عموم مردم دارد (Maggetti & Gilardi, 2014).

۴-۲-۳. ایجاد هویت حرفه‌ای مشترک

در رشته‌هایی مثل جامعه‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی و مردم‌شناسی، «جامعه‌پذیری»^۱ فرایندی است که در آن، انسان هنجارها و ارزش‌های جامعه‌ی پیرامون خود را یاد می‌گیرد و سپس آن‌ها را درونی کرده و به جزئی از وجود خود بدل می‌کند. پژوهشگران تنظیم‌گری با وام‌گیری از مفهوم جامعه‌پذیری در علوم اجتماعی، شبکه‌های تنظیم‌گری را نوعی مکان‌های اجتماعی سازی می‌دانند که باورهای مشترک را از طریق انتقال هنجارها و ارزش‌ها در تنظیم‌گران درونی سازی می‌کنند (Papadopoulos, 2018; Vantaggiato).

برخی از محققان استدلال کرده‌اند که تعاملات طولانی مدت و مکرر در درون شبکه و تحقق فرایند جامعه‌پذیری، می‌تواند منتج به شکل‌گیری اصطلاحی تحت عنوان «Esprit De Corps» شود. این اصطلاح که ریشه‌ای فرانسوی دارد، در معنای لغوی خود اشاره به «احساس غرور، همراهی و وفاداری مشترک بین اعضای یک گروه» دارد (Papadopoulos, 2018; Maggetti & Gilardi, 2014). شبکه‌های تنظیم‌گری همانند اصنافی چون پزشکان و وکلای می‌توانند این احساس وفاداری را در اعضای خود به وجود بیاورند. به همین منظور، برخی ادعا می‌کنند که پیوند تنظیم‌گران با یکدیگر، آنان را به متحدان بالقوه‌ای در مقابل بازار و دولت بدل می‌کند (Newman & Zaring, 2013). نهایتاً، به طور بلندپروازانه‌تر، شبکه‌های تنظیم‌گری را می‌توان به عنوان «سازندگان هویت»^۲ در نظر گرفت. شبکه‌ها به تولید یک هویت حرفه‌ای^۳ مشترک در میان تنظیم‌گران کمک می‌کنند و جامعه‌ای برای حل مسائل تنظیم‌گری می‌سازند که تعاریف همگرا از مسائل خواهند داشت (Papadopoulos, 2018).

۴-۲-۴. افزایش ظرفیت هماهنگی، همگرایی و سازگاری

شبکه‌های تنظیم‌گری باعث شکل‌گیری ارتباطی مؤثر میان تنظیم‌گران مختلف می‌شوند؛ ارتباط مؤثر به این معناست که هر نهاد تنظیم‌گر حاضر در شبکه، فرصت همکاری با سایر تنظیم‌گران را پیدا می‌کند

1. Socialization
2. Identity Builders
3. Professional Identity

و تجمیع این همکاری‌ها موجب افزایش ظرفیت هماهنگی^۱، همگرایی^۲ و سازگاری^۳ اعضای شبکه خواهد شد. ساختار شبکه‌های تنظیم‌گری به هر تنظیم‌گر - فارغ از کوچک یا بزرگ بودن، انباشت منابع کم یا زیاد، تجربه‌ی اندک یا فراوان - این اجازه را می‌دهد که بر دستور کار شبکه تأثیرگذار باشد و در نتیجه فرصت‌های برابری را در اختیار همه‌ی تنظیم‌گران جهت همکاری با سایرین قرار می‌دهد. همچنین لازم به ذکر است که ارتباط و همکاری تنظیم‌گران با یکدیگر صرفاً در محدوده‌ی ارتباطات رسمی و قالب‌های بوروکراتیک شبکه انجام نمی‌شود و بسیاری از تعاملات در محیط‌های غیررسمی شبکه صورت می‌پذیرد؛ چنین تعاملاتی نیز در هماهنگی و همگرایی تنظیم‌گران مؤثر واقع خواهد شد (Vantaggiato et al, 2020).

به‌عنوان نمونه، در مطالعات اتحادیه اروپا، شبکه‌ها سنگ بنای یک معماری انعطاف‌پذیر و چندسطحی در نظر گرفته می‌شوند که می‌توانند ظرفیت ایجاد اجماع، هماهنگی و همگرایی را در مناطقی که در برابر یکپارچگی «سخت» و اروپایی‌سازی مقاوم هستند، افزایش دهند. تحقیقات اخیر نشان داده‌اند که «شبکه‌های تنظیم‌گری اروپایی»^۴ با اینکه از قدرت رسمی کمی برخوردار هستند، می‌توانند در ترویج قوانین هماهنگ در سطح داخلی، بسیار مؤثر باشند (Maggetti, 2014).

۴-۲-۵. ارتقای ظرفیت و نگرش حل مسئله

شبکه‌های تنظیم‌گری معمولاً عرصه‌ای را فراهم می‌کنند که تنظیم‌گران بتوانند به درک مشترک از مسائل، هنجارهای یکسان و تمایلات درونی واحد برسند. از این رو، تنظیم‌گران تعاملات مکرر و سازنده‌ای را با یکدیگر شکل می‌دهند و نوعی روح جمعی بر آنان حاکم می‌شود. با شکل‌گیری چنین محیطی، تنظیم‌گران که اغلب مشکلاتی مشترک دارند، با یکدیگر هم‌ذات‌پنداری می‌کنند و در نهایت رفتارهای مشارکتی و نگرش‌های حل مسئله در آن‌ها تقویت می‌شود (Maggetti & Gilardi, 2013).

با توجه به آنچه گفته شد، برخی از پژوهش‌ها ویژگی‌های اصلی شبکه‌های تنظیم‌گری اروپا را «جستجو برای راه‌حل‌های مشترک برای مشکلات مشترک، با استفاده از تعاملات مشورتی» می‌دانند. در همین راستا، رویکرد حل مسئله به‌وضوح در جلسات شبکه‌هایی مثل پلتفرم اروپایی مقامات

1. Harmonization
2. Convergence
3. Consistency
4. European Regulatory Networks (ERNs)

تنظیم‌گری^۱ غالب است و به‌عنوان مثال، این شبکه مدلی از جلسات را برای اعضای خود فراهم کرده است که در آن بر روی موقعیت‌هایی که برای تنظیم‌گران مشکل‌ساز است، متمرکز می‌شوند (2018, Papadopoulos). بنابراین، ایجاد یک روح جمعی، وجود مشکلات مشترک و هم‌ذات‌پنداری تنظیم‌گران با یکدیگر، تعاملات مشورتی، اشتراک منابع و یادگیری را در شبکه تقویت می‌کند و در نهایت، ظرفیت و نگرش‌های حل مسئله در تنظیم‌گران ارتقا می‌یابد.

۴-۳. سطح نظام حکمرانی

تأثیرات و پیامدهای شبکه‌ی تنظیم‌گری بر نظام حکمرانی اغلب در دو شکل صورت‌بندی می‌شوند. برخی از تأثیرات شبکه بر نظام حکمرانی غیرمستقیم است و از مسیر بهبود وضعیت تنظیم‌گران و ارتقای عملکرد نظام تنظیم‌گری می‌گذرد (2019, Vantaggiato). برخی دیگر از تأثیرات شبکه بر نظام حکمرانی مستقیم است و از طریق خود شبکه دنبال می‌شود. در این قسمت، به نقش مستقیم شبکه‌های تنظیم‌گری در نظام حکمرانی پرداخته می‌شود. شبکه‌های تنظیم‌گری گاهی بدل به شبکه‌های مسئله و جوامع معرفتی می‌شوند و اینگونه بر نظام حکمرانی و سیاست‌ها اثر می‌گذارند. گاهی نیز خود شبکه‌ها کانال‌های انتشار سیاست و کاتالیزور آن می‌شوند و از این مسیر عملکرد ماشین حکمرانی را بهبود می‌بخشند. از طرفی دیگر، شبکه‌های تنظیم‌گری باعث می‌شوند تا تنظیم‌گران که یکی از بازیگران مهم در نظام حکمرانی هستند، ظرفیت بیشتری برای چانه‌زنی و خروج از سلطه‌ی بازیگران سیاسی پیدا کنند تا بتوانند وظایف تنظیم‌گرایانه‌ی خود از جمله تحقق منفعت عمومی را به‌نحوی مطلوب تر انجام دهند.

۴-۳-۱. کمک به افزایش تأثیر تنظیم‌گران بر سیاست

ساختارهای شبکه‌ای بین تنظیم‌گران، چه به‌صورت رسمی و چه به‌صورت غیررسمی، بازیگران جدیدی را در فرایندهای دستور کار، تدوین و اجرای سیاست پدیدار می‌کند. امروزه، شبکه‌های تنظیم‌گری در مقاطع گوناگون می‌توانند به‌مثابه‌ی «شبکه‌ی مسئله»^۲ یا «جامعه‌ی معرفتی»^۳ بر فرایندهای سیاستی اثرگذار باشند (2020, Hasselbalch & Tsingou).

1. European Platform of Regulatory Authorities (EPRA)

2. Issue Network

3. Epistemic Community

شبکه‌های تنظیم‌گری با ایجاد ارتباط میان بازیگران مختلف و بسیج آنان، همانند شبکه‌های مسئله، اتحادی از ذی‌نفعان مختلف را رقم می‌زنند تا یک هدف یا دستور کار مشترک را به گونه‌ای ترویج کنند که بر سیاست‌های دولت اثر بگذارد (Maggetti, 2014). مکانیسم دیگر برای تأثیر بر سیاست، وجود یک جامعه‌ی معرفتی است. به تعبیر هاس، جامعه‌ی معرفتی به معنای شبکه‌ای از متخصصان شناخته‌شده در یک حوزه‌ی خاص است که ادعاهای معتبری برای دانش مربوط به سیاست در آن حوزه دارند. این شبکه‌ها می‌توانند به کمک تصمیم‌گیرندگان بیایند و آنان را در تعریف مسئله، راه‌حل و ارزیابی سیاست کمک کنند (Haas, 1992). شبکه‌های تنظیم‌گری نیز با توجه به آنکه از تخصص برتر و اطلاعات با کیفیت بالا برخوردار هستند، می‌توانند بر شکل دادن به دستور کار سیاست و راه‌حل‌های آن اثرگذار باشند (Vantaggiato, 2020).

از سویی دیگر، شبکه‌های تنظیم‌گری-به‌ویژه در نظام‌هایی که با حکمرانی چندسطحی^۱ اداره می‌شوند- می‌توانند به‌عنوان کاتالیزورها و کانال‌های انتشار سیاست در نظر گرفته شوند (Cao, 2010). به‌عنوان مثال، شبکه‌های تنظیم‌گری اروپا شبکه‌هایی از مقامات تنظیم‌گر ملی هستند که به تسهیل اجرای سیاست‌های اتحادیه اروپا کمک قابل توجهی می‌کنند (Vantaggiato et al, 2020).

۴-۳-۲. کمک به خروج تنظیم‌گران از سلطه‌ی سیاسی و افزایش قدرت چانه‌زنی

ظرفیت‌های ایجاد شده در شبکه‌های تنظیم‌گری شرایطی را برای آژانس‌های تنظیم‌گری جهت افزایش قدرت و خروج از سلطه‌ی بازیگران سیاسی فراهم خواهد کرد. پیوندهای ایجاد شده میان تنظیم‌گران در شبکه متحدان بالقوه‌ای را در مقابل سایر بازیگران بازار و دولت به وجود می‌آورد که منجر به افزایش قدرت لابی و اثرگذاری بر دستور کار خواهد شد (Newman & Zaring, 2013). انتظار می‌رود که آژانس‌های تنظیم‌گری از تعهدات و ظرفیت‌های فراهم در سطح شبکه و با تکیه بر «روال‌های مطلوب» توسعه یافته و تأیید شده در شبکه، جهت تقویت موقعیت چانه‌زنی خود در برابر مدیران بالادستی خود، استفاده کنند (Maggetti, 2014).

مگتی^۲ با تحقیق بر روی شبکه‌های تنظیم‌گری اروپایی، این فرضیه را مطرح می‌کند که آژانس‌های تنظیم‌گری با هدف افزایش قدرت چانه‌زنی در برابر مدیران سیاسی داخلی خود، از یک سو، می‌توانند

1. Multi-level Governance

2. Maggetti

مدیران سیاسی خود را با بیان اینکه اگر قواعدی را که در سطح شبکه مورد توافق جمعی قرار گرفته است، اتخاذ نکنند، مورد سرزنش عمومی قرار خواهند گرفت، تحت فشار قرار دهند؛ از سوی دیگر، آژانس‌ها می‌توانند به‌طور متقاعدکننده‌ای استدلال کنند که فقدان قدرت در هنگام تعامل در شبکه، موقعیت نامطلوبی را برای آن‌ها در مقابل هم‌تایان خود ایجاد خواهد کرد که می‌تواند برای کل کشور عضو مخرب باشد (Maggetti, 2014).

فصل پنجم

ابزارهای شبکه‌های تنظیم‌گری

پس از بررسی ضرورت‌ها و کارکردهای شبکه‌های تنظیم‌گری، آخرین بخشی که در مدل ارائه شده در این کتاب بررسی می‌شود، ابزارها شبکه‌های تنظیم‌گری است. این ابزارها به‌نوعی خروجی‌هایی از شبکه‌های تنظیم‌گری هستند که هر کدام به‌نحوی عینی در راستای یک یا چند کارکرد از شبکه حرکت می‌کنند و به‌دنبال رفع مسائلی هستند که شبکه به خاطرشان تأسیس شده است.

۵-۱. برگزاری رویداد

رویدادهایی که با حمایت شبکه‌های تنظیم‌گری برگزار می‌شوند، از جایگاه ویژه و منحصر به فردی در میان طیف متنوعی از رویدادهای پیش روی متخصصان و علاقه‌مندان حوزه‌ی تنظیم‌گری برخوردار هستند. خروجی‌ها و منافع حاصل از یک رویداد ممکن است برای یک تنظیم‌گر بسیار سودمند بوده و برای یک تنظیم‌گر دیگر کمتر سودمند باشد؛ با این حال، برگزاری چنین رویدادهایی باعث ارتقای همبستگی میان نهادهای تنظیم‌گر در سطح یک کشور یا منطقه خواهد شد. به جهت ارتقای کیفیت، تعیین موضوعات، سخنرانان و قالب‌های رویدادها را می‌توان به رهبران و مدیرانی که از اطلاعات و دیدگاه‌های به‌روزتری برخوردار هستند، محول نمود (Berg & Horrall, 2008).

نحوه‌ی پذیرش افراد برای شرکت در رویدادها بسته به منافع و اهداف مورد انتظار، متفاوت خواهد بود؛ ممکن است محدودیتی وجود نداشته و حضور در رویداد برای همه‌ی افراد ثبت‌نامی میسر باشد، همچنان که امکان حذف افراد فاقد عضویت در شبکه‌ی تنظیم‌گری، به فراخور محتوای رویدادها نیز وجود دارد. به‌عنوان مثال، برخی از رویدادهای برگزار شده توسط انجمن ملی کمیسیون‌های خدمات شهری تحت تنظیم^۱ در ایالات متحده، صرفاً برای کمیسیون‌ها یا کارکنان کمیسیون آزاد است، درحالی‌که فعالیت‌ها و رویدادهایی نیز برگزار می‌کند که برای همه ثبت‌نام‌کنندگان در دسترس است. چنین رویدادهایی منبع درآمد خالص برای NARUC هستند. رویدادهایی که صرفاً با افراد عضو شبکه

1. National Association of Regulated Utility Commissioners (NARUC)

برگزار می‌شوند، فرصت‌های مناسبی را برای به اشتراک گذاشتن اطلاعات و استراتژی‌های حساس‌تر فراهم کرده و طرح سؤالات و موضوعات بی‌پرده‌تر را ممکن می‌سازند (Berg & Horrall, 2008).

۵-۲. اشتراک داده‌ها

داده‌ها برای مقایسه عملکرد هر تنظیم‌گر در طول زمان و بررسی شرایط حوزه‌های تحت تنظیم مفید است. به وسیله‌ی داده‌ها و اشتراک آن‌ها، تنظیم‌گران می‌توانند ورودی‌های قابل مقایسه به دست آورند و در موقعیتی قرار بگیرند که اهداف را بهتر تعیین کرده و با ایجاد انگیزه، از تصمیمات خود دفاع کنند. دسترسی به داده‌های معیار، باعث کاهش عدم تقارن اطلاعات می‌شود که تنظیم‌گران به‌طور معمول و در موقعیت‌های مختلف با آن روبرو هستند. اشتراک‌گذاری داده‌ها به‌ویژه برای کشورهای در حال توسعه که به‌طور سنتی در ثبت سوابق ضعیف هستند، از اهمیت ویژه‌تری برخوردار است (Berg & Horrall, 2008).

اشتراک‌گذاری داده‌ها با هدف استانداردسازی^۱، نوعی کالای عمومی محسوب می‌شود و توسعه‌ی الگوهایی برای گزارش‌ها و تعاریف داده‌ها و همچنین سودمندی داده‌ها، مستلزم همکاری یا پذیرش قالب‌های توسعه‌یافته توسط دیگران است. برخی از شبکه‌های تنظیم‌گری مانند «انجمن منطقه‌ای تنظیم‌گران انرژی»^۳، بخشی از بودجه‌ی خود را با دریافت هزینه برای دسترسی به پایگاه‌های اطلاعاتی تحت اختیار خود، تأمین می‌کنند (Berg & Horrall, 2008).

۵-۳. صدور اعلامیه‌های عمومی مشترک

«اعلامیه‌های عمومی»^۴ بیانیه‌های رسمی^۵، اعلان‌ها^۶ یا اطلاعیه‌هایی^۷ هستند که توسط مقامات به‌عنوان اصول، به رسمیت شناخته شده و بر نحوه‌ی مواجهه‌ی تنظیم‌گران با مسائل تأثیر می‌گذارند. به بیان

-
1. Benchmarking Data
 2. Data for Benchmarking
 3. Energy Regulators Regional Association (ERRA)
 4. Public Pronouncements
 5. Official Statements
 6. Notices
 7. Announcements

دیگر، اعلامیه‌های عمومی شامل اسنادی است که توسط شبکه‌های تنظیم‌گری صادر می‌شود و مانند بیانیه‌ی ماموریت یک شبکه عمل می‌کند و در عمل، بعید است که بیش از حد بحث‌برانگیز باشد. یکی از وظایف و کارکردهای اعلامیه‌های عمومی ایجاد تعهد نسبت به ارائه‌ی برنامه‌ها، پشتیبانی‌ها و اطلاعات در زمینه‌های به‌خصوص است. چنین اظهاراتی بیانگر دیدگاه‌های مشترک در مورد موضوعات مهم، شناسایی اهداف یا اولویت‌های کلی و ارائه دستورالعمل‌هایی برای تقویت رویه‌های تنظیم‌گری است (Berg & Horrall, 2008).

۴-۵. ظرفیت‌سازی و آموزش

یکی از نقش‌های بالقوه‌ی شبکه‌های تنظیم‌گری، به اشتراک گذاشتن اطلاعات در مورد کلاس‌ها و برنامه‌های مقرون‌به‌صرفه با هدف توانمندی کارکنان حرفه‌ای است. در حالی که ممکن است مکانیسم‌های بازار برای تأمین چنین برنامه‌هایی برای متخصصان، نتایج نسبتاً کارآمدی را به همراه داشته باشد، حالت مقرون‌به‌صرفه‌ی دیگری برای ارائه‌ی آموزش‌های تخصصی وجود دارد که از طریق برنامه‌های همکاری و توسط شبکه‌های تنظیم‌گری اجرایی می‌شود (Nogueira, 2004). در چنین حالت‌هایی، کارکنان و متخصصان ممکن است با هزینه‌هایی کمتر، از این برنامه‌ها بهره‌مند شوند؛ در نتیجه، احتمال اینکه یک برنامه‌ی آموزشی برگزار شده توسط شبکه‌های تنظیم‌گری با موفقیت همراه شود، افزایش می‌یابد (Berg & Horrall, 2008).

نمونه‌های متعددی از برنامه‌ها و کلاس‌های آموزشی برگزار شده توسط شبکه‌های تنظیم‌گری وجود دارد. چنین برنامه‌هایی بعضاً با همکاری دانشگاه‌ها برگزار می‌شود؛ دانشگاه‌ها با توجه به توانمندی‌های آموزشی تمايلشان در تبدیل اصول به عمل، نقش پررنگی در این زمینه می‌توانند ایفا کنند. در ادامه، به برخی از این نمونه‌ها اشاره خواهد شد: انجمن منطقه‌ای تنظیم‌گران انرژی^۱ برای کمک به آموزش، پیوندهایی با دانشگاه اروپای مرکزی مجارستان (مرکز منطقه‌ای تحقیقات سیاست انرژی^۲) ایجاد کرده است؛ سازمان تنظیم‌گران خدمات شهری کارائیب^۳ دوره‌های آموزشی پیشرفته‌ای را برای

1. Energy Regulators Regional Association (ERRA)

2. Regional Center for Energy Policy Research

3. Organization of Caribbean Utility Regulators (OOCUR)

تنظیم‌گران منطقه با همکاری مرکز تحقیقات خدمات عمومی^۱ برگزار کرده است؛ انجمن آفریقایی برای تنظیم‌گران خدمات^۲ با برنامه مدیریت بازرگانی دانشگاه کیپ تاون^۳ در زمینه اصلاحات زیرساخت و تنظیم‌گری برای توسعه و ارائه‌ی آموزش همکاری کرده است؛ در آمریکای جنوبی، دانشگاه بازرگانی آرژانتین^۴ یک برنامه‌ی تحصیلات تکمیلی در حوزه‌ی تنظیم‌گری ارائه داده است و با تنظیم‌گران منطقه‌ای نیز همکاری داشته است؛ مدرسه تنظیم‌گری فلورانس^۵ (با بودجه اتحادیه اروپا) به خواسته‌های آموزشی در اتحادیه اروپا پاسخ مثبت داده است (Berg & Horrall, 2008).

۵-۵. مستندسازی قوانین، مقررات و رویه‌ها

آژانس‌های تنظیم‌گری در جهت ایجاد مشروعیت برای شهروندان و اعتبار برای سرمایه‌گذاران و وزارتخانه‌ها، نیازمند مستندسازی رویه‌ها و روش‌های خود هستند و شبکه‌های تنظیم‌گری می‌توانند در راستای تسهیل یا الزام این امر نقش آفرینی کنند؛ شبکه‌های تنظیم‌گری با تعریف، آموزش و توسعه‌ی انواع رویکردها و روش‌های مربوط به مستندسازی، در جهت کمک به تنظیم‌گران و همچنین یکپارچه‌سازی اسنادهای منتشره توسط نهادهای تنظیم‌گر مختلف گام برمی‌دارند.

در فرایند مستندسازی قوانین، مقررات و رویه‌ها، نهادهای خارجی، از جمله مشاورین و سازمان‌های چند ملیتی، نیز می‌توانند نقش آفرینی مؤثر داشته باشند. در همین راستا، مجلدها و کتابچه‌های مختلفی نیز وجود دارد که برای تنظیم‌گران ملی مفید هستند و نقطه شروع ارزشمندی برای آن‌ها محسوب می‌شود؛ برای مثال، دستینه‌ی تنظیم‌گری مخابرات^۶ و دستینه‌ی ارزیابی نظام‌های تنظیم‌گری زیرساخت^۷، مواردی از این قبیل هستند (Brown et al, 2006). با این حال، اسنادی که توسط خارجی‌ها ارائه می‌شود، ممکن است توانایی پرداختن به ویژگی‌های حقوقی و نهادی منحصر به فرد ملل و مناطق مختلف را نداشته باشد و همچنین اختیارات تنظیم‌گران ملی را در قبال مستندات منتقل شده کاهش دهد (Berg & Horrall, 2008).

1. Public Utility Research Center (PURC)

2. African Forum for Utility Regulators (AFUR)

3. Cape Town's Graduate School of Business Management Program

4. Universidad Argentina de la Empresa (UADE)

5. Florence School of Regulation

6. Telecommunications Regulation Handbook

7. Handbook for Evaluating Infrastructure Regulatory Systems

۵-۶. مطالعات فنی

مطالعات فنی^۱ شامل درس‌هایی در رابطه با تأثیرات سیاست‌های مختلف است. دامنه‌ی تأثیرات این سیاست‌ها بسته به نوع شبکه تنظیم‌گری، می‌تواند در سطح ملی یا منطقه‌ای تصور شود (Rufin, 2004). ارائه‌ی مطالعات فنی توسط تحلیلگران و متخصصان، به تنظیم‌گران در اصلاح طراحی نهادهای تنظیم‌گری کمک خواهد کرد و باعث خواهد شد تا آنها بهبودهایی را در فرایندها و انگیزه‌های سازمانی خود صورت دهند. چنین مطالعاتی اغلب توسط کشورهای کمک‌کننده و سازمان‌های بین‌المللی تأمین مالی می‌شوند و گاهی اوقات حتی توسط خود آنها اجرایی نیز می‌شوند. از آنجایی که هیچ دستورالعمل جامع و جهان‌شمولی برای سیاست‌های مختلف تنظیم‌گری که منجر به بهترین عملکرد شود، وجود ندارد، مطالعاتی که محدودیت‌های ملی، قانونی و نهادی را در نظر می‌گیرند، می‌توانند بینش‌های صحیح‌تر و کامل‌تری را به نهادهای تنظیم‌گری که با شرایط مشابهی مواجه هستند، ارائه دهند (Berg & Horrall, 2008).

۵-۷. ارائه‌ی اخبار مرتبط با تنظیم‌گری

انتشار اخبار حوزه‌ی تنظیم‌گری ابزار دیگری است که شبکه‌های تنظیم‌گری آن را در محدوده‌ی وظایف خود می‌بینند. انتشار اخبار و اطلاعات می‌تواند از طریق کتاب‌ها، فیلم‌ها و سایر ابزارهای آموزشی صورت پذیرد و شبکه‌های تنظیم‌گری بهره‌گیری از این طیف متنوع از ابزارها را بررسی، ارزیابی، ترکیب و ترویج می‌کنند. انتشار اخبار در خصوص عملکرد و چالش‌های پیش‌روی نهادهای تنظیم‌گر باعث خواهد شد تا اطلاع‌رسانی عمومی نسبت به تحولات و پیشرفت‌های تنظیم‌گران، صورت گیرد. این اطلاع‌رسانی سبب بهره‌مندی سایر تنظیم‌گران از تجربیات هم‌تایان خود خواهد شد؛ متخصصان و مدیران نهادهای تنظیم‌گر با بهره‌گیری از اخبار منتشره، تجربیات ارزشمندی را کسب کرده و نسبت به چالش‌ها و پیامدهای تصمیمات و سیاست‌های پیاده‌سازی شده در حوزه‌ی تنظیم‌گری، آگاهی پیدا می‌کنند (Berg & Horrall, 2008).

۵-۸. سازوکارهای رسمی کاهش آربیتراژ تنظیم‌گری

در جهت ضرورت کاهش آربیتراژ تنظیم‌گری و در راستای کارکرد افزایش ظرفیت هماهنگی، همگرایی و سازگاری میان اعضای شبکه، سازوکارهایی را می‌توان به شبکه‌های تنظیم‌گری محول کرد

تا استانداردها و روال‌های مطلوب تنظیم‌گری را به‌نحوی رسمی در میان اعضای شبکه تثبیت کنند. یکی از این مکانیسم‌های مشهور کاهش آربیتراژ، مکانیسمی است که در فصل ۷ مقررات عمومی حفاظت از داده اتحادیه اروپا، تحت عنوان مکانیسم‌های همکاری و سازگاری^۱ شناخته می‌شود.

این مکانیسم‌ها در دو سطح، رویه‌هایی را تعیین کرده است تا تنظیم‌گران را ملزم به پاسخ‌گویی در مورد استانداردها و تصمیمات در حوزه‌ی داده کند (Li & Newman, 2022):

در سطح افقی، این مکانیسم‌ها مسئولیت‌پذیری هم‌تایان تنظیم‌گری را از طریق تسهیل نظارت توسط سایر تنظیم‌گران افزایش می‌دهند و منجر به آن می‌شود تا نهادهای تنظیم‌گر بتوانند از اقدامات تنظیم‌گری یکدیگر یادگیری داشته باشند، اعتراضاتی را مطرح کنند و پیش‌نویس اقدامات اجرایی را تغییر دهند. به‌عنوان مثال، زمانی که یک تنظیم‌گر تصمیمی برای بخش تحت تنظیم خود می‌گیرد، تنظیم‌گران دیگر می‌توانند بر آن فشار بیاورند تا علناً از تصمیمات خود دفاع کند یا آن را تغییر بدهد. اگر تنظیم‌گر از تعدیل تصمیم خود امتناع کند یا این کار را به‌طور رضایت‌بخشی انجام ندهد، سایر تنظیم‌گران می‌توانند موضوع را به هیئت حفاظت از داده‌های اروپا ارجاع دهند. این رویه‌های رسمی، منجر به آن می‌شود که مکانیسم فشار هم‌تایان به‌نحوی برجسته فعال شود و تنظیم‌گرانی که از شیوه‌های اجرایی هم‌تایان خود ناراضی هستند، اکنون مجرای قانونی برای نام‌بردن و شرمساری آن‌ها داشته باشند.

در سطح عمودی، تنظیم‌گران معترض می‌توانند با اعلان عمومی نام تنظیم‌گرانی که دچار کژکارکردی هستند، فشار اجتماعی مضاعفی بر آنان وارد کنند. اطلاعات و گزارش عملکرد تنظیم‌گران در شبکه ابزارهای جدیدی را برای فعالان تنظیم‌شونده و جامعه‌مدنی فراهم می‌سازد تا تنظیم‌گران را پاسخگو و ملزم به رعایت استانداردها کند. بنابراین، مکانیسم‌های کاهش آربیتراژ مسیری را برای افزایش مسئولیت‌پذیری در شبکه‌های تنظیم‌گری از طریق نظارت بهتر بر فعالیت هم‌تایان و ایجاد ساختارهای فرصت‌جدید برای بسیج‌های اجتماعی-سیاسی، ارائه می‌دهند.

۵-۹. انتشار گزارش از عملکرد تنظیم‌گران و رتبه‌بندی آنان

یکی از ابزارهایی که به‌طور معمول در شبکه‌های تنظیم‌گری به کار می‌رود، گزارش‌هایی است که در

مقاطع زمانی منظم، توسط تنظیم‌گران به سایر اعضای شبکه ارائه می‌شود. به‌عنوان مثال، در شبکه‌ای مثل پلتفرم اروپایی مقامات تنظیم‌گری^۱، از هر تنظیم‌گر خواسته می‌شود تا هر ساله، دو گزارش از فعالیت‌های خود ارائه دهد که اغلب در وب‌سایت شبکه در دسترس است (Papadopoulos, 2018). این گزارش‌ها ابزارهایی هستند که اغلب برای ارتقای هماهنگی، همکاری، همگرایی و افزایش ظرفیت یادگیری در تنظیم‌گران، به کار گرفته می‌شوند.

نوع دیگری از گزارش‌های شبکه، گزارش‌هایی است که توسط هیئت‌های ارزیابی^۲ شبکه منتشر می‌شود. هیئت‌های ارزیابی کارگروه‌هایی رایج در شبکه‌های تنظیم‌گری اروپایی هستند که وظیفه‌ی نظارت بر گسترش و اجرای استانداردها، روال‌های مطلوب و قوانین نرم شبکه را برعهده دارند. هدف این هیئت‌های ارزیابی، فعال‌سازی مکانیسم‌های کاهش آریبیتراژ است؛ با انتشار گزارش‌هایی از عملکرد تنظیم‌گران، فشار همتایان بر تنظیم‌گران اعمال می‌شود و انگیزه‌ی اعتباری تنظیم‌گران برای اجتناب از سرزنش‌های عمومی تقویت می‌گردد. به‌عنوان مثال، هیئت ارزیابی شبکه‌ی تنظیم‌گران اوراق بهادار اروپا^۳ پس از اعلام استانداردها، اقدامات تنظیم‌گران را به‌صورت «اجرا شده: ۱»، «جزئی اجرا شده: ۵» و «اجرا نشده: ۰» کدگذاری می‌کند. این مسئله باعث می‌شود تنظیم‌گران در راستای استانداردها و روال‌های مطلوب تنظیم‌گری رقابتی مثبت داشته باشند و مسئله‌ی آریبیتراژ تنظیم‌گری کم‌رنگ‌تر شود (Maggetti & Gilardi, 2014).

1. European Platform of Regulatory Authorities

2. Review Group

3. Committee of European Securities Regulators (CESR)

فصل ششم

بررسی تجربیات جهانی در زمینه ایجاد شبکه‌های تنظیم‌گری

در ادامه و به منظور کسب شناختی بهتر از شبکه‌های تنظیم‌گری، به بررسی تجربیات جهانی ایجاد شبکه‌های تنظیم‌گری پرداخته خواهد شد. همان‌طور که اشاره گردید، شبکه‌های تنظیم‌گری را می‌توان در سه سطح شبکه‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی تقسیم‌بندی نمود. در این بخش از کتاب تلاش شده است، تا ضمن تمرکز بر بررسی شبکه‌های ملی، کارکردها، ابزارها و ساختار حکمرانی این نوع از شبکه‌ها، انواع دیگر شبکه‌های تنظیم‌گری نیز به طور اجمالی مورد بررسی قرار گیرد.

با توجه به شرایط تنظیم‌گری در ایران، به نظر می‌رسد بررسی تجربه تشکیل شبکه‌های ملی تنظیم‌گری نسبت به شبکه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، می‌تواند درس آموخته‌های بیشتری در پی داشته باشد. این نوع از شبکه‌ها عموماً بین تنظیم‌گران مختلف از بخش‌های گوناگون در یک کشور شکل می‌گیرند؛ در حالی که شبکه‌های تنظیم‌گری منطقه‌ای و بین‌المللی، عموماً در یک بخش خاص نظیر انرژی، مخابرات و... در بین تنظیم‌گران کشورهای مختلف شکل می‌گیرند. از آنجا که در ایران نیز در صورت شکل‌گیری شبکه تنظیم‌گری، این شبکه می‌بایست بین تنظیم‌گرانی از بخش‌های مختلف شکل بگیرد، لذا به نظر می‌رسد الگوی شبکه‌های ملی تنظیم‌گری نزدیک‌ترین الگو به نیاز فعلی کشور است. این الگو و تجربه شکل‌گیری شبکه‌های ملی تنظیم‌گری می‌تواند از ابعاد و منظرهای مختلفی مورد بررسی قرار گیرد؛ از جمله نحوه شکل‌گیری شبکه، کارکردها و ابزارهای شبکه، سازوکارهای تأمین مالی، ساختار حکمرانی شبکه، نحوه عضویت و در این بخش، تجربه کشورهای بریتانیا، برزیل، هند، فرانسه، نروژ و کانادا در زمینه تأسیس و فعالیت شبکه‌های ملی تنظیم‌گری در ابعاد مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. عمده شبکه‌های ملی از نظر قانونی، اختیارات رسمی و مصرح ندارند و از این رو اهمیت سیاستی و تقنینی آن‌ها به اندازه نهادهایی نظیر پارلمان، سازمان‌های دولتی و دستگاه قضایی بالا نیست. با این حال این نهادها می‌توانند با فراهم کردن بستر ارتباط میان نهادهای تنظیم‌گر مختلف، زمینه را برای اتخاذ تصمیمات دقیق‌تر توسط آن‌ها فراهم کنند. تجربه کشورهایمانند بریتانیا و برزیل مبین آن است که شبکه تنظیم‌گری در صورت ایفای صحیح کارکردهای

خود می‌تواند نقش پررنگ‌تری در ساختار سیاسی کشور ایفا کند. این امر نیازمند بلوغ نسبی شبکه تنظیم‌گری و به رسمیت شناخته شدن آن توسط بازیگران گوناگون، به خصوص مهم‌ترین سازمان‌های تنظیم‌گر کشور، است

۶-۱. تجربه ایجاد شبکه ملی تنظیم‌گری در بریتانیا

بریتانیا در زمره کشورهایی است که ساختار تنظیم‌گری در آن به خوبی شکل گرفته و در حوزه‌های مختلف زیست اقتصادی و اجتماعی شهروندان مانند آموزش، مراقبت‌های بهداشتی، خیریه، حمل‌ونقل، ارتباطات، خدمات شهری و محیط‌زیست، تنظیم‌گران حضور دارند و مداخلاتی را سامان می‌دهند. در حال حاضر بیش از ۹۰ نهاد تنظیم‌گر در بریتانیا وجود دارد که میانگین هزینه‌های آن‌ها حدود ۴ میلیارد پوند در سال است. آن‌ها بنا به محدوده و اهمیت فعالیتشان، در اندازه‌های گوناگون فعالیت دارند. بزرگ‌ترین سازمان تنظیم‌گر بریتانیا، مرجع راهبردهای مالی^۱ است که در سال ۲۰۲۲ بودجه‌ای برابر با ۶۴۰ میلیارد پوند دریافت کرده است. در حالی که برخی از نهادهای تنظیم‌گر کوچک بودجه‌ای محدود به ۱۰۰ هزار پوند دارند. اهداف اساسی تنظیم‌گری در این کشور عبارتند از حفاظت از منافع عمومی، حمایت از کسب‌وکارها، حفاظت از محیط‌زیست و حمایت از رشد اقتصادی. در سال‌های اخیر، استفاده از رویکردهای تنظیم‌گری و بکارگیری مشوق‌ها و تنبیه‌ها به‌منظور تغییر رفتار افراد و سازمان‌ها، رونق بیشتری در سیاست‌گذاری دولت نسبت به ارائه مستقیم خدمات پیدا کرده است (Adams, 2020).

بریتانیا از زمان اجرای سیاست‌های خصوصی‌سازی در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، چارچوبی از تنظیم‌گری اقتصادی را ایجاد کرده که در قوانین و مستقل از دولت تثبیت شده است. این چارچوب منجر به پدید آمدن یک محیط تنظیم‌گری باثبات، شفاف و با سابقه قوی در تصمیم‌گیری تنظیم‌گری شواهدمحور، سازگار و معتبر شده که منجر به ایجاد اطمینان هم برای مصرف‌کنندگان و هم برای سرمایه‌گذاران شده است. دولت بریتانیا در آوریل ۲۰۱۱ اصول تنظیم‌گری اقتصادی این کشور را منتشر نمود که در آن تعهداتی را نیز بر عهده گرفته است. این اصول عبارتند از:

- حصول اطمینان از اینکه تغییرات آینده، استقلال تنظیم‌گرها را حفظ می‌کند.

- توجه ویژه به تأثیر اعتماد سرمایه گذار هنگام ارزیابی تغییرات در سیاست‌ها یا چارچوب‌های تنظیم گری
- عدم تلاش برای افزودن اهداف، مسئولیت‌ها یا وظایف به ماموریت قانونی تنظیم گرها بدون در نظر گرفتن دقیق تأثیر آن بر چارچوب کلی و تأثیرات بین‌بخشی.

در سال‌های اخیر و هم‌زمان با توسعه و گسترش نهادهای تنظیم گری، نهادهای جدیدی با عنوان شبکه تنظیم گری نیز به ساختارهای تنظیم گری این کشور اضافه شده است که به عنوان ساختار مکملی جهت بهبود در ایفای نقش تنظیم گران فعالیت می‌نماید. در حال حاضر سه شبکه تنظیم گری در بریتانیا مشغول به فعالیت هستند که عبارتند از: شبکه تنظیم گران بریتانیا (UKRN)، شبکه رقابت بریتانیا (UKCN) و انجمن همکاری تنظیم گری دیجیتال. در ادامه توضیحاتی از هر کدام از این شبکه‌ها ارائه شده است.

۶-۱-۱. شبکه تنظیم گران بریتانیا

نخستین شکل از شبکه تنظیم گری در بریتانیا در سال ۲۰۰۵ و با نام گروه تنظیم گران مشترک^۱ (JRG) ایجاد شد. محرک اصلی تشکیل این گروه، ارائه ساختاری برای اداره فعالیت مشترک بین تنظیم گرها بود و آن‌ها را قادر می‌ساخت تا مسائل و رویکردهای مشترک را بررسی نمایند. در سال ۲۰۰۷، کمیته منتخب تنظیم گری مجلس اعیان بریتانیا گزارشی را منتشر کرد که در آن ضمن تأیید مزایای همکاری بین تنظیم گران، خواستار بهبود وضعیت JRG برای ارائه این مزایا شد. در گزارش مجلس اعیان آمده است: «یک مجموعه مهارت اصلی تنظیم گری وجود دارد که بین تنظیم گره‌های اقتصادی مختلف قابل انتقال است. اقدام برای بهبود فعالیت مشترک تنظیم گرها ضروری است. اگر می‌خواهیم این کار معنادار باشد، باید همکاری‌های ساختارمند و رسمی تری بین تنظیم گرها وجود داشته باشد.»

JRG پیشرفت‌های مهمی در برجسته ساختن اهمیت توسعه ساختاری برای فعالیت مشترک بین تنظیم گرها داشت؛ با این حال، با شماری از محدودیت‌ها نیز مواجه بود. این گروه معمولاً خروجی‌های قابل اتکایی تولید نمی‌کرد، هیچ تعامل معنی‌داری با طرف‌های خارجی نداشت و توصیه‌هایی برای تغییر ترتیبات داخلی یا خارجی تنظیم گرها به روش‌هایی که همکاری را بهبود می‌بخشد، ارائه نمی‌داد. همچنین اعضای JRG به آن اهمیت چندانی نمی‌دادند و این شبکه منابع جداگانه‌ای برای پشتیبانی

1. Joint Regulators Group (JRG)

از کار خود نداشت. ضعف‌های ذکر شده در ترکیب با این واقعیت که همچنان زمینه مناسب برای افزایش همکاری بین تنظیم‌گرها وجود داشت، دولت بریتانیا را بر آن داشت که در پاییز سال ۲۰۱۳ طی بیانیه‌ای اعلام کند که مطالعه‌ای برای بهبود تنظیم‌گری در این کشور انجام خواهد داد. نتیجه آن، طراحی ساختاری جدید، تحت‌عنوان شبکه تنظیم‌گران بریتانیا^۱ (UKRN) بود.

در حال حاضر، مهم‌ترین شبکه تنظیم‌گری در بریتانیا، شبکه تنظیم‌گران بریتانیا است. این شبکه در ۱۹ مارس سال ۲۰۱۴ و با اعلام مدیران ارشد هشت تنظیم‌گر بریتانیا تاسیس شد: سازمان هواپیمایی کشوری^۲، مرجع راهبرد امور مالی، اداره مقررات آب و برق ایرلند شمالی^۳، دفتر ارتباطات^۴، دفتر بازارهای گاز و برق^۵، سازمان تنظیم خدمات آب^۶، اداره راه آهن و جاده^۷ و تنظیم‌گر سیستم‌های پرداخت^۸. شش تنظیم‌گر دیگر در ادامه فعالیت شبکه به آن اضافه شدند که عبارتند از: شورای گزارشگری مالی^۹، دفتر کمیساریای اطلاعات^{۱۰}، هیئت خدمات حقوقی^{۱۱}، تنظیم‌گر بازنشستگی^{۱۲}، تنظیم‌گر مسکن اجتماعی^{۱۳} و دفتر مقررات منبع واحد^{۱۴}. شبکه UKRN در صورت مربوط بودن موضوع پروژه‌ای که در دست بررسی دارد، از مشارکت تنظیم‌گر سلامت بریتانیا^{۱۵} نیز استفاده می‌کند؛ هر چند این تنظیم‌گر به صورت رسمی این عضو شبکه نیست. شبکه UKRN همچنین با کمیسیون صنعت آب برای اسکاتلند^{۱۶} به‌عنوان عضو ناظر در پروژه‌های خود همکاری می‌کند.^{۱۷}

-
1. UK Regulators Network
 2. Civil Aviation Authority (CAA)
 3. Northern Ireland Authority for Utility Regulation (UREGNI)
 4. Office of Communications (Ofcom)
 5. Office of Gas and Electricity Markets (Ofgem)
 6. Water Services Regulation Authority (Ofwat)
 7. Office of Rail Regulation (ORR)
 8. Payment Systems Regulator (PSR)
 9. Financial Reporting Council (FRC)
 10. Information Commissioner's Office (ICO)
 11. Legal Services Board (LSB)
 12. The Pensions Regulator (TPR)
 13. Regulator of Social Housing (RSH)
 14. Single Source Regulations Office (SSRO)
 15. Monitor
 16. Water Industry Commission for Scotland (WICS)
 17. UKRN.org.uk



شکل ۲: تنظیم‌گران عضو شبکه تنظیم‌گران بریتانیا

۶-۱-۱-۱. کارکردهای شبکه UKRN

در زمان راه‌اندازی UKRN، سازمان‌های تنظیم‌گر اعلام کردند که این شبکه ابزاری برای همکاری بیشتر بین تنظیم‌گران خواهد بود که از وجود چارچوب‌های تنظیم‌گری مستقل برای تنظیم‌گر حمایت می‌نماید. همچنین این شبکه به دنبال آموختن درس‌هایی است که به بهبود مقررات و ارتقای رقابت به منظور تضمین دستیابی به نتایج بهتر برای مصرف‌کنندگان کمک می‌کند. این شبکه اهداف و کارکردهای متنوعی را دنبال می‌نماید و تنظیم‌گران مختلف، به رهبری مدیران عامل خود، برای دستیابی به اهداف متعددی ذیل شبکه همکاری نزدیکی خواهند داشت. مهم‌ترین این کارکردها عبارتند از:

- **دستیابی به مقررات اقتصادی منسجم در بین بخش‌ها:** هدف این شبکه هماهنگ‌سازی ساختن تنظیم‌گری اقتصادی سازمان‌های مختلف تنظیم‌گر و برقراری نوعی رویکرد مشترک کارآمد در پرداختن به مسائل بین‌بخشی است.
- **کمک به روند مقرون به صرفه ساختن خدمات و توانمندسازی مصرف‌کنندگان:** مقرون به صرفه بودن خدمات عرضه شده از سوی شرکت‌های بخش خصوصی، برای شهروندان اهمیت بسیاری دارد. این امر تا حد زیادی به توانمندسازی مصرف‌کنندگان جهت شناخت بازار و انتخاب بهترین و کارآمدترین گزینه‌ها بستگی دارد. به منظور تحقق این هدف، شبکه

بر روی توانمندسازی مصرف‌کنندگان کار می‌کند تا اطمینان حاصل کند که مصرف‌کنندگان در بازارهای تنظیم‌شده اطلاعات و سایر ابزارهای لازم برای مشارکت مؤثر در بازارها را دارند. تنظیم‌گرها همگی با کسب و کارها، افراد و خانواده‌هایی که در بخش‌های مختلف به‌عنوان مصرف‌کننده حضور دارند تعامل دارند. از آنجایی که توانمندسازی مصرف‌کننده، یک مسئله بین‌بخشی است، شبکه معتقد است که بسیاری از درس‌های سیاستی حاصله در یک بخش ممکن است به بخش‌های دیگر مرتبط و قابل‌استفاده باشد. در این راستا، به‌اشتراک‌گذاری تجربه، دانش و نمونه‌های موفق توانمندسازی می‌تواند به بهبود تجربه مصرف‌کنندگان در تمام بخش‌های اقتصادی کمک کند. به‌عنوان مثال، تنظیم‌گران می‌توانند از یکدیگر در مورد تعامل با مصرف‌کنندگان و پاسخگویی مؤثر به دغدغه‌ها و نگرانی‌های آن‌ها بیاموزند. شبکه حاضر بستری برای کسب این آموزش است.

• کمک به ایجاد یک محیط مثبت برای سرمایه‌گذاری کارآمد: فعالیت در

اقتصادی که محیط مساعدی برای سرمایه‌گذاری داشته باشد، یکی از خواسته‌های اصلی بخش خصوصی در همه کشورهاست و بریتانیا هم از این امر مستثنی نیست. بازیگران مختلفی درگیر فراهم‌آوردن این محیط هستند که سازمان‌های تنظیم‌گر را می‌توان جزو پیش‌قراولان آن‌ها دانست. شبکه حاضر بستری را برای هم‌افزایی تنظیم‌گران در این جهت فراهم می‌کند. تنظیم‌گران عضو شبکه حاضر با هم برای بهبود محیط به‌منظور سرمایه‌گذاری کارآمد در زیرساخت‌های بریتانیا همکاری می‌کنند. دولت متعهد به سرمایه‌گذاری و تامین زیرساخت‌هاست و معتقد است که نظام تنظیم‌گری اقتصادی مستقل بریتانیا برای حصول اطمینان از برخورداری این کشور از زیرساخت‌های مورد نیاز برای رقابت در رقابت جهانی حیاتی است. ترتیبات سیاستی سخت یا ناسازگار برای دسترسی به دارایی‌های زیرساختی موجود در چارچوب قانونی فعلی در زمره چالش‌هایی است که می‌تواند بر زمان و هزینه تحویل زیرساخت بیفزاید. طراحی یک فرآیند ساده‌تر برای رسیدگی به این مسائل می‌تواند یکی از زمینه‌های پربار تمرکز برای فعالیت مشترک آتی تنظیم‌گران باشد. دولت همچنین معتقد است که همکاری بین تنظیم‌گرها می‌تواند به رسیدگی به مسائلی کمک کند که در غیر این صورت ممکن است به‌عنوان یک عامل بازدارنده برای سرمایه‌گذاران زیرساخت عمل کنند؛ مانند پیچیدگی که ممکن است ناشی از تفاوت‌ها در صدور مجوز، کدها و استانداردها

در بخش‌های مختلف زیرساخت باشد. علاوه بر این، فعالیت مشترک بهتر می‌تواند منجر به سازوکار قوی‌تری برای بررسی مسائل مربوط به انعطاف‌پذیری زیرساخت‌ها در بخش‌های مختلف شود و زمینه‌ای برای ارتقای نوآوری بیشتر در ارائه زیرساخت فراهم کند.

● **کمک به تدوین مقررات کارآمد:** یک سازمان تنظیم‌گر به خودی خود دارای منابع محدودی است. شبکه را می‌توان یکی از راهکارهای فرارفتن از این محدودیت دانست. اعضای شبکه از تخصص و منابع کمیاب یکدیگر به منظور بهبود نتایج یا کاهش هزینه‌های مقرر گذاری استفاده بهتری خواهند کرد. این همکاری صرفاً مواهب مادی به همراه نخواهد داشت بلکه به بهبود کیفیت عملکرد هر تنظیم‌گر می‌انجامد. دولت بریتانیا معتقد است که با یادگیری از بهترین عملکرد در بخش‌ها، تصمیمات تنظیم‌گرانه می‌تواند با بهترین کیفیت شواهد و تحلیل موجود در کل جامعه تنظیم‌گری استوار شود. در برخی موارد، تصمیم‌گیری‌ها می‌توانند سریع‌تر اتخاذ شوند، یا به روش‌های دیگر، از طریق یادگیری به اشتراک گذاشته شده در بخش‌ها، بهبود یابند. دولت همچنین معتقد است که نظام تنظیم‌گری باید همچنان معطوف به بخش خاص باشد و تشخیص می‌دهد که شماری از زمینه‌ها وجود خواهد داشت که فعالیت مشترک با توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد هر بخش تنظیم شده مناسب نیست. به همین دلیل، همکاری باید در زمینه‌هایی متمرکز شود که به وضوح می‌توان برای کار مشترک از نظر نتایج بهبود یافته برای ذینفعان در بخش‌های مربوطه، از جمله سرمایه‌گذاران، شرکت‌های تحت نظارت و مصرف‌کنندگان، موردی ایجاد کرد.

● **ترویج رقابت به نفع مصرف‌کنندگان:** UKRN در صورت لزوم با سازمان رقابت و بازار بریتانیا^۱ و شبکه رقابت بریتانیا^۲ برای بهبود استفاده از رقابت و اهرم‌های تنظیم‌گری همکاری نموده و بازارها را برای بهبود نتایج برای مصرف‌کنندگان ارتقا می‌بخشد.

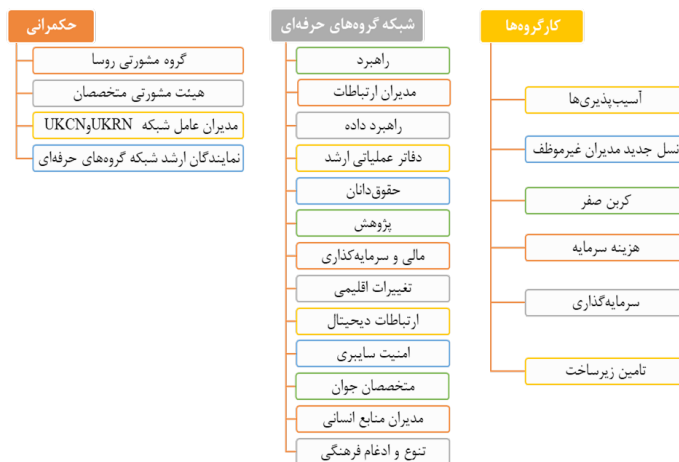
● **درک بهتر از اثربخشی مقررات اقتصادی:** شبکه، مقررات اقتصادی را تبیین کرده و کمک می‌کند تا درک درستی از آنچه مقررات اقتصادی مستقل می‌تواند به دست آورد، چه زمانی بهترین کار را انجام می‌دهد و چگونه می‌توان آن را بهبود داد بدست دهد.

1. Competition and Markets Authority (CMA)

2. UK Competition Network (UKCN)

۶-۱-۱-۲. ساختار حکمرانی و سازوکار فعالیت شبکه تنظیم‌گران بریتانیا

به صورت کلی شبکه UKRN متشکل از سه بخش حکمرانی، گروه‌های حرفه‌ای و کارگروه‌هاست. بخش حکمرانی وظیفه مدیریت شبکه را بر عهده دارد و متشکل از گروه مشاوره رؤسا، گروه مشاوره متخصصان، مدیران عامل شبکه UKRN و UKCN و نمایندگان ارشد است. مدیرعامل شبکه UKRN به صورت چرخشی از بین مدیران عامل سازمان‌های عضو انتخاب می‌شود. بخش حکمرانی از طریق نمایندگان ارشد که از سوی سازمان‌های تنظیم‌گر معرفی می‌شوند با اعضا (تنظیم‌گران) از گروه‌های حرفه‌ای شبکه در ارتباط است که در حوزه‌های موضوعی گوناگون مانند امنیت سایبری، سرمایه‌گذاری، تجارت دیجیتال و تغییرات اقلیمی فعالیت می‌کنند. در نهایت کارگروه‌ها قرار دارند که بر روی پروژه‌های مهم شبکه همچون هزینه سرمایه تعریف می‌شوند.



شکل ۳: ساختار حکمرانی شبکه UKRN

همچنین در UKRN گروهی از متخصصان مستقل مشغول به کارند که می‌توانند به‌عنوان مانعی در برابر برنامه‌ها و رویه‌های جاه‌طلبانه شبکه ظاهر شده و به جریان کار شبکه کمک نمایند.

شبکه هر سال گزارشی سالانه منتشر می‌کند که در آن پروژه‌ها و عملکردش را به اطلاع عموم می‌رساند. آخرین نسخه این گزارش که در مارس ۲۰۲۱ منتشر شد، بیان می‌کند که اولویت‌های شبکه در طول بازه زمانی ۲۰۲۱-۲۰۲۰ سه اولویت اساسی بوده است: ۱. همکاری در زمینه زیرساختی

و سرمایه‌گذاری؛ ۲. استفاده از داده‌ها و اطلاعات برای حمایت از مصرف‌کنندگان در شرایط آسیب‌پذیری و ۳. همکاری بهتر با یکدیگر.

وقوع پاندمی در این دوره UKRN را هم تحت تاثیر قرار داد و باعث شد تا نقش کارگروه‌های شبکه مهم‌تر شود زیرا پاندمی تأثیر قابل توجهی بر نحوه مصرف خانوارها و شهروندانی که از خدمات تنظیم‌شده توسط اعضای شبکه استفاده می‌کردند، داشت. صنایع به پاندمی واکنش نشان دادند و به‌ویژه شرکت‌های تحت تنظیم‌گری و نظارت اعضای شبکه، نحوه ارائه خدمات خود را تغییر دادند. در نتیجه احتمال آسیب‌پذیری مصرف‌کنندگان بالا رفت که خود منجر به تعریف استراتژی‌های جدید توسط UKRN برای حمایت از مصرف‌کنندگان با تکیه بر تشویق به استفاده از نوآوری‌های دیجیتال و داده‌محور شد. گفتنی است که دستور کار جهانی زیست‌محیطی با محوریت جلوگیری از پیامدهای تغییرات اقلیمی نیز در تعیین اولویت‌های جدید شبکه با محوریت کاهش تولید گازهای گلخانه‌ای و کربن‌زدایی از فعالیت‌های بخش‌های تحت تنظیم‌گری نقشی محوری داشت.

شبکه در این سند راهبردی، ۳ اولویت اساسی خود تا پایان سال ۲۰۲۲ را تعریف کرده و برای آن‌ها گام‌های اجرایی مشخص کرد: مصرف‌کنندگان آسیب‌پذیر، نوآوری و سرمایه‌گذاری، و توانمندسازی قابلیت‌های تنظیم‌گران.

بودجه شبکه UKRN نیز توسط تنظیم‌گرهای عضوش تامین می‌شود. اعضای شبکه به‌هنگام عضویت در آن متعهد می‌شوند که بودجه دبیرخانه شبکه را تامین کنند تا از پیشبرد فعالیت شبکه اطمینان حاصل شود. هر عضو شبکه به‌هنگام عضویت در آن، تفاهم‌نامه‌ای را با شبکه منعقد می‌کند که در آن، نقش آن تنظیم‌گر در شبکه روشن و رسمی می‌شود. مدیران عامل تنظیم‌گران نیز متعهد می‌شوند که خود را بخشی از شبکه دانسته و به‌صورت منظم با همدیگر تشکیل جلسه دهند.

۶-۱-۱-۳. ابزارهای شبکه UKRN

شبکه UKRN برای حصول اطمینان از اثربخش بودن خود بر بهبود محیط تنظیم‌گری بریتانیا از ابزارهایی بهره می‌برد. این ابزارها را به صورت اجمالی می‌توان این گونه نام برد:

- **برگزاری رویداد:** برگزاری رویداد در قالب نشست‌های تخصصی یکی از معمول‌ترین ابزارهای UKRN است. شبکه به صورت ادواری پنل‌هایی را با مشارکت دیگر ذی‌نفعان

در مورد مسائل نوظهور و چالش‌های پیش‌روی تنظیم‌گری در بریتانیا برگزار می‌کند. از آخرین رویدادهای برگزار شده توسط UKRN می‌توان به «تاثیر پاندمی کووید ۱۹ بر بدهی مصرف‌کنندگان» (برگزار شده در ۲۵ اکتبر ۲۰۲۱) و «تنظیم‌گری و فناوری‌های نوظهور» (برگزار شده در ۲۲ آوریل ۲۰۲۲) اشاره کرد که با همکاری گروه صنعتی وایت هال^۱ برگزار شدند.

- **لابی‌گری به نمایندگی از اعضا:** سازمان‌های تنظیم‌گر عضو شبکه معمولاً برای تعامل با دولت و حفاظت از استقلال خود، از سازوکار اقدام جمعی در قالب نامه‌نگاری‌های شبکه با نهادهای دولتی بهره می‌گیرند. مثال آن پاسخ شبکه به مشاوره وزارت کسب و کار، انرژی و راهبرد صنعتی^۲ با موضوع رقابت و اصلاح الگوی مصرف مصرف‌کننده در تاریخ ۱ اکتبر ۲۰۲۱ بود.

- **انجام پژوهش:** شبکه گروهی از متخصصان در حوزه‌های گوناگون تنظیم‌گری را در استخدام دارد که به مدیرعامل شبکه، کارکنان و مدیران عامل سازمان‌های تنظیم‌گر عضو مشاوره‌های تخصصی ارائه می‌دهند.

- **تدوین اسناد و گزارش‌های راهبردی:** گزارش سالانه مهم‌ترین سند راهبردی شبکه UKRN است که در آن شرحی از اقدامات انجام شده شبکه در طول یک سال و اولویت‌های آن برای سال آتی اعلام می‌شود. سازمان‌های تنظیم‌گر عضو شبکه، با توجه به این سند دستور کار یک سال خود را تدوین می‌کنند. دیگر گزارش مهم شبکه، گزارش هزینه سرمایه است که آن هم به صورت سالانه منتشر می‌شود.

- **استفاده از ظرفیت رسانه و انتشار اخبار حوزه‌ی تنظیم‌گری:** تنظیم‌گران بریتانیا هر کدام به صورت مستقل مبادرت به انتشار اخبار مربوط به خود می‌کنند اما در سایت شبکه UKRN نیز می‌توان مهم‌ترین اخبار مربوط به اقدامات آن‌ها را مشاهده کرد. به‌طور مثال، شبکه UKRN طی یک پست در سایت خود در مارس ۲۰۲۰، واکنش اعضای خود به پاندمی کرونا را پوشش داد.

1. Whitehall Industry Group (WIG)

2. Department for Business, Energy and Industrial Strategy

۶-۱-۲. شبکه رقابت بریتانیا

دیگر شبکه تنظیم‌گری در بریتانیا، شبکه رقابت بریتانیا^۱ است که توسط سازمان رقابت و بازار به‌عنوان تنظیم‌گر رقابت در سال ۲۰۱۳ تشکیل شد. تنظیم‌گرانی در این شبکه عضو هستند عبارتند از: سازمان هواپیمایی کشوری، سازمان راهبرد مالی، اداره بازارهای گاز و برق، اداره مقررات آب و برق ایرلند شمالی، دفتر ارتباطات، اداره راه آهن و جاده، تنظیم‌گر سیستم‌های پرداخت و سازمان تنظیم مقررات خدمات آب. همچنین تنظیم‌گر سلامت (مانیتور) نیز عضو ناظر UKCN است. هدف این شبکه تشویق رقابت قوی‌تر در سراسر اقتصاد به نفع مصرف‌کنندگان و جلوگیری از رفتار ضد رقابتی در صنایع تحت تنظیم‌گری است.^۲

شبکه رقابت بریتانیا متعاقب قانون اصلاحات سازمانی و تنظیم‌گری ۲۰۱۳^۳ شکل گرفت. این قانون، سازمان رقابت و بازار را به‌عنوان اداره‌ای غیردولتی جایگزین دفتر تجارت منصفانه و کمیسیون رقابت^۴ ایجاد کرد. وظیفه اصلی سازمان طبق قانون فوق ترویج رقابت، چه در داخل و چه در خارج از بریتانیا، به نفع مصرف‌کنندگان است. این قانون بر اساس این ایده طراحی شده است که بهره‌گیری از ابزار قانون‌گذاری منجر به تقویت رقابت عمومی می‌شود.

۶-۱-۲-۱. کارکردهای شبکه رقابت بریتانیا

تداوم حضور سازمان‌های تنظیم‌گر بریتانیا در شبکه UKCN تا حد زیادی ناشی از کارویژه‌ها و اثربخشی این شبکه در زیست‌بوم تنظیم‌گری این کشور است. اعضای شبکه توانسته‌اند به نوعی هویت جمعی دست پیدا کنند که منجر به هم‌افزایی آن‌ها در راستای انجام اقدامات هماهنگ می‌شود. این هویت جمعی توسط اهداف شبکه و به مرور زمان شکل گرفته است. اهداف و کارکردهای شبکه UKCN عبارتند از:

- **گفت‌وگویی راهبردی:** سازمان رقابت و بازار و رؤسای تنظیم‌گران بخشی باید در داخل شبکه در یک گفت‌وگوی راهبردی گسترده با یکدیگر مشارکت کنند و فرصت‌هایی را برای

1. UK Competition Network

2. Gov.uk/government/groups/uk-competition-network

3. The Enterprise and Regulatory Reform Act 2013 (ERRA13)

4. Office of Fair Trading and the Competition Commission

استفاده از رقابت یا قدرت‌های تنظیم‌گری برای ارتقای مکانیسم‌های بازار برای پیشبرد منافع مصرف‌کنندگان شناسایی کنند. موضوعات گفت‌وگوی راهبردی شبکه UKCN عبارت است از: درک متقابل از تحولات بازار، فرصت‌هایی برای شکل‌دهی چارچوب‌های تنظیم‌گری به منظور افزایش رقابت، جلوگیری از رفتار ضدرقابتی و در غیر این صورت استفاده از ابزارهای رقابتی به نفع مصرف‌کنندگان، کاربران و اقتصاد گسترده‌تر؛ درک تحولات اتحادیه اروپا و رژیم‌های بین‌المللی؛ شناسایی چالش‌های رایج در رابطه با دعوی قضایی و سایر اهداف تنظیم‌گری قبلی مانند اطمینان از ایمنی شبکه‌ها و خدمات.

- **همکاری اجرایی تحت قانون رقابت:** برای اطمینان از اجرای منسجم قانون رقابت در بریتانیا در حوزه‌های تنظیم‌گری بخشی، اعضای UKCN در موارد زیر همکاری نزدیک خواهند داشت: مطالعات بازار (از جمله، مطالعات بازار مشترک در صورت لزوم)؛ پیشنهادات CMA برای تخصیص موارد جاری قانون رقابت به خودش و نقش CMA رسیدگی به پرونده‌ها در بخش‌های تنظیم‌شده.

- **بهبود قابلیت‌های تنظیم‌گران:** برای اطمینان از اینکه اعضای UKCN هر کدام از قابلیت‌های موردنیاز برای اجرای صحیح و مؤثر قانون رقابت برخوردار هستند، اعضا به بهبود موارد زیر کمک خواهند کرد: افزایش دانش و آموزش کارکنان؛ ایجاد یک ساختار و فرآیند به‌اشتراک‌گذاری اطلاعات و پرونده (با موانع افشاگری مناسب)؛ بهبود مدیریت فرآیند، از جمله در نظر گرفتن گزینه استفاده از داور رویه‌ای^۱ و اشتراک کارکنان از طریق برنامه‌های اعزام بین CMA و تنظیم‌گرهای بین‌بخشی.

- **به‌اشتراک‌گذاری بهترین روش‌ها:** اعضای UKCN در راستای هماهنگی اجرایی مؤثر، ابزارهایی را برای به‌اشتراک‌گذاشتن بهترین روش اتخاذ خواهند کرد که شامل موارد زیر است: توسعه مدل‌های رقابت‌پذیری؛ به‌اشتراک‌گذاری یافته‌های پژوهشی؛ مشارکت در تعیین معیار بین‌المللی بهترین شیوه‌ها و برگزاری کارگاه‌های مشترک.

- **اقدامات حمایتی:** اعضای UKCN برای اطمینان از شناسایی و تسریع حل مهم‌ترین مسائل مصرف‌کنندگان و حوزه رقابت موارد ذیل را انجام می‌دهند: تبادل نظر و تخصص برای

حمایت از رقابت؛ حمایت متقابل از فعالیت یکدیگر در راستای ترویج رقابت؛ حمایت متقابل از فعالیت یکدیگر در مورد بهترین عملکرد تنظیم‌گری (از جمله اصل اساسی استقلال عملیاتی از دولت) و مشارکت در تدوین گزارش هم‌روند سالانه^۱ شبکه.

● **تدوین گزارش هم‌روند سالانه:** برای اطمینان از انتشار به موقع گزارش هم‌روند سالانه که تحت قانون رقابت باید تدوین و انتشار پیدا کند، اعضای UKCN باید اطلاعاتی را در رابطه با پرونده‌های در حال رسیدگی، پرونده‌های خاتمه یافته و مواردی که توسط تنظیم‌گران بخشی مورد بررسی قرار گرفت اما هیچ تخلفی مشاهده نشد را در اختیار سازمان رقابت و بازار قرار دهند؛ در ایجاد سابقه پرونده‌های رقابت و تحقیقات بازار مشارکت داشته باشند؛ نتایج به دست آمده را ارائه دهند و راهبرد کلی خود برای ترویج رقابت در بخشی که در آن در حال تنظیم‌گری هستند را اعلام کنند. لازم به ذکر است که به جز گزارش هم‌روند سالانه، اعضای UKCN در قالب اسنادی دیگر نظیر تفاهم‌نامه و دستورالعمل اجرایی نیز با یکدیگر همکاری می‌کنند.

۱-۳-۶. انجمن همکاری تنظیم‌گری دیجیتال

شبکه تنظیم‌گر مهم دیگری که به تازگی در بریتانیا آغاز به کار کرده است، انجمن همکاری تنظیم‌گری دیجیتال^۲ است. این شبکه یک مدل تنظیم‌گری پلتفرمی جدید است که در جولای سال ۲۰۲۰ معرفی شد. سازمان رقابت و بازار، دفتر کمیساریای اطلاعات و دفتر ارتباطات، سه تنظیم‌گری بریتانیایی مرتبط با فضای مجازی بودند که این انجمن را تشکیل دادند و سپس در آوریل ۲۰۲۱، سازمان راهبرد مالی نیز به این انجمن پیوست. این انجمن با تکیه بر روابط حرفه‌ای این سازمان‌ها با یکدیگر تشکیل شد تا سطح عمیق‌تری از همکاری بین تنظیم‌گرها برای غلبه بر چالش‌های منحصر به فرد پلتفرم‌های آنلاین ایجاد شود. در حال حاضر دستور کار سیاستی بریتانیا برای واکنش تنظیم‌گرانه در حوزه دیجیتال، بر روی دو مسئله اصلی متمرکز شده است: اصلاح آسیب‌های آنلاین (که عمدتاً مسائل اجتماعی و سیاسی هستند) و دنبال کردن رویکرد حمایت از رقابت (با پرداختن به بازارهای ناکارآمد و مروج انحصار که جلوی نوآوری بیشتر را می‌گیرند و منافع کاربران را به خطر

1. Annual Concurrency Report

2. The Digital Regulation Cooperation Forum (DRCF)

می‌اندازند). گزارش‌های سیاستی دولت بریتانیا درباره آسیب‌های فضای مجای برای کودکان نقش مهمی در تاسیس این شبکه داشت. این شبکه از لحاظ ساختاری یک انجمن غیردولتی است که به همین دلیل اختیار قانون و مقررہ گذاری ندارد.

انسجام بین رژیم‌های تنظیم‌گری دیجیتال، همکاری در پروژه‌های مشترک و افزایش توانمندی تنظیم‌گرهای مرتبط با تنظیم‌گری دیجیتال سه کارکرد اصلی DRCF است. برنامه کاری این شبکه برای سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ عبارت است از:

- **محافظت از کودکان به صورت آنلاین:** بهبود نتایج برای کودکان و والدین با اطمینان از اینکه حفاظت از حریم خصوصی و ایمنی آنلاین تحت نظارت دفتر کمیساریای اطلاعات انگلیس^۱ و سازمان تنظیم مقررات ارتباطات انگلیس^۲ به طور هماهنگ با هم کار می‌کنند.
- **ارتقای رقابت و حریم خصوصی در تبلیغات آنلاین:** بازارهای تبلیغاتی آنلاین رقابتی تقویت که نوآوری و رشد اقتصادی را افزایش می‌دهند تقویت می‌شوند؛ با احترام به حقوق مصرف‌کننده و حفاظت از داده‌ها، از طریق کار مشترک دفتر کمیساریای اطلاعات و سازمان رقابت و بازار.
- **حمایت از بهبود شفافیت الگوریتمی:** از استفاده از پردازش الگوریتمی برای ترویج مزایای آن و کاهش خطرات برای مردم و رقابت، با کاوش در راه‌های بهبود شفافیت الگوریتمی و ممیزی.
- **فعال کردن نوآوری در صنایع تحت نظارت:** تشویق نوآوری مسئولانه و بررسی مدل‌های مختلف برای اینکه چگونه فعالیت تنظیم‌گران با حمایت از نوآوری ترکیب می‌شود.

۶-۲. تجربه ایجاد شبکه ملی تنظیم‌گری در برزیل

ایجاد سازمان‌های تنظیم‌گری مستقل به عنوان ارگان‌های قوه مجریه برای تنظیم بخش‌های اقتصاد برزیل، پروژه‌ای بوده است که از دهه ۱۹۹۰ میلادی (دوره ریاست‌جمهوری فرناندو هنریکه

1. Information Commissioner's Office (ICO)

2. Ofcom

کاردوزو^۱ مابین سال‌های ۱۹۹۵ الی ۲۰۰۲) نقش دولت را در برزیل بازتعریف کرده است. اصلاح ساختار دولت در برزیل، که متأثر از پروژه مشابه در اروپا و ایالات متحده در دهه ۱۹۸۰ بود، دو هدف اساسی را دنبال کرده است: کارآمدی اقتصادی و مشروعیت. بر این اساس، تغییر شیوه اقدام دستگاه دیوان‌سالاری دولتی در این کشور آمریکای لاتینی در دستور کار قرار گرفت که واگذاری اختیارات مقرر گزاری به سازمان‌های تنظیم‌گر مستقل، یکی از مهم‌ترین محورهای آن بود. در حال حاضر، سازمان‌های تنظیم‌گر برزیل در سطوح محلی، ملی و فدرال در حال فعالیت هستند که از مهم‌ترین‌های آن می‌توان به سازمان تنظیم مقررات برق برزیل^۲، سازمان ملی نظارت بر سلامت^۳، سازمان مخابرات برزیل^۴، سازمان ملی نفت، گاز طبیعی و سوخت‌های زیستی^۵ و کمیسیون بورس و اوراق بهادار^۶ اشاره کرد (Mattos, 2017).

۶-۲-۱. انجمن سازمان‌های تنظیم‌گری برزیل

انجمن سازمان‌های تنظیم‌گری برزیل^۷ در ۸ آوریل ۱۹۹۹ تأسیس شد. این انجمن یک نهاد خصوصی است که به عنوان یک انجمن مدنی و غیرانتفاعی با ماهیت غیرحزبی ایجاد شده است. هدف آن ارتقای همکاری متقابل بین اعضا و مقامات دولتی، در تعقیب بهبود مقررات و افزایش ظرفیت فنی، کمک به پیشرفت و تحکیم فعالیت تنظیمی در سراسر برزیل است. نقش ABAR به عنوان مدافع استقلال تنظیم‌گرها همیشه برجسته بوده است. از این رو تشکیل گروه‌هایی برای نمایندگی منافع تنظیم‌گران در ساحت سیاست‌گذاری و قانونگذاری برزیل، همیشه برای ABAR یک اولویت بوده است. در طول سال‌ها، انجمن سازمان‌های تنظیم‌گری برزیل در انتشار دانش تنظیم‌گری در برزیل سرمایه‌گذاری کرده است. علاوه بر داشتن دستور کاری مملو از دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی در سراسر کشور، این نهاد هر دو سال یک بار کنگره مقررات برزیل را برگزار می‌کند که اوج فعالیت‌های انجمن است.^۸

-
1. Fernando Henrique Cardoso
 2. Brazilian Electricity Regulatory Agency
 3. National Health Surveillance Agency
 4. Brazilian Agency of Telecommunications
 5. National Agency of Petroleum, Natural Gas and Biofuels
 6. Securities and Exchange Commission
 7. Associação Brasileira de Agências de Regulação (ABAR)
 8. Abar.org.br

۶-۲-۱- کارکردها و ابزارهای شبکه انجمن سازمان‌های تنظیم‌گری برزیل

شبکه ABAR به‌عنوان یکی از فعال‌ترین و پویاترین شبکه‌های تنظیم‌گری در سطح ملی مورد تحسین قرار گرفته است. سازمان‌های عضو این شبکه به عضویت در آن به چشم یک عمل بی‌حاصل نمی‌نگرند و از امکان‌های خلق شده توسط ABAR برای بهبود عملکرد خود استفاده می‌کنند. این امکان‌ها توسط کارکردها و ابزارهای این انجمن فراهم شده است. کارکردها و ابزارهای ABAR عبارتند از:

- **حمایت پارلمانی و دولتی:** ABAR از طریق همکاری با پارلمان و قوه مجریه فدرال، پیشنهادیه‌ها و پروژه‌هایی را شناسایی می‌کند که نیاز به مداخله سازمان‌های تنظیم‌گر در عرصه اصلاحات و تعدیل مقررات دارد.
- **آموزش و برگزاری رویداد:** انجمن محتوای آموزشی حرفه‌ای را به کارمندان و مدیران سازمان‌های تنظیم‌گر وابسته با هدف بهبود مستمر دانش این متخصصان حوزه تنظیم‌گری ارائه می‌دهد.
- **ایجاد اتاق‌های فنی:** انجمن دارای اتاق‌های فنی متشکل از کارمندان و مدیران آژانس‌های مرتبط است تا مسائل جاری در بخش‌های مختلف تنظیم‌شده اقتصاد برزیل، مانند بهداشت عمومی، منابع آب، انرژی، حمل‌ونقل، جنبه‌های قانونی و نهادی مقررات را مورد بحث و بررسی قرار دهند. استفاده از این اتاق‌ها تنها برای اعضا ممکن است.
- **استفاده از ظرفیت‌های ارتباطی و مطبوعات:** ABAR در رسانه‌های خود اطلاعات و اخبار دریافتی از سازمان‌های تنظیم‌گر مرتبط را منعکس می‌کند تا تمامی اقدامات انجام‌شده در این آژانس‌ها بتواند در رسانه‌های ملی و بین‌المللی که با دستور کار تنظیم مقررات سروکار دارند، بازتاب داشته باشد.
- **انعقاد قراردادهای و موافقت‌نامه‌های فنی (همکاری با شبکه‌های منطقه‌ای و جهانی):** ABAR علاوه بر مشارکت در مؤسسات معتبر بین‌المللی، مانند شورای جهانی آب^۱، قراردادهای و شرایط همکاری فنی نیز دارد. ABAR مشارکت‌کننده‌ای در توافق‌نامه همکاری با سازمان‌های تنظیم‌گر آب اروپا^۲ است، موسسه‌ای که با مقررات آب در ۲۵ کشور اروپایی

1. World Water Council (WWC)

2. WAREG - European Water Regulators

سروکار دارد و بازدیدهای فنی و اقدامات مشارکتی با نهادهای مرتبط خود در این کشورها را تسهیل می‌کند. ABAR یکی از اعضای هیئت مدیره انجمن نهادهای تنظیم‌گر آب و فاضلاب قاره آمریکا^۱ است که شامل ۲۰ نماینده تنظیم‌گری از آمریکای لاتین، مرکزی و آفریقا است که در بخش بهداشت عمومی و منابع آب فعالیت می‌کنند. این همکاری‌ها باعث می‌شود که دسترسی ABAR به اطلاعات روز تسهیل شود.

- **ارتباط با نهادهای پروکراتیک:** ABAR اقداماتی مشترک با نهادهای پروکراتیک از جمله وزارت توسعه منطقه‌ای، وزارت معادن و انرژی و دبیرخانه برنامه مشارکت و سرمایه‌گذاری سامان داده است همچون توسعه فعالیت‌های موردعلاقه آژانس‌های تنظیم‌گر عضو در حوزه‌های اقدام تنظیم‌گرانه این آژانس‌ها.

- **ایجاد دفتر مجلس و مطبوعات:** ABAR دارای یک دفتر پارلمانی و مطبوعاتی است که برای میانجیگری در موضوعات و چالش‌های آژانس‌های مرتبط با موضوع تنظیم مقررات در دسترس است.

- **اعطای جایزه ABAR:** جایزه ABAR جایزه‌ای است که به شخصیت‌ها و مؤسساتی که در زمینه مقررات با اهمیت بالا در سطح ملی کار می‌کنند، اعطا می‌شود که همیشه موعدا اعلام برنده آن مقارن با کنگره دوسالانه مقررات برزیل است. این جایزه تاکنون در سال‌های ۲۰۱۱، ۲۰۱۳، ۲۰۱۵، ۲۰۱۷، ۲۰۱۹ و ۲۰۲۱ اعطا شده است که آخرین برنده آن در بخش حقوقی موسسه تراتا برزیل^۲ است که از سازمان‌های جامعه مدنی در زمینه حفاظت از منابع آب کشور به شمار می‌رود. در بخش انفرادی نیز ریتا کاوالیرو د فریرا^۳، مشاور مقررات و بهره‌وری انرژی از وزارت انکشاف منطقه‌ای برزیل توانست این جایزه را به دست آورد.

۶-۲-۱. ساختار حکمرانی و سازوکار فعالیت انجمن سازمان‌های تنظیم‌گری برزیل

ساختار حکمرانی ABAR متشکل از سه رکن هیات مدیره، مجمع عمومی و دبیرخانه است. هیات مدیره، عالی‌ترین رکن تصمیم‌گیری است که اعضای آن از بین رؤسای سازمان‌های تنظیم‌گر عضو از سوی

1. La Asociación de Entes Reguladores de Agua y Saneamiento de las Américas (ADERASA)

2. Trata Brasil

3. Rita Cavaleiro de Ferreira

مجمع عمومی که متشکل از تمامی اعضاست انتخاب می‌شوند. هیات مدیره نیز مدیرعامل را بر می‌گزیند. دبیرخانه ABAR وظیفه رسیدگی به امور اداری، اجرایی و پژوهشی انجمن را بر عهده دارد. هر کدام از سازمان‌های تنظیم‌گر برزیل که متقاضی عضویت در انجمن هستند، باید درخواست عضویت خود را با امضای مدیر ارشدشان به دبیرخانه اجرایی آبار ارسال کنند. پس از ارسال درخواست، در جلسه هیات مدیره بعدی ABAR درباره آن نظرخواهی می‌شود و در صورت تصویب، مراتب جهت بررسی به مجمع عمومی ارسال می‌شود. در نهایت رای‌گیری انجام شده و سازمان موردنظر به عضویت انجمن درمی‌آید. از آنجایی که ABAR نهادی خصوصی و غیرانتفاعی است، هزینه آن از سوی اعضا تامین می‌شود. حق عضویت سالانه ۲۰۲۲ سازمان‌های فدرال و ایالتی ۲۴ هزار و ۳۹۰ رئال، سازمان‌های شهری و بین‌شهری ۱۸ هزار و ۱۰۰ رئال^۱ و شهرداری‌ها ۹ هزار و ۵۰ رئال تعیین شده است. انجمن به منظور حمایت از نهادهای محلی، برای شهرداری‌هایی با جمعیت زیر ۲۰۰ هزار نفر، ۵۰ درصد تخفیف حق عضویت در سال اول در نظر گرفته است.

۶-۳. تجربه ایجاد شبکه ملی تنظیم‌گری در هند

هند جزو آن دسته از کشورهای آسیایی است که تنظیم‌گری در ساختار اقتصاد آن نقشی حیاتی ایفا می‌کند. امروزه در بخش‌های بزرگی از اقتصاد هند، از بازارهای مالی و حمل‌ونقل هوایی تا شرکت‌های مخابراتی و صنعت برق، نهادهای مستقل تنظیم‌گر بازیگری حائز اهمیت در اداره صنایع هستند. می‌توان این ادعا را طرح کرد که اثربخشی تنظیم‌گری در هند با اقتصاد سیاسی آن در هم تنیده شده است. تنظیم‌گران مستقل در هند بر اساس قانون پارلمان ایجاد می‌شوند؛ از این رو بر خلاف دیگر نهادهای اداری هند، الزامی به پاسخگویی مستقیم به هیئت وزیران ندارند. رونق تنظیم‌گری در هند تا حد زیادی برخاسته از این واقعیت بوده که ادارات سنتی دولت، فاقد توان تخصصی و خودمختاری لازم برای رسیدگی به چالش‌های فعالان اقتصادی مانند تخصیص ناکارآمد کالاها و خدمات، اطلاعات نامتقارن، بی‌ثباتی بازار و انحصار بازار بوده‌اند. نهادهای مستقل تنظیم‌گر برای پاسخگویی به این چالش‌ها شکل گرفتند. از جمله نهادهای تنظیم‌گر متقدم هند می‌توان به سازمان مرکزی استاندارد و کنترل دارو^۲ (تاسیس شده در سال

1. Real

2. Central Drug Standardisation and Control Organisation

۱۹۴۰)، موسسه حسابداران خبره هند^۱ (تاسیس شده در سال ۱۹۴۹) و اداره ثبت شرکت‌ها^۲ (تاسیس شده در سال ۱۹۵۶) اشاره کرد. شماری از سازمان‌های تنظیم‌گری نیز در سال‌های اخیر تشکیل شدند که از بین آن‌ها می‌توان به کمیسیون رقابت هند^۳ (تاسیس شده در سال ۲۰۰۳)، سازمان توسعه انبارداری و تنظیم مقررات^۴ (تاسیس شده در سال ۲۰۰۷) و سازمان تنظیم مقررات اقتصادی فرودگاه‌ها^۵ (تاسیس شده در سال ۲۰۰۹) اشاره کرد (Kapur & Khosla, 2019).

۶-۳-۱. انجمن تنظیم‌گرهای هندی

کمیسیون تنظیم مقررات برق اوریسا^۶ اولین کمیسیون تنظیم مقررات در بخش برق هند بود که در ۲۸ نوامبر ۱۹۹۶ تاسیس شد. پس از آن کمیسیون تنظیم مقررات برق مرکزی در آگوست ۱۹۹۸ و کمیسیون تنظیم مقررات برق هاریانا در ۱۰ مارس ۱۹۹۸ تشکیل شد. ده مورد دیگر نیز به سرعت پس از آن‌ها در دیگر ایالت‌های هند تاسیس شدند. این تنظیم‌گرها نیاز به یک پلتفرم مشترک برای بحث در مورد مسائل نوظهور در رویه‌ها و شیوه‌های تنظیم‌گری، توسعه استراتژی‌های مشترک برای رویارویی با چالش‌های پیش‌روی تنظیم‌گرها در هند و به اشتراک گذاشتن اطلاعات و تجربیات احساس کردند. جلسه‌ای از OERC، CERC و HERC در فوریه ۱۹۹۹ در دهلی نو تشکیل شد تا در مورد نحوه تشکیل یک انجمن مناسب بحث شود.^۷

ایده تشکیل انجمن منسجم و کارآمد به سرعت مورد پذیرش قرار گرفت و با تشکیل کمیسیون‌های نظارتی بیشتری، چه بر اساس قوانین خاص ایالت، یا قانون کمیسیون‌های تنظیم‌کننده برق، در سال ۱۹۹۸، آن‌ها شروع به شرکت در فعالیت‌های انجمن تازه تاسیس کردند. البته اساسنامه انجمن، آن را فقط محدود به فعالیت در بخش برق نمی‌کند. این انجمن تحت عنوان انجمن تنظیم‌گرهای هندی^۸ (FOIR)، تحت قانون ثبت انجمن‌ها، با ثبت انجمن در دهلی در ۴ فوریه ۲۰۰۰ تاسیس شد. FOIR

1. Institute of Chartered Accountants of India

2. Registrar of Companies

3. Competition Commission of India

4. Warehousing Development and Regulatory Authority

5. Airports Economic Regulatory Authority

6. OREC

7. <https://foir-india.org/default.php>

8. Forum of Indian Regulators (FOIR)

۳۶ عضو دارد که شامل سازمان تنظیم مقررات مخابرات هند^۱، سازمان تنظیم مقررات اقتصادی فرودگاه‌ها^۲، کمیسیون رقابت هند^۳، هیئت اعصاب و ورشکستگی هند^۴، هیئت تنظیم مقررات نفت و گاز طبیعی^۵، سازمان تعرفه بنادر بزرگ^۶، سازمان توسعه انبار و تنظیم مقررات^۷، کمیسیون مرکزی تنظیم مقررات برق^۸ و ۲۹ کمیسیون تنظیم مقررات برق دولتی است.

۶-۳-۱-۱. کارکردها و ابزارهای انجمن تنظیم گره‌های هندی

FOIR بستری است برای نهادهای تنظیم‌گر برای بحث در مورد مسائل نوظهور در رویه‌ها و شیوه‌های تنظیم‌گری، توسعه استراتژی‌های مشترک برای رویارویی با چالش‌های پیش‌روی تنظیم‌گران در هند و به اشتراک گذاشتن اطلاعات و تجربیات. هدف انجمن تنظیم‌گران هند، ارتقای شفافیت در عملکرد و توسعه ظرفیت‌های انسانی و نهادی در نهادهای تنظیم‌گر است.

عمده کارکردهای FOIR از طریق مرکز FOIR انجام می‌شود. مرکز FOIR وظایف تحقیقاتی، سازماندهی و بینارها، سمینارها، کارگاه‌ها، برنامه‌های آموزشی، ارائه خبرنامه و مواردی از این قبیل را برای FOIR انجام می‌دهد. همچنین سایر وظایف اداری از طریق این مرکز انجام می‌شود؛ از جمله تهیه گزارش‌های سالانه، تنظیم صورتجلسات و غیره. مرکز FOIR همچنین در توسعه پروژه‌های تحقیقاتی و برنامه‌ریزی استراتژیک برای انجمن تنظیم‌گران هند مشغول است.

۶-۳-۱-۲. ساختار حکمرانی و سازوکار فعالیت انجمن تنظیم گره‌های هندی

عالی‌ترین رکن FOIR، هیئت حاکمه آن است که متشکل از رئیس، نائب رئیس، اعضا، منشی و خزانه‌دار است. این هیئت حاکمه را مسئولان و روسای تنظیم‌گران عضو تشکیل می‌دهند. برای مثال در سال ۲۰۲۲، آشوک کومار گوپتا^۹ که رئیس FOIR است، از نوامبر ۲۰۱۸ ریاست شورای رقابت

-
1. Telecom Regulatory Authority of India
 2. Airports Economic Regulatory Authority Of India
 3. Competition Commission of India
 4. Insolvency and Bankruptcy Board of India
 5. Petroleum and Natural Gas Regulatory Board
 6. Tariff Authority For Major Ports
 7. Warehousing Development and Regulatory Authority
 8. Central Electricity Regulatory Commission
 9. Ashok Kumar Gupta

هند (CCI) را بر عهده دارد.

طبق اساس‌نامه انجمن، هر کمیسیون یا مرجع تنظیمی که توسط قانون یا هر سازمان مرتبط با خدمات عمومی ایجاد و توسط هیئت حاکمه فویر یا مصرف‌کنندگان به عنوان تنظیم‌گر شناخته شده، واجد شرایط عضویت نهادی در انجمن خواهد بود. همچنین هر شخصی که رئیس/عضو یا دبیر کمیسیون تنظیم مقررات یا مرجعی باشد که به موجب قانون تأسیس شده است تازمانی که عضو کمیسیون تنظیم مقررات یا مرجعی باشد که به موجب قانون ایجاد شده است واجد شرایط عضویت در انجمن خواهد بود. کمیسیون تنظیم مقررات یا مرجعی که به موجب قانون تأسیس شده است، یکی از اعضای نهادی انجمن است. پذیرش هر شخص حقیقی یا حقوقی به عنوان عضو انجمن به تشخیص هیئت حاکمه خواهد بود که در صورت رد درخواست هر شخص/موسسه برای عضویت، دلایل را ثبت خواهد کرد.

هدف انجمن این است که از نظر مالی خودکفا باشد از این رو برای تامین هزینه‌های خود به حق عضویتی که از سوی اعضا پرداخت می‌شود متکی است. در مجموع سه تپ حق عضویت در FOIR تعریف شده است: ۱. سازمان‌ها و کمیسیون‌های تنظیم‌گر ایالت‌های منطقه شمال شرقی هند (که توسعه‌نیافته‌تر از دیگر مناطق است) ۲ میلیون روپیه؛ ۲. سازمان‌ها و کمیسیون‌های تنظیم‌گر از دیگر ایالات ۴ میلیون روپیه و ۳. موسسات تحقیقاتی ۲ میلیون روپیه ۱.

۶-۴. تجربه ایجاد شبکه ملی تنظیم‌گری در نروژ

نروژ در بین کشورهای توسعه‌یافته جزو گروه کشورهای شمال اروپا دسته‌بندی می‌شود که با حکمرانی اجماع‌محور، دولت رفاه و بخش عمومی گسترش‌یافته شناخته می‌شوند. نروژ به عنوان مصداق بارز این الگو با تاکید بر ارزش‌های برابری طلبانه، سطح بالایی از اعتماد متقابل، همبستگی، استانداردهای بالای رفاه اجتماعی، یک دولت مداخله‌گر فعال، مشارکت گسترده از سوی ذی‌نفعان، و بخش عمومی بزرگ، کشوری موفق بوده است. سازمان‌های تنظیم‌گر در نروژ بدون تجربه هیچ بحران بزرگی توسعه یافته‌اند. آن‌ها به خوبی با وظایف فنی خود کنار آمده‌اند و عملکرد تنظیم‌گرانه کارآمد و ظرفیت‌سازگاری با چالش‌های بالایی را به نمایش گذاشته‌اند. با این حال نظام تنظیم‌گری

نروژ تا زمان اصلاحات انجام‌شده در اوایل قرن بیست و یکم، همواره باید با واقعیت مالکیت دولت بر صنایع تحت تنظیم کنار می‌آمد. مسئله اساسی پیش‌روی این نظام نه ظرفیت فنی یا توان اثرگذاری بلکه ارتقای رقابت از محل تفکیک نقش‌های مالکیت، سیاست‌گذاری و تصدی دولت است. از جمله مهم‌ترین نهادهای تنظیم‌گر این کشور می‌توان به سازمان تنظیم مقررات انرژی نروژ^۱، سازمان نظارت مالی^۲، آژانس دارویی نروژ^۳ و سازمان ایمنی نفت نروژ^۴ اشاره کرد.

۶-۴-۱. شورای تنظیم‌گری بهتر نروژ

شورای تنظیم‌گری بهتر نروژ^۵ یک نهاد مستقل زیر نظر وزارت تجارت، صنعت و شیلات^۶ است که در دسامبر ۲۰۱۵ تاسیس شد.

۶-۴-۱-۱. کارکردها و ابزارهای شورای تنظیم‌گری بهتر نروژ

شورای تنظیم‌گری بهتر نروژ، بیانیه‌های مشورتی برای پیشنهادات مربوط به مقررات جدید بخش تجاری در مرحله مشاوره عمومی صادر می‌کند. شورای تنظیم‌گری بهتر نروژ مستقل و بی‌طرف است و وزارتخانه نمی‌تواند در صدور بیانیه‌های شورا دستور دهد یا در آن دخالت کند. هدف شورا کمک به کاهش بار تنظیم‌گری بر مشاغل و به طور کلی مقررات کارآمدتر است.^۷

به صورت مشخص، مأموریت شورای تنظیم‌گری بهتر نروژ این است که ارزیابی‌های تأثیر تنظیم‌گری^۸ را در طرح‌هایی برای قوانین جدید یا اصلاح‌شده که بر کسب و کارها تأثیر می‌گذارد، بررسی کند. در انجام این کار، شورا باید ارزیابی کند که آیا دستورالعمل‌های مربوط به انجام مطالعات رسمی پیش از وضع قوانین رعایت شده است یا خیر و اینکه آیا اثرات آن بر کسب و کارهای نروژی به اندازه کافی مورد بررسی قرار گرفته است یا خیر. این شورا همچنین وظیفه دارد ارزیابی کند که آیا مقررات پیشنهادی با کمترین هزینه ممکن برای کسب و کارها به اهداف خود می‌رسند یا خیر.

1. Norwegian Energy Regulatory Authority

2. The Financial Supervisory Authority

3. The Norwegian Medicines Agency

4. Norway's Petroleum Safety Authority

5. Norwegian Better Regulation Council

6. Ministry of Trade, Industry and Fisheries

7. Regelradet.no/nbrc

8. Regulatory Impact Assessments (RIA)

شورای تنظیم‌گری بهتر نیروژ دریافت است که سازمان‌های دولتی مسئول تهیه پیش‌نویس قوانین و مقررات جدید، اغلب به درستی در نظر نمی‌گیرند که آیا مقررات آن‌ها می‌تواند ساده‌تر یا کم‌هزینه‌تر باشد. شماری از تغییرات فناورانه و اجتماعی بر کسب و کارها در نیروژ تأثیر می‌گذارد، و کسب و کارهای این کشور باید به سرعت خود را برای رقابتی ماندن تطبیق دهند. در عین حال، قوانین و مقررات جدیدی که بر کسب و کارها تأثیر می‌گذارد نیز باید به خوبی تحلیل شوند تا ملاحظات اجتماعی مهم را در نظر بگیرند. برای شورای تنظیم‌گری بهتر نیروژ اهمیت دارد که مقررات کسب و کار آسان باشد و توانایی کسب و کارها برای سازگاری و رقابت با شرایط متغیر اقتصاد جهانی را مختل نکند.

مهم‌ترین کار کردهای شورای تنظیم‌گری بهتر نیروژ بررسی پیشنهادات تنظیم‌گری، مشورت به مقامات دولتی، مطالعه روندهای بین‌المللی تنظیم‌گری و ایجاد فضای گفتگوی تنظیم‌گران با دولت است که برای اجرای آن‌ها از ابزارهای جلسات مشاوره با نهادهای دولتی و پژوهش‌های روش‌مند استفاده می‌شود. دبیرخانه شورا نقش مهمی در پیشبرد کار کردهای آن دارد.

۶-۴-۱-۲. ساختار حکمرانی و سازوکار فعالیت شورای تنظیم‌گری بهتر نیروژ

شورای تنظیم‌گری بهتر نیروژ متشکل از یک رئیس، معاون، سه عضو دیگر شورا و یک عضو علی‌البدل است. اعضای شورا معمولاً مدت چهار سال با امکان تمدید برای یک دوره واحد دارند. اعضای شورا بر اساس تخصص، صداقت حرفه‌ای و دانش گسترده آن‌ها از جامعه تجاری و تنظیم‌گری نیروژ انتخاب می‌شوند. آن‌ها همچنین وابستگی‌های جغرافیایی متفاوتی دارند و همه از پایتخت نیروژ یا شهرهای مهم آن نیستند. شورا تقریباً هر ماه یک بار جلساتی برگزار می‌کند. شورا همچنین می‌تواند موارد مهم را بین جلسات بررسی کند. یک دبیرخانه، وابسته به شورای تنظیم‌گری بهتر نیروژ، در تهیه پیش‌نویس بیانیه‌هایی که باید توسط شورا بررسی شود، کمک می‌کند. دبیرخانه همچنین مسئول رسیدگی مداوم به پرونده‌ها، کار مشورتی، و پیگیری ارتباط با وزارتخانه‌ها و تنظیم‌گرهای مسئول است که اظهارات انتقادی را دریافت می‌کنند. دبیرخانه در شهر هونگ فوس واقع شده است و تخصص اعضای آن در رشته‌های اقتصاد و حقوق است.

۶-۵. تجربه ایجاد شبکه ملی تنظیم‌گری در فرانسه

فرانسه جزو کشورهایی است که علی‌رغم دارا بودن پیشینه طولانی مدت در تنظیم‌گری و وجود

سازمان‌های تنظیم‌گر در حوزه‌های مختلف اقتصاد، فاقد شبکه تنظیم‌گری ملی رسمی‌ای است که تمام یا اکثر تنظیم‌گران عضو آن باشند. با این حال سازمان‌های تنظیم‌گر در فرانسه در قالب جلسات ادواری‌ای که با یکدیگر دارند، مسائل مشترک و چالش‌های نوظهور پیش‌روی تنظیم‌گری را بررسی کرده و با صدور بیانیه مشترک، تعهد خود نسبت به ارائه راهکار برای آن‌ها را اعلام می‌کنند. در سال‌های اخیر این جلسات بیشتر معطوف به چالش‌های حوزه دیجیتال و محیط‌زیست بوده است. برای مثال در جولای ۲۰۱۹، هفت تنظیم‌گر فرانسوی (سازمان رقابت^۱، سازمان بازارهای مالی^۲، سازمان تنظیم مقررات فعالیت‌های راه‌آهن^۳، سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات الکترونیک^۴، کمیسیون ملی انفورماتیک و آزادی‌ها^۵، کمیسیون تنظیم انرژی^۶ و شورای عالی سمعی و بصری^۷) جلسه‌ای برگزار و رویکردی مشترک در زمینه تنظیم‌گری مبتنی بر داده اتخاذ کردند. این جلسه که با حضور روسا و مدیران کل تنظیم‌گران فوق برگزار شد، در نهایت به رسمیت یافتن سازوکارهایی برای اقدام مشترک بین مراجع در حوزه‌هایی مانند تدارکات عمومی، مدیریت دانش و منابع انسانی انجامید. بدین ترتیب، تصمیماتی در مورد ابتکارات آموزشی مشترک، حمایت اجتماعی و همچنین کدهای رفتاری مشترک بین برخی مقامات اتخاذ شد.

در تاریخ می ۲۰۲۰ نیز جلسه دیگری با حضور هشت تنظیم‌گر فرانسوی برگزار شد که حاصل آن یادداشتی مشترک درباره نقش و ابزارهای در اختیار تنظیم‌گران مذکور در مواجهه با تغییرات اقلیمی بود. سازمان رقابت سازمان بازارهای مالی، سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات الکترونیک، سازمان تنظیم مقررات حمل‌ونقل^۸، کمیسیون ملی انفورماتیک و آزادی‌ها، کمیسیون تنظیم انرژی، شورای عالی سمعی و بصری و مرجع عالی انتشار آثار هنری و حمایت از حقوق در اینترنت^۹ تنظیم‌گرانی بودند که پیشتر در سال ۲۰۱۷ گروهی غیررسمی تشکیل داده بودند که هدف آن بررسی وضعیت

1. The Competition Authority

2. Autorité des marchés financiers (AMF)

3. Autorité de Régulation des Activités Ferroviaires (ARAFER)

4. The Autorité de Régulation des Communications Électroniques (ARCEP)

5. Commission nationale de l'informatique et des libertés (CNIL)

6. Commission de régulation de l'énergie (CRE)

7. Conseil supérieur de l'audiovisuel (CSA)

8. Autorité de Régulation des Transports (ART)

9. Haute Autorité pour la Diffusion des Œuvres et la Protection des droits sur Internet (HADOPI)

اضطراری تغییرات اقلیمی و چالش‌های آن برای تنظیم‌گری بود. آن‌ها در یک سند مشترک نیاز به نظر گرفتن فوریت تغییرات اقلیمی را در تعریف و اجرای ماموریت‌های خود و تشریح اهرم‌های خود برای اقدام بیان کردند. این اقدامات عبارتند از: تعریف قوانین تشویقی، توصیه‌ها یا شیوه‌های خوب؛ نشر داده‌های مرتبط با مخاطرات تغییرات اقلیمی برای فعالیتهای اقتصادی؛ نظارت بر شرکت‌ها و آگاه‌سازی شهروندان.

۶-۵-۱. ساختار حکمرانی و سازوکار فعالیت شبکه تنظیم‌گری ملی در فرانسه

همکاری سازمان‌های تنظیم‌گر فرانسه بر بستر مناسبات غیررسمی انجام می‌شود. هر کدام از سازمان‌ها به‌تناوب در نقش کارآفرین شبکه ظاهر می‌شوند و وظیفه هماهنگی حضور دیگر تنظیم‌گرها در جلسات و میزبانی از آن‌ها را بر عهده می‌گیرند. از این رو نمی‌توان رابطه قانونی و رسمی مشخصی برای ایشان ترسیم کرد. حضور تنظیم‌گران فرانسوی در شبکه مبتنی بر تمایل به ایجاد روابط غیررسمی در راستای پاسخگویی به مشکلات مشترک است و این کشور هنوز نتوانسته به یک ساختار اجرایی رسمی در زمینه شبکه تنظیم‌گری ملی همراه با وظایف و مسئولیت‌های رسمی برسد.

۶-۵-۲. کارکردها و ابزارهای شبکه ملی تنظیم‌گری فرانسه

در حال حاضر تهیه اسناد مشترک و اتخاذ مواضع هماهنگ مهم‌ترین کارکرد شبکه ملی تنظیم‌گری فرانسه است که می‌تواند چشم‌اندازی در راستای فعالیت نزدیک‌تر تنظیم‌گرها باشد.

۶-۶. تجربه ایجاد شبکه ملی تنظیم‌گری در کانادا

تنظیم‌گری در کانادا پیشینه‌ای به نسبت قدمت‌دار به‌مانند ایالات متحده و بریتانیا دارد. شمار وسیعی از حرفه‌ها و اصناف در کانادای قرن نوزدهم، به‌عنوان ذی‌نفعانی که دارای نگرانی‌ها و دغدغه‌های خاص و محلی در زمینه‌های کیفیت خدمات، دسترسی عموم مشتریان به خدمات و آموزش حرفه‌ای تازه‌واردها به صنایع بودند، با دنبال کردن الگوی خودتنظیمی^۱ نهادهایی را شکل دادند که به‌عنوان تنظیم‌گران در بخش‌های مختلف اقتصاد فعالیت می‌کنند. این الگو در قرن‌های بیستم و بیست‌ویکم، در واکنش به تغییر ذی‌نفعان و تغییر منافع آن‌ها، چرخش‌هایی را تجربه کرد. در حال حاضر، دولت

1. Self-regulating

نقش فعالی در ساختار تنظیم‌گری کانادا دارد و برای اجرای قوانین فدرال مصوب پارلمان همچون قوانین مهاجرت و پناهندگی و مقررات بهداشت و سلامت، به صورت فعالانه عملکرد صنایع را تنظیم می‌کند. در عین حال باید توجه داشت که صنایع کانادایی همچنان قدرت بالای چانه‌زنی در راستای خودتنظیمی را حفظ کرده‌اند. از جمله مهم‌ترین نهادهای تنظیم‌گر کانادا می‌توان به دفتر سرپرست موسسات مالی^۱، دفتر کمیسیون حریم خصوصی کانادا^۲، مرکز تحلیل تراکنش‌های مالی و گزارشات کانادا^۳ و انجمن پرستاران کانادا^۴ اشاره کرد (Christensen & Laegreid, 2007). کانادا دو تجربه موفق در زمینه شبکه‌سازی تنظیم‌گری دارد. اولین تجربه، تجربه‌ای برخاسته از ملاحظات و ابتکارات بخش دولتی است. دومین تجربه اما بر پایه نوآوری جامعه مدنی کانادا استوار است که در ادامه به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

۶-۱. جامعه تنظیم‌گران فدرال کانادا

جامعه تنظیم‌گران فدرال^۵ (CFR) یک نهاد بین‌بخشی ذیل دولت کانادا است که متشکل از سازمان‌ها و ادارات تنظیم‌گر در زمینه‌های گوناگون است و تلاش می‌کند تا ظرفیت و قابلیت‌های حرفه‌ای تنظیم‌گری و تخصص کارکنان در ابعاد مختلف تنظیم‌گری را بهبود بخشد. این نهاد در سلامت کانادا^۶ که نهاد متولی سیاستگذاری سلامت این کشور است مستقر است و از سوی آن پشتیبانی می‌شود. این نهاد در راستای پاسخگویی به مشکل دیرپای عدم هماهنگی بین نهادهای دولتی در کانادا در جهت پاسخگویی به مسائل مشترکی که کل بخش‌های اداری را متاثر می‌سازد تشکیل شد. اعضای جامعه تنظیم‌گران فدرال کانادا عبارتند از کشاورزی و تولید تجاری مواد غذایی کانادا^۷، سازمان خدمات مرزی کانادا^۸، تنظیم‌گر انرژی کانادا^۹، سازمان درآمد کانادا^{۱۰}، سازمان بازرسی مواد

-
1. Office of the Superintendent of Financial Institutions
 2. Office of the Privacy Commissioner of Canada
 3. Financial Transactions and Reports Analysis Centre of Canada
 4. Canadian Nurses Association
 5. Community of Federal Regulators (CFR)
 6. Health Canada
 7. Agriculture and Agri-Food Canada
 8. Canada Border Services Agency
 9. Canada Border Services Agency
 10. Canada Revenue Agency

غذایی کانادا^۱، کمیسیون غلات کانادا^۲، کمیسیون حقوق بشر کانادا^۳، کمیسیون ایمنی هسته‌ای کانادا^۴، کمیسیون رادیو-تلویزیون و مخابرات کانادا^۵، سازمان حمل‌ونقل کانادا^۶، کمیسر انتخابات کانادا^۷، وزارت دارایی^۸، وزارت دادگستری^۹، برنامه اشتغال و توسعه اجتماعی کانادا^{۱۰}، محیط زیست و تغییرات اقلیمی کانادا^{۱۱}، سازمان مصرف‌کننده مالی کانادا^{۱۲}، مرکز تحلیل تراکنش‌ها و گزارشات مالی کانادا^{۱۳}، شیلات و اقیانوس‌های کانادا^{۱۴}، امور جهانی کانادا^{۱۵}، سلامت کانادا^{۱۶}، خدمات بومی کانادا^{۱۷}، مهاجرت، پناهندگی و شهروندی کانادا^{۱۸}، نوآوری، علم و توسعه اقتصادی کانادا^{۱۹}، منابع طبیعی کانادا^{۲۰}، سازمان پارک‌های کانادا^{۲۱}، سازمان بهداشت عمومی کانادا^{۲۲}، خدمات عمومی و تدارکات کانادا^{۲۳}، دبیرخانه هیئت خزانه‌داری کانادا^{۲۴} و امور کهنه‌سربازان کانادا^{۲۵}.

-
1. Canadian Food Inspection Agency
 2. Canadian Grain Commission
 3. Canadian Human Rights Commission
 4. Canadian Nuclear Safety Commission
 5. Canadian Radio-television and Telecommunications Commission
 6. Canadian Transportation Agency
 7. Commissioner of Canada Elections
 8. Department of Finance
 9. Department of Justice
 10. Employment and Social Development Canada
 11. Environment and Climate Change Canada
 12. Financial Consumer Agency of Canada
 13. Financial Transactions and Reports Analysis Centre of Canada
 14. Fisheries and Oceans Canada
 15. Global Affairs Canada
 16. Health Canada
 17. Indigenous Services Canada
 18. Immigration, Refugees and Citizenship Canada
 19. Innovation, Science and Economic Development Canada
 20. Natural Resources Canada
 21. Parks Canada Agency
 22. Public Health Agency of Canada
 23. Public Services and Procurement Canada
 24. Treasury Board of Canada Secretariat
 25. Veteran Affairs Canada

۶-۱-۱. کارکردها و ابزارهای جامعه تنظیم‌گران فدرال کانادا

جامعه تنظیم‌گران فدرال (CFR) چشم‌انداز خود را، تقویت و حفظ ظرفیت جامعه تنظیم‌گری فدرال از طریق یادگیری، مشارکت و اخذ بهترین تجربیات؛ و مأموریت خود را، حفظ و تقویت سلامت، ایمنی، امنیت و رفاه شهروندان کانادایی در یک جامعه پایدار معرفی می‌کند. وظایف اصلی این نهاد، برنامه‌ریزی و ترویج فعالیت‌های یادگیری و توسعه تنظیم‌گری، شناسایی و تسهیل همکاری‌ها با هدف اخذ روش‌های نوآورانه در زمینه تنظیم‌گری و فراهم‌ساختن امکان تبادل راهبردها و ابزارهای تنظیم‌گری موثر بین سازمان‌های تنظیم‌گر کانادا است.

جامعه تنظیم‌گران فدرال در اسناد چشم‌انداز سالانه خود حوزه‌های کلیدی شبکه که بر آن‌ها تمرکز خواهد شد را اعلام می‌کند. طبق سند ۲۰۲۳ این نهاد، فعالیت‌های CFR بر چهار حوزه کلیدی متمرکز خواهد بود: ارتقای تعالی حرفه‌ای، ایجاد جامعه‌ی تنظیم‌گری پویا، حمایت از نوسازی تنظیم‌گری و پشتیبانی از ایده یک سازمان شفاف کارآمد در زمینه همکاری تنظیم‌گران. شبکه CFR در راستای ترویج فعالیت‌های خود در شبکه‌های اجتماعی لینکدین، اینستاگرام و توئیتر حضور دارد و از این طریق خود را به شهروندان کانادایی معرفی کرده است.

۶-۱-۲. ساختار حکمرانی و سازوکار فعالیت جامعه تنظیم‌گران فدرال کانادا

CFR توسط رئیس سازمان بازرسی مواد غذایی کانادا اداره می‌شود. همچنین دو تن از کارکنان ارشد نهادهای تنظیم‌گر عضو، در راستای تسهیل فرآیند اداره این شبکه تنظیم‌گری و انجام امور اجرایی در دفتر آن مستقر هستند: ریاست بخش امور تنظیم‌گری در دبیرخانه هیئت خزانهداری کانادا و ریاست بخش عملیات تنظیم‌گری و شعبه اجرای مقررات بهداشت کانادا. آن‌ها توسط کمیته‌ای متشکل از نمایندگان سازمان‌های عضو CFR تحت عنوان کمیته ADM پیشنهاد می‌شوند. این کمیته در همکاری با ریاست CFR اولویت‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان شبکه را تعیین می‌کند. همچنین روسای سازمان‌های تنظیم‌گر عضو نیز کمیته‌ای مجزا تحت عنوان کمیته DG دارند که در آن راهنمایی‌هایی در راستای عملکرد بهینه CFR در راستای اهداف آن ارائه می‌شود.

۶-۲. شبکه آژانس‌های تنظیم‌گری کانادا

دیگر شبکه ملی تنظیم‌گری در کانادا، شبکه آژانس‌های تنظیم‌گری کانادا (CNAR) است. آنچه

اکنون به‌عنوان شبکه آژانس‌های تنظیم‌گری کانادا^۱ شناخته می‌شود، در سال ۲۰۰۳ به‌عنوان فدراسیونی از سازمان‌های ملی تشکیل شد که اعضای استانی و منطقه‌ای آن مسئول محافظت از مردم از طریق خودتنظیم‌گری هستند. امروزه CNAR تنظیم‌گرهای استانی و ملی کانادا، هیئت‌های صدور مجوز، آژانس‌های اعتباربخشی، نهادهای ناظر و مقامات دولتی در همه سطوح را به‌منظور بحث در مورد چالش‌ها، به‌اشتراک گذاشتن ایده‌ها و توسعه بهترین راهکارهای مرتبط با طیف گسترده‌ای از موضوعات تنظیم‌گری جمع کرده است.^۲

پیشینه CNAR به سال ۲۰۰۱ برمی‌گردد؛ زمانی که انجمن‌های مهندسان و پرستاران کانادا در واکنش به تغییرات قانون مهاجرت مباحثاتی را سامان دادند. تا پیش از این سال، دولت کانادا طبق قانون مهاجرت سال ۱۹۷۶ خود سیاست‌گذاری می‌کرد که محوریت آن تنوع‌بخشی به جامعه کانادا، حمایت از مهاجرت هر چه بیشتر افراد صاحب تخصص و تمکن مالی به کانادا و بهبود وضعیت جمعیتی این کشور بود. این رویه در طول دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ هم دنبال شد. اما متعاقب حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر، کانادا قانون مهاجرت سال ۱۹۷۶ خود را با قانون حفاظت از مهاجرت و پناهندگان جایگزین کرد. این قانون در عین حفظ بسیاری از اصول و رویه‌های قانون قبلی نظیر طبقه‌بندی مهاجران، اختیارات گسترده‌ای به دولت به‌منظور بازداشت و اخراج مهاجران مضمون به تهدیدات امنیتی می‌داد. انجمن‌های مهندسان و پرستاران کانادا این قانون را نوعی مداخله در خودتنظیم‌گری ناظر بر فعالیت متخصصان در کانادا می‌دانستند. آن‌ها از دیگر آژانس‌های تنظیم‌گر نیز دعوت کردند تا به آن‌ها پیوندند و بدین شکل ائتلاف آژانس‌های مرتبط با تنظیم مقررات یا CORA ایجاد شد. اولین نشست این نهاد با حضور ۱۴ سازمان تنظیم‌گر برگزار شد. CORA در سال ۲۰۰۳ به شبکه کانادایی انجمن‌های ملی تنظیم‌گر یا CNAR تغییر نام داد تا نیاز روزافزون به رسیدگی به مسائل مشترک در سطح ملی را بهتر منعکس کند. در سال ۲۰۰۶، این نهاد طبق قوانین کانادا به یک شرکت غیرانتفاعی تبدیل شد. CNAR در سال ۲۰۰۷ نخستین کنفرانس ملی خود را به همراه دیگر رویدادهای آموزشی برگزار کرد. CNAR در سال ۲۰۰۹ با یک شرکت مدیریت انجمن قرارداد می‌بندد تا در ادامه روند رشد این نهاد، از آن پشتیبانی‌های لازم را به عمل آورد. همچنین سمپوزیوم‌های موضوعی خاص در حوزه‌های مختلف تنظیم‌گری نیز به تقویم رویدادهای سالانه CNAR افزوده شد. این شبکه در سال ۲۰۱۴ نام خود را به

1. Canadian Network of Agencies of Regulation (CNAR)

2. <https://www.cnar-rcor.ca/>

CNAR تغییر داد تا پذیرای سازمان‌های تنظیم‌گر در سطح استانی و منطقه‌ای نیز باشد. شبکه در این سال آموزش تحقیقات را به فهرست پیشنهادات آموزشی خود اضافه کرد. در سال ۲۰۱۵ وب‌سایت و پرتال جدید اعضا راه‌اندازی شد و در دسترس قرار گرفت که شامل بخش‌های فضاهای کاری مشترک، دایرکتوری‌های قابل جستجو، ثبت رویداد، برد کاری و ابزار نظرسنجی بود. در سال ۲۰۱۷، CNAR یک مدل عضویت فراگیرتر را معرفی کرد که در آن سازمان‌های استانی از بخش غیرانتفاعی نیز واجد شرایط پیوستن به CNAR شوند. در پایان سال ۲۰۱۷، اعضای CNAR بیش از دو برابر افزایش پیدا کرده و این شبکه بزرگ‌ترین کنفرانس سالانه خود را با حدود ۴۰۰ نماینده از نهادهای عضو برگزار می‌کند. در سال ۲۰۱۸، CNAR برنامه مشارکت شرکتی خود را آغاز کرد و روابطش با چهار سازمان کلیدی تنظیم‌گری را رسمی می‌کند. در سال ۲۰۲۰ و به دلیل پاندمی کرونا، CNAR ناگزیر شد برای نخستین بار کنفرانس سالانه خود را به صورت مجازی برگزار کند که بیش از ۵۰۰ نماینده در آن شرکت داشتند.

۶-۲-۱. کارکردها و ابزارهای شبکه تنظیم‌گری ملی کانادا

مهم‌ترین کارکردها و ابزارهای CNAR عبارتند از:

- برگزاری جلسات و کنفرانس‌های مستمر با شرایط حضور آسان جهت گسترش گفت‌وگوها و تنظیم‌گری در کانادا.
- افزایش هماهنگی و همکاری از طریق برقراری ارتباط با نهادها و انجمن‌های تاثیرگذار کانادا در زمینه تنظیم‌گری در خلال نشست‌ها.
- اشتراک‌گذاری دانش و اطلاعات؛ استفاده از دانش و تجربه به اشتراک گذاشته شده در جلسات هیئت‌ها و کمیته‌ها، خبرنامه و سخنرانی‌های CNAR.
- آموزش؛ استفاده از کارگاه‌های آموزشی و محتوای تدارک دیده شده برای مدیران عامل تنظیم‌گرها

۶-۲-۲. ساختار حکمرانی و سازوکار فعالیت شبکه ملی تنظیم‌گری در کانادا

یکی از نقاط قوت CNAR در چگونگی طراحی ساختار حکمرانی آن نهفته است که متشکل از چهار رکن اساسی است:

- هیئت مدیره (عضویت داوطلبانه، متشکل از متخصصان)

- مدیر اجرایی

- کمیته برگزاری کنفرانس سالانه

- کمیته برنامه‌ریزی آموزش

اعضای هیئت مدیره عبارتند از رئیس هیئت مدیره، نائب رئیس هیئت مدیره، مدیرعامل (در صورت انتخاب)، منشی و خزانه‌دار (در صورت انتصاب). هیئت مدیره اختیار تعلیق و حذف اعضا در صورت نقض مقررات، انجام رفتارهای مضر برای CNAR (به تشخیص اعضای هیئت مدیره) و به هر دلیلی که هیئت مدیره معقول تشخیص بدهد را خواهد داشت.

همچنین این نهاد گزینه‌های عضویتی مختلفی را برای انواع ذینفعان به منظور توسعه هر چه فراگیرتر شبکه تدارک دیده است که عبارت است از:

- عضویت سازمانی (برای نهادهای تنظیم‌گر)

- عضویت فردی (برای مدیران، دانشگاهیان، پژوهشگران و افراد علاقه‌مند به تنظیم‌گری)

- اشتراک (دسترسی به محتوای تولیدشده در شبکه و شرکت در رویدادها به صورت موقت)

۶-۷. بررسی تجربیات ایجاد شبکه‌های تنظیم‌گری منطقه‌ای

همگرایی فزاینده میان واحدهای سیاسی ملی در قالب نهادها و مناسبات منطقه‌ای در زمره واقعیت‌های حکمرانی در سه دهه اخیر است. به جز پررنگ‌ترین و اصلی‌ترین نمونه این همگرایی در قالب اتحادیه اروپا، دیگر کشورها در دیگر مناطق جهان نیز از این روند در راستای حل کارآمدتر و اثربخش‌تر چالش‌ها و مسائل حکمرانی خود بهره می‌برند که حوزه تنظیم‌گری نیز از این توجه مستثنی نبوده است. در این بخش به تجربه اقیانوسیه، اروپا و آفریقا در زمینه شبکه‌های منطقه‌ای تنظیم‌گری پرداخته می‌شود. گفتنی است که این شبکه‌ها به مراتب از صلاحیت‌ها و اختیارات سیاستی و تقنینی کمتری برخوردارند و نمی‌توانند از ابزارهای الزام‌آور و قهرآمیز مربوط به نهادهای ملی استفاده کنند. کارکرد این شبکه‌ها بیشتر معماری گفتمان تنظیم‌گری و توانمندسازی تنظیم‌گران ملی در سطح فراملی است تا از نمونه‌های موفق بتوانند الگو برداری کنند. در طراحی این شبکه‌ها نیز تلاش شده تا حد ممکن تراجمی با حاکمیت و استقلال عمل دولت‌ها نداشته باشند و فعالیت و کنش‌گری در شبکه‌ها اختیاری باشد.

۶-۷-۱. شبکه‌های تنظیم‌گری در منطقه اقیانوسیه

شورای سازمان‌های تنظیم‌گر برق^۱ (ERAC) در زمره شبکه‌های تنظیم‌گری فعال در منطقه اقیانوسیه است. این سازمان به‌منظور هماهنگی فعالیت‌های تنظیم‌گرهای برق در استرالیا و نیوزلند تشکیل شده است. در استرالیا، وظایف تنظیم‌گری فنی و ایمنی بخش برق عمدتاً بر عهده دولت‌های ایالتی و قلمروهای سرزمینی می‌باشد. این تفکیک جغرافیایی در ارائه خدمت، منجر به وجود آمدن نیاز به ایجاد سازوکاری جهت افزایش هماهنگی و یکپارچگی شد.^۲

پیشینه ایجاد نهادی با ماهیت شبکه تنظیم‌گران برق استرالیا به دهه ۱۹۶۰ برمی‌گردد. در آن زمان دو نهاد با عناوین کمیته تأیید مقامات تنظیم‌گر^۳ و کمیته صدور مجوز مقامات تنظیم‌گری^۴، مسئولیت‌ها و کارکردهای شبکه را به‌صورت موازی بر عهده داشتند. در سال ۱۹۹۵، شورای سازمان‌های تنظیم‌گر برق (ERAC)، به‌منظور حل مسائل و چالش‌های ناشی از عدم یکپارچگی نهادی این حوزه و تداخل کارکردهای دو کمیته فوق تشکیل شد تا بتواند فعالیت‌ها در مورد راهبردهای تنظیم‌گری، سیاست‌ها و اصلاحات موردنیاز را راهبری و هماهنگ کند.

شورای سازمان‌های تنظیم‌گر برق (ERAC) از نظر رسمی هیچ‌گونه قدرت اجرایی‌ای ندارد اما در سراسر صنعت برق منطقه اقیانوسیه به‌عنوان نهادی حرفه‌ای که قادر به تامین توامان منافع صنعت و منافع عموم مردم است شناخته می‌شود. شورادر حال حاضر ۱۳ عضو دارد: امنیت انرژی استرالیای غربی^۵، ایمنی کار قلمروی شمالی^۶، دفتر تنظیم‌گر فنی^۷ استرالیای جنوبی، دفتر امور مشتریان و کسب و کارها^۸ استرالیای جنوبی، دفتر امنیت برق^۹ کوئینزلند، تجارت منصفانه نیو ساوت ولز^{۱۰}، وزارت تجارت و سرمایه‌گذاری^{۱۱}

1. Electrical Regulatory Authorities Council (ERAC)

2. Erac.gov.au

3. Regulatory Authorities Approvals Committee (RAAC)

4. Regulatory Authorities Licensing Committee (RALC)

5. Energy Safety WA

6. NT Worksafe

7. Office of the Technical Regulator

8. Office of Consumer & Business Affairs

9. Electrical Safety Office

10. NSW Fair Trading

11. Department Trade and Investment

نیو ساوت ولز، دیوان قیمت‌گذاری و تنظیم‌گری مستقل^۱ نیو ساوت ولز، وزارت خزانه‌داری و توسعه اقتصادی^۲ قلمروی پایتختی استرالیا، وزارت محیط‌زیست و میراث استرالیا^۳، انرژی ایمن و بکتوریا^۴، بخش استانداردها و ایمنی برق وزارت دادگستری^۵ استرالیا و ایمنی انرژی امنیت کار^۶ نیوزلند.

ERAC دو بار در سال تشکیل جلسه می‌دهد و به طور منظم هم در داخل و هم با ذی‌نفعان خارج از صنعت، در مورد مسائل تنظیم‌گری و با هدف ارائه پیشنهاداتی برای سیاست‌های عملیاتی منسجم در سراسر حوزه‌های سرزمینی تحت نفوذ تنظیم‌گران مکاتبه می‌کند. جلسات اصلی دو بار در سال و جلسات موردی بین تنظیم‌گران و مصوبات آن‌ها مهم‌ترین ابزارهای هماهنگ‌سازی فعالیت اعضاست. عالی‌ترین مقام شورا، رئیس هماهنگ‌کننده^۷ است که توسط اعضا و به صورت ادواری انتخاب می‌شود. شورا همچنین برای کارکردهای موردی خود در زمینه‌های بازرسی، ایمنی تجهیزات، صدور مجوز و تدارکات مسئولانی را برمی‌گزیند. آن‌ها فرایند برگزاری جلسات کمیته‌های فرعی و کارگروه‌های ذیل ERAC را راهبری می‌کنند. مکان جلسات به صورت گردشی بین اعضا چرخانده می‌شود و آن‌ها هر کدام بخشی از بودجه موردنیاز فعالیت شورا را تامین می‌کنند.

۶-۷-۲. شبکه‌های تنظیم‌گری در اتحادیه اروپا

آژانس همکاری تنظیم‌گران انرژی^۸ (ACER) که در لیوبلیانا، پایتخت اسلوانی، مستقر است یکی از آژانس‌های غیرمتمرکز اتحادیه اروپاست. این قبیل آژانس‌ها به عنوان اشخاص حقوقی معجزا برای انجام وظایف فنی و علمی خاص ایجاد می‌شوند تا به نهادهای اتحادیه اروپا و کشورهای عضو برای اجرای سیاست‌ها و تصمیم‌گیری بهتر کمک کنند. آژانس همکاری تنظیم‌گران انرژی (ACER) که در مارس سال ۲۰۱۱ تاسیس شد، کمک می‌کند تا اطمینان حاصل شود که بازار واحد اروپا در زمینه گاز و برق به درستی کار می‌کند. این سازمان به مقامات ملی نظارتی در انجام وظایف نظارتی خود در

-
1. Independent Pricing and Regulatory Tribunal (IPART)
 2. Chief Minister, Treasury and Economic Development Directorate
 3. Department of Environment & Heritage
 4. Energy Safe Victoria
 5. Electricity Standards and Safety, Department of Justice
 6. Energy Safety WorkSafe New Zealand
 7. Coordinating Chairperson
 8. Agency for the Cooperation of Energy Regulators (ACER)

سطح اروپا کمک می‌کند و در صورت لزوم، کار آنها را هماهنگ می‌کند. بخش مهمی از این نظارت در زمینه بازارهای عمده‌فروشی انرژی صورت می‌پذیرد تا از مصرف‌کنندگان سوءاستفاده نشود. آژانس همچنین به تدوین قوانین شبکه اروپایی انرژی کمک می‌کند؛ در صورت لزوم، تصمیمات فردی الزام‌آور در مورد شرایط و ضوابط دسترسی و امنیت عملیاتی زیرساخت‌های فرامرزی اتخاذ می‌کند؛ به نهادهای اروپایی در مورد مسائل مربوط به برق و گاز طبیعی مشاوره می‌دهد و بر بازارهای داخلی برق و گاز طبیعی نظارت کرده و یافته‌های خود را به صورت شفاف گزارش می‌دهد. فرآیند تامین بودجه این نهاد مشابه دیگر آژانس‌های غیرمتمرکز اتحادیه اروپاست.^۱

نهادهای زیرمجموعه آژانس همکاری تنظیم‌گران انرژی عبارتند از:

- **هیئت اداری**^۲: این هیئت مسئول اداره آژانس و همچنین کلیه فعالیت‌های اداری و بودجه‌ای است. اعضای هیئت اداری توسط کمیسیون اروپا، پارلمان اروپا و شورای اتحادیه اروپا منصوب می‌شوند.
- **هیئت تنظیم‌گران**^۳: هیئت تنظیم‌گران مسئول سیاست تنظیمی و نظارت بر کلیه فعالیت‌های مرتبط است. این هیئت توسط نمایندگان ارشد مقامات ملی تنظیم مقررات (NRAs) انرژی ۲۷ کشور عضو تشکیل شده است.
- **هیئت استیناف**^۴: هیئت استیناف به شکایات تسلیم‌شده علیه تصمیمات ACER رسیدگی می‌کند. این هیئت مستقل از هیئت اداری است.
- **گروه‌های کاری**^۵: گروه‌های کاری آژانس به مدیر آژانس و هیئت تنظیم‌گر در مورد فعالیت‌های نظارتی آژانس مشاوره می‌دهند.

آخرین رویداد آژانس همکاری تنظیم‌گران انرژی، فراخوان مربوط به جلسات بحث در مورد مقررات مربوط به یکپارچگی و شفافیت بازار انرژی عمده‌فروشی^۵ سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ است. این مقررات که از سال ۲۰۱۱ برای حمایت از رقابت باز و منصفانه در بازارهای انرژی عمده‌فروشی اروپا به اجرا درآمده است، از منافع شرکت‌ها و مصرف‌کنندگان حوزه انرژی حفاظت می‌کند.

1. Acer, europea.eu

2. The Administrative Board (AB)

3. The Board of Regulators (BoR)

4. The Board of Appeal (BoA)

5. The Regulation on Wholesale Energy Market Integrity and Transparency (REMIT)

آژانس هر سال جلساتی مربوط به بحث حول این مقررات و به‌روزرسانی آن‌ها را برگزار می‌کند که آخرین سری آن‌ها در مارس ۲۰۲۲ برگزار شد. انجمن‌های اروپایی فعال بازار انرژی می‌توانند با ارائه درخواست خود به آژانس، در این جلسات شرکت کنند.

۶-۷-۳. شبکه‌های تنظیم‌گری در منطقه آفریقا

جامعه اقتصادی کشورهای غرب آفریقا^۱ (ECOWAS) یکی از نهادهای منطقه‌ای فعال در قاره سیاه است که در سال ۱۹۷۵ تأسیس شد. این نهاد منطقه‌ای متشکل از ۱۵ کشور است: بنین، بوركینافاسو، کیپ ورد، ساحل عاج، گامبیا، غنا، گینه، گینه بیسائو، لیبریا، مالی، نیجر، نیجریه، سنگال، سیرالئون و توگو. هدف اصلی ECOWAS ارتقای همکاری اقتصادی بین کشورهای عضو به‌منظور بهبود استانداردهای زندگی و تقویت توسعه اقتصادی است. ECOWAS همچنین با هدف رسیدگی به برخی مسائل امنیتی از طریق ایجاد یک نیروی حافظ صلح برای کنترل درگیری‌ها در منطقه تلاش کرده است. ECOWAS منطقه تجارت آزاد خود را در سال ۱۹۹۰ تأسیس و در ژانویه ۲۰۱۵ یک تعرفه خارجی مشترک تصویب کرد. بر این اساس، نهاد مذکور توانسته سطوح بالایی از کنش‌گری موثر را در یکی از مناطق در حال توسعه جهان به نمایش بگذارد.

در سال ۲۰۱۵، سازمان‌های تنظیم‌گر بازار سرمایه در کشورهای عضو ECOWAS یک انجمن مشترک برای تقویت یکپارچگی بازار در منطقه به عنوان بخشی از برنامه یکپارچه‌سازی بازار سرمایه غرب آفریقا ایجاد کردند. در این راستا، انجمن تنظیم‌گران اوراق بهادار آفریقای غربی^۲ (WASRA) در تلاش برای ایجاد یک بنای قابل قبول دوجانبه برای مشاوره و همکاری تنظیم‌گرهای بازار سرمایه در غرب آفریقا متولد شد. کشورهای عضو WASRA متعهد به دستیابی به برنامه یکپارچه‌سازی بازار سرمایه آفریقای غربی^۳ هستند.^۴

WASRA سه نوع عضویت را طراحی کرده است: عضو معمولی (تنظیم‌گر رسمی بازار سرمایه در کشورهای غرب آفریقا)، عضو وابسته (نهادهای قانونی و رسمی فراملی غرب آفریقا) و عضو ناظر (هر نهاد موردپذیرش شورای اجرایی وارسا). شورای اجرایی رکن حاکمیتی و سیاستگذاری این شبکه

1. Economic Community of West African States (ECOWAS)

2. West Africa Securities Regulators Association (WASRA)

3. West African Capital Market Integration (WACMI)

4. wasra-amfao.org

است که متشکل از مدیران ارشد سازمان‌های عضو است. نام رکن اجرایی وارسا کمیته فنی است که مسئولیت ارائه مشاوره به شورای اجرایی در زمینه مسائل فنی را بر عهده دارد. این کمیته متشکل از کارشناسان سازمان‌های تنظیم‌گر عضو وارسا است که توسط اعضای شورای اجرایی معرفی و منصوب می‌شوند. سازمان‌های تنظیم‌گر عضو وارسا مسئولیت تامین بودجه آن را بر عهده دارند.

۶-۸. شبکه‌های بین‌المللی تنظیم‌گری

جهانی‌شدن، افزایش ارتباط میان کشورها و کاهش هزینه‌های تعاملات فی مابین آن‌ها باعث شده تا برای نهادهای تنظیم‌گر ملی فضای مساعدی برای برقراری روابط مستمر با یکدیگر حول منافع مشترک پدیدار شود. شبکه‌های بین‌المللی نسبت به شبکه‌های ملی و منطقه‌ای ضریب اثرگذاری سیاستی کمتری در عرصه طراحی و اجرای سیاست‌های تنظیمی دارند. با این حال نقش آن‌ها در شکل‌دهی به سرفصل‌های دستور کار تنظیم‌گری قابل‌تامل است که در این زمینه می‌توان به نقش آفرینی شبکه‌های تنظیم‌گری بین‌المللی در حوزه‌های تغییرات اقلیمی، انرژی‌های پاک و ایمنی هسته‌ای اشاره کرد. باید توجه داشت که ساختار حکمرانی شبکه‌های بین‌المللی به دلیل ماهیت ترویجی این شبکه‌ها، ساختاری افقی‌تر است که در آن رکن تصمیم‌گیر شبکه ضریب اثرگذاری کمتری نسبت به رکن تصمیم‌گیر شبکه‌های ملی بر عرصه اجرایی شبکه دارد. در این بخش به تجربه ایجاد شبکه بین‌المللی در عرصه اوراق بهادار به‌عنوان یکی از تجربیات موفق و پایدار ایجاد شبکه تنظیم‌گری در سطح بین‌المللی پرداخته می‌شود.

۶-۸-۱. سازمان بین‌المللی کمیسیون‌های اوراق بهادار

سازمان بین‌المللی کمیسیون‌های اوراق بهادار^۱ (IOSCO) یک نهاد بین‌المللی است که تنظیم‌گرهای اوراق بهادار جهان را گرد هم می‌آورد. این سازمان به‌عنوان تنظیم‌گر استاندارد جهانی برای بخش اوراق بهادار شناخته می‌شود. IOSCO پایبندی به استانداردهای بین‌المللی شناخته‌شده برای مقررات اوراق بهادار را توسعه، اجرا و ترویج می‌کند. این سازمان همچنین همکاری‌های نزدیکی با نهادهای بین‌المللی دیگر مانند G۲۰ داشته و در راستای دستور کار اصلاحات تنظیم‌گری جهانی فعالیت می‌کند.^۲

1. International Organization of Securities Commissions (IOSCO)

2. losco.org

سازمان IOSCO در آوریل ۱۹۸۳ تاسیس شد. زمانی که ۱۱ آژانس تنظیم‌گر اوراق بهادار از شمال و جنوب آمریکا موافقت کردند که انجمن منطقه‌ای بین‌آمریکایی خود را به یک نهاد تعاونی بین‌المللی تبدیل کنند. یک سال بعد، تنظیم‌گرهای اوراق بهادار از فرانسه، اندونزی، کره و بریتانیا اولین آژانس‌های غیرآمریکایی هستند که به سازمان جدید می‌پیوندند. در ژوئیه ۱۹۸۶، IOSCO کنفرانس سالانه خود را در پاریس برگزار کرد، اولین کنفرانس خارج از قاره آمریکا و در آن اعضا توافق کردند که یک دبیرخانه عمومی دائمی ایجاد کنند. از آن زمان تا به الان این دبیرخانه رکن اساسی و کارآفرین شبکه بوده و پیشبرد امور اجرایی و دریافت حق عضویت از اعضا را بر عهده داشته است. سازمان در حال حاضر ۲۳۶ عضو دارد. این شبکه به خاطر گستره وسیع اعضایش شناخته می‌شود. اعضای آن بیش از ۹۵ درصد از بازارهای اوراق بهادار جهان را در بیش از ۱۳۰ کشور و قلمروی سرزمینی تنظیم می‌کنند و تنظیم‌گرهای اوراق بهادار در بازارهای نوظهور ۷۵ درصد از اعضای عادی آن را تشکیل می‌دهند. بر این اساس سازمان محدود به کشورهای توسعه‌یافته نیست. به جز وضع استانداردهای جهانی، دیگر کارکرد و ابزار IOSCO ارائه کمک‌های فنی به اعضا، عرضه آموزش‌های با کیفیت بالا و انجام تحقیقات گوناگون در زمینه‌های مرتبط با اوراق بهادار است.

IOSCO سه نوع عضویت را برای علاقه‌مندان حضور در شبکه طراحی کرده است: عادی، وابسته و همکار. به طور کلی، اعضای عادی (۱۳۱ عضو) کمیسیون‌های ملی اوراق بهادار یا نهادهای دولتی مشابه با اختیارات قابل توجهی بر بازارهای اوراق بهادار یا مشتقات در کشور خود هستند. اعضای وابسته (۳۴ عضو) معمولاً تنظیم‌گرهای دولتی فراملی، تنظیم‌گرهای دولتی فروملی، سازمان‌های بین‌المللی و همچنین سایر نهادهای دولتی با علاقه مناسب در تنظیم اوراق بهادار هستند. اعضای همکار (۷۱ عضو) سازمان‌های خودتنظیم‌گر، بورس اوراق بهادار، زیرساخت‌های بازار مالی، نهادهای بین‌المللی غیر از سازمان‌های دولتی با دارا بودن منافع در مقررات اوراق بهادار، صندوق‌های حمایت از سرمایه‌گذار و صندوق‌های جبران خسارت، و سایر نهادهایی با منافع مرتبط در تنظیم اوراق بهادار هستند.

۶-۹. جمع‌بندی تجربیات جهانی در زمینه ایجاد شبکه‌های تنظیم‌گری

شبکه‌های تنظیم‌گری جامع در سطح ملی، اگرچه در ساختار حکمرانی و کارکردهای خود تمایزهایی را به نمایش می‌گذارند و متاثر از زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جوامع خود هستند، اما

همچنین سبک جدیدی از نهادسازی تنظیم‌گرانه را عرضه کرده‌اند که به خوبی توانسته در مواردی همچون افزایش آگاهی، لابی‌گری، رفع اختلافات و سرمایه‌گذاری‌های مشترک موثر ظاهر شود. این شبکه‌ها با تکیه بر نوع خاص نظام روابط درونی خود، از محدودیت‌های الگوی سلسله‌مراتبی فراتر می‌روند و راه را برای بازآفرینی نظام دیوان‌سالاری سنتی دولت‌ها باز می‌کنند.

کشورهایی که در آن‌ها تجربه موفق تاسیس شبکه‌های تنظیم‌گری وجود دارد، به دنبال احساس نیاز به خلق هویتی مشترک حول ضرورت حضور یک نظام ملی تنظیم‌گری منسجم، هماهنگ و نیرومند دست به تاسیس شبکه‌ها زدند و از آن‌ها برای تقویت جایگاه نهادهای تنظیم‌گر در دو سطح دولت و جامعه بهره بردند. در سطح دولت، شبکه‌ها نشان دادند که می‌توان اثرگذاری سازمان‌های تنظیم‌گر در خلال قوانین و سیاست‌ها را افزایش داد و از منافع این نهادها حفاظت کرد. در سطح جامعه، شبکه‌ها گام‌های مهمی در عرصه ترویج فرهنگ تنظیم‌گری و فواید آن، به خصوص در زمانه بحران‌های جهانی همچون بحران پاندمی کرونا و منازعات منطقه‌ای برداشتند. سازمان‌های تنظیم‌گر با فعالیت‌های تبلیغاتی به صورت فردی و جداگانه، نمی‌توانستند این چنین اهمیت تنظیم‌گری را بازنمایی کنند. شبکه‌ها همچنین خدمات قابل توجهی را برای کارکنان و کارشناسان سازمان‌های تنظیم‌گر جهت حرفه‌ای‌تر شدن تصمیم‌های اتخاذشده این سازمان‌ها ارائه داده‌اند و از این منظر، کارکرد آموزشی را هم ایفا کرده‌اند.

نظام حکمرانی ایرانی به صورت سنتی دارای شاخصه گسست نهادی و معماری جزیره‌ای است. این امر باعث شده تا ضرورت بستری برای هماهنگی اقدام بازیگران مختلف و حل تعارض میان آن‌ها احساس شود. در وضعیت کنونی، ساختار این نهاد نوپدید در صورت سلسله‌مراتبی بودن نمی‌تواند کارآمدی و اثربخشی لازم را از خود نشان دهد. نهادسازی شبکه‌ای ابتکاری برای گذار از حکمرانی جزیره‌ای به حکمرانی منسجم است. نهادهای تنظیم‌گر ایران در بخش‌های مختلف مانند رسانه، فضای مجازی، مالی، رقابت، حمل و نقل، انرژی و... می‌توانند گام اول شکل‌گیری شبکه‌های نظام حکمرانی کشور را با تاسیس شبکه تنظیم‌گری ملی ایران بردارند. تجربیات موفق جهانی حکایت از آن دارند که این شبکه قادر است در عین حفظ استقلال سازمان‌های تنظیم‌گر، راه را به سمت کاهش تعارضات بین سازمانی بگشاید و الگوی عمل هماهنگی را بر رویه‌های مقرره‌گذاری حاکم کند. به صورت کلی در جدول ذیل می‌توان خلاصه‌ای از اهداف، کارکردها، ابزارها و ساختارهای حکمرانی شبکه‌های تنظیم‌گری ملی در کشورهای مختلف را مشاهده نمود.

جدول ۲: جمع‌بندی تجربیات جهانی ایجاد شبکه‌های تنظیم‌گری

کشور متناظر	موارد شناسایی شده	ابعاد تحلیلی شبکه‌های تنظیم‌گری
بریتانیا	حصول اطمینان از حفظ استقلال تنظیم‌گرها	اهداف شبکه‌های تنظیم‌گری
برزیل	نماینده‌گی منافع تنظیم‌گران در ساحت سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری	
هند	ارتقای شفافیت در عملکرد و توسعه ظرفیت‌های انسانی و نهادی در نهاد‌های تنظیم‌گر	
نروژ	کمک به کاهش بار تنظیم‌گری بر مشاغل و به‌طور کلی مقررات کارآمدتر	
فرانسه	رسیدگی به مسائل مشترک و چالش‌های نوظهور پیش‌روی تنظیم‌گری	
کانادا	پاسخگویی به مشکل عدم هماهنگی بین نهاد‌های دولتی	
بریتانیا	کمک به تدوین مقررات کارآمد، دستیابی به مقررات اقتصادی منسجم در بین بخش‌ها، کمک به روند مقرون‌به‌صرفه ساختن خدمات و توانمندسازی مصرف‌کنندگان، کمک به ایجاد یک محیط مثبت برای سرمایه‌گذاری کارآمد، ترویج رقابت به نفع مصرف‌کنندگان، درک بهتر از اثربخشی مقررات اقتصادی	کارکردهای شبکه‌های تنظیم‌گری
برزیل	حمایت پارلمانی و دولتی، آموزش و برگزاری رویداد، استفاده از ظرفیت‌های ارتباطی و مطبوعات	
هند	بحث در مورد مسائل نوظهور در رویه‌ها و شیوه‌های تنظیم‌گری، توسعه استراتژی‌های مشترک برای رویارویی با چالش‌های پیش‌روی تنظیم‌گران در هند	
نروژ	صدور بیانیه‌های مشورتی برای پیشنهادات مربوط به مقررات جدید، مطالعه روندهای بین‌المللی تنظیم‌گری و ایجاد فضای گفتگوی تنظیم‌گران با دولت	
فرانسه	تهیه اسناد مشترک و اتخاذ مواضع هماهنگ	
کانادا	برنامه‌ریزی و ترویج فعالیت‌های یادگیری و توسعه تنظیم‌گری، شناسایی و تسهیل همکاری‌ها با هدف اخذ روش‌های نوآورانه در زمینه تنظیم‌گری و فراهم ساختن امکان تبادل راهبردها و ابزارهای تنظیم‌گری موثر بین سازمان‌های تنظیم‌گر کانادا	

کشور متناظر	موارد شناسایی شده	ابعاد تحلیلی شبکه‌های تنظیم‌گری
بریتانیا	حکمرانی، گروه‌های حرفه‌ای و کارگروه‌ها	ساختار حکمرانی شبکه‌های تنظیم‌گری
برزیل	هیات مدیره، مجمع عمومی و دبیرخانه	
هند	هیات حاکمه	
نروژ	شورا و دبیرخانه	
فرانسه	مناسبات غیررسمی	
کانادا	هیات مدیره و مدیر اجرایی	
بریتانیا	برگزاری رویداد، لابی‌گری به نمایندگی از اعضا، انجام پژوهش، تدوین اسناد و گزارش‌های راهبردی و استفاده از ظرفیت رسانه	ابزارهای شبکه‌های تنظیم‌گری
برزیل	حمایت پارلمانی و دولتی، آموزش و برگزاری رویداد، ایجاد اتاق‌های فنی، استفاده از ظرفیت‌های ارتباطی و مطبوعات، انعقاد قراردادها و موافقت‌نامه‌های فنی (همکاری با شبکه‌های منطقه‌ای و جهانی)، ارتباط با نهادهای بروکراتیک، دفتر مجلس و مطبوعات و اعطای جایزه دوسالانه.	
هند	تهیه گزارش‌های سالانه، برگزاری سمینار و کارگاه، تهیه خبرنامه و برنامه‌ریزی استراتژیک	
نروژ	جلسات مشاوره با نهادهای دولتی و پژوهش‌های روش‌مند	
فرانسه	برگزاری جلسات و تهیه یادداشت‌ها و بیانیه‌های مطبوعاتی مشترک	
کانادا	تهیه خبرنامه، برگزاری کنفرانس و برگزاری کارگاه‌های آموزشی	

فصل هفتم

ضرورت‌ها و ظرفیت‌های تأسیس شبکه‌ی تنظیم‌گری در ایران

در این قسمت، ابتدا خلاصه‌ای از تطورات تنظیم‌گری در ایران بیان می‌شود و سپس با تکیه بر دیدگاهی که از مدل مفهومی ضرورت، کارکرد و ابزار استنتاج شده است، برخی از ضرورت‌های تأسیس و استقرار شبکه‌ی تنظیم‌گری در ایران مطرح خواهد شد. در آخر نیز برخی از اقدامات انجام شده در راستای تأسیس شبکه‌ی تنظیم‌گری در ایران ذکر می‌گردد.

۲-۱. تطورات تنظیم‌گری در ایران

به صورت تاریخی در ایران طی سالیان طولانی، اکثر وظایف تنظیم‌گرانه مستقیماً توسط حکومت انجام می‌گرفت. در دوران دولت‌های تصدی‌گر که عملاً تا ارائه‌ی خردترین خدمات هم در حیطه‌ی وظایف دولت بوده است، به طریق اولی تفکیک مشخصی بین سیاست‌گذاری و تنظیم‌گری وجود نداشته است. با گذشت زمان و تحولات مفهوم و جایگاه دولت در ایران به تدریج سازمان‌هایی در زیر مجموعه‌ی دولت به وجود آمدند که روی وظایف تنظیم‌گرانه تمرکز داشتند و اموری همچون مجوزدهی، تنظیم بازار و اعمال برخی جرائم بر متخلفان را بر عهده داشتند. از سال ۱۳۰۹، تنظیم‌گری در ایران با تأسیس برخی نهادهای تخصصی و صنفی که دارای اختیارات تنظیم‌گری بودند وارد دوران تازه‌ای شد. برای مثال، می‌توان به تأسیس کانون و کلا در سال ۱۳۰۹ و سازمان نظام پزشکی در دهه ۱۳۲۰ اشاره کرد (امامیان و همکاران، ۱۳۹۷). پس از شکل‌گیری این نهادها، از سال ۱۳۳۰ تا سال ۱۳۸۰ می‌توان گفت تنظیم‌گری در ایران مسیر نسبتاً یکنواختی را طی نموده است. طی این سال‌ها، رویکرد اصلی در کشور تنظیم‌گری توسط نهادهای دولتی و تعداد محدودی از نهادهای تخصصی و صنفی بوده است؛ از این رو، در طی این سال‌ها برخی سازمان‌های دولتی تنظیم‌گر در کشور ایجاد شدند که از جمله می‌توان به سازمان تعزیرات حکومتی، سازمان حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان و سایر سازمان‌های تنظیم‌گر بخشی دولتی نظیر سازمان بنادر و دریانوردی، سازمان شیلات، سازمان غذا و دارو و... اشاره نمود (مومنی راد و ناطقی، ۱۴۰۲).

در ادامه‌ی سیر تنظیم‌گری در ایران، سیاست‌های خصوصی‌سازی و کوچک‌سازی دولت در دهه‌ی ۸۰ را می‌توان نقطه عطفی در تشکیل نظام تنظیم‌گری دانست. حتی قبل از تصویب رسمی سیاست خصوصی‌سازی، سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی در سال ۱۳۸۲ تأسیس شد. شکل‌گیری این سازمان ناشی از انتقال مخابرات به بخش خصوصی و نیاز به یک نهاد تنظیم‌گر بوده است که بتواند بر همسویی منافع عمومی و خصوصی نظارت کند. با توجه به جایگاه و وظایف محول شده به این سازمان، می‌توان آن را اولین نمونه از نهادهای تنظیم‌گر مدرن در ایران دانست (مومنی راد و ناطقی، ۱۴۰۲).

با ابلاغ سیاست‌های کلی اصلی ۴۴ قانون اساسی در سال ۱۳۸۴ مبنی بر خصوصی‌سازی، در سال ۱۳۸۶، قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی تصویب گردید که قدمی روبه‌جلو را در عرصه‌ی تنظیم‌گری رقم زد. فصل نهم این قانون در رابطه با موضوع تسهیل رقابت و منع انحصار بوده و در بند ۵۳ از این فصل، ایجاد شورایی با عنوان شورای رقابت پیشنهاد شده است. در این قانون، برای شورای رقابت وظایف تنظیم‌گرانه‌ای پیش‌بینی شده است و در کنار آن، اختیار ایجاد تنظیم‌گران بخشی با تصویب هیئت وزیران در برخی حوزه‌ها نیز به شورای رقابت محول شد. شورای رقابت هم در راستای این وظیفه تلاش‌هایی در جهت ایجاد نهاد تنظیم‌گر بخشی در برخی از حوزه‌ها مانند نفت و برق نمود که در مقام عمل با چالش‌های متعددی مواجه گشت. این مرحله از توسعه‌ی نظام تنظیم‌گری عملاً تلاشی در جهت ایجاد نهادهای نسبتاً مستقل تنظیم‌گری در حوزه‌ی اقتصاد و هم‌زمان با فرایند خصوصی‌سازی بود که به‌واسطه‌ی ناسازگاری ساختارهای حقوقی و قانونی کشور و مقاومت‌های درونی دستگاه‌های اجرایی ملی، توفیق چندانی به همراه نداشته است (امامیان و همکاران، ۱۳۹۷).

در طی سال‌های اخیر نیز در کنار مباحث قانونی و سیاستی حول بهبود مکانیسم‌ها و قوانین اجرای تنظیم‌گری نهادهای حاکمیتی و نیمه‌مستقل اقتصادی، موج جدیدی از تقاضای شکل‌گیری نهادهای قاعده‌گذار در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی و تکنیکی آغاز شده است. مسئله‌ی فضای مجازی نظام رسانه‌ای کشور، شبکه‌های اجتماعی، نهادهای خیریه و سازمان‌های مردم‌نهاد از جمله حوزه‌های عمدتاً غیراقتصادی هستند که به استفاده از روش‌های قاعده‌گذاری نوین اقبال نشان داده‌اند. به دلیل تفاوت ماهوی این عرصه‌های سیاستی اصولاً قواعد تنظیم‌گری باید از پیچیدگی به مراتب بیشتری برخوردار باشند؛ بنابراین، عدم کارآیی روش‌های صرفاً دولت‌محور وجه مشترک غالب حوزه‌های

ذکر شده است و به نظر می‌رسد تغییر رویکرد به سمت استفاده از الگوی حکمرانی تنظیم‌گرا نه در این حوزه‌ها امری اجتناب‌ناپذیر باشد (امامیان و همکاران، ۱۳۹۷).

۲-۲. ضرورت‌های تأسیس و استقرار شبکه‌ی تنظیم‌گری در ایران

با ذکر مقدمه‌ای که گذشت، فضای تنظیم‌گری در ایران، نهادهای تنظیم‌گری متکثری را از جمله نهادهای دولتی، شبه‌دولتی، نیمه‌مستقل و نسبتاً مستقل در بر گرفته است. همپوشانی میان این تنظیم‌گران و تعدد آنان در حوزه‌های یکسان، به‌ویژه در موضوعات همگرا، چالش‌های ناشی از عدم هماهنگی را در نظام تنظیم‌گری تشدید می‌کند. از طرفی دیگر، به دلایلی چون تداوم مداخلات سیاسی و عدم به‌رسمیت شناخته‌شدن لایه‌ی تنظیم‌گری در نظام حکمرانی، تنظیم‌گران همواره از کمبود منابع و تخصص و فقدان هویت حرفه‌ای مشترک رنج می‌برند. با توجه به این موارد، به نظر می‌رسد شبکه‌ی تنظیم‌گری، نهادی ضروری برای نظام تنظیم‌گری ایران است که در ادامه برخی از شواهد فقدان آن بررسی خواهد شد.

رقابت تنظیمی منفی، آربتراژ تنظیم‌گری و امکان خرید جایگاه از مواردی هستند که نظام تنظیم‌گری ایران از آن‌ها رنج می‌برد. به‌عنوان مثال، در حوزه‌ی اقتصادی و به‌ویژه در مسئله‌ی خودرو، شورای رقابت، سازمان حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان و ستاد تنظیم‌بازار که در برخی صلاحیت‌های تنظیم‌گری همپوشانی دارند، در برهه‌هایی رقابتی مضر و رو به پایین با یکدیگر داشته‌اند و در نهایت کار به جایی رسید که در دی‌ماه ۱۴۰۰ مطابق با مصوبه‌ی شورای عالی هماهنگی اقتصادی، قیمت‌گذاری خودرو از شورای رقابت سلب و به ستاد تنظیم‌بازار محول شد. با انقضای مدت مصوبه‌ی شورای عالی هماهنگی اقتصادی، شورای رقابت صلاحیت قیمت‌گذاری خودرو را بازپس گرفت و در فروردین ۱۴۰۲، شورای رقابت و وزارت صمت بر سر موضوعات دیگری مثل نحوه‌ی اعلام قیمت‌های جدید خودرو، مجدداً به اختلاف برخوردند. در ادامه، وقوع اختلاف و تعارض بین تنظیم‌گران محدود به تنظیم‌گران مذکور نماند و سازمان بورس نیز به این درگیری‌ها پیوست. در مسئله‌ی عرضه‌ی خودرو در بورس کالا، سازمان بورس موافقت خود را با این نحوه‌ی عرضه اعلام کرد و در برخی موارد نیز برخی خودروها در بورس کالا عرضه شدند؛ این در حالی

بود که شورای رقابت همواره اعلام کرده است که عرضه‌ی خودرو از هر طریقی به‌غیر از سامانه‌ی یکپارچه‌ی فروش خودرو تخلف است و عرضه‌ی خودرو در بورس کالا باید متوقف شود. در نهایت نیز به‌نظر می‌رسد عرضه‌ی خودرو در بورس کالا حداقل به‌طور موقت منتهی شد.

چالش‌های رقابت تنظیمی منفی، آریترایز تنظیم‌گری و امکان خرید جایگاه، محصور در تنظیم‌گران اقتصادی نیست؛ بلکه در تنظیم‌گری اجتماعی - به‌ویژه فضای مجازی - نیز می‌توان شواهدی عینی برای این چالش‌ها مطرح کرد. به‌عنوان مثال، ساترا و مرکز توسعه‌ی فرهنگ و هنر در فضای مجازی که ذیل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است، به‌واسطه‌ی همپوشانی در صلاحیت‌ها، همواره صلاحیت یکدیگر را در تنظیم‌گری محتوای سمعی و بصری به‌چالش کشیده و به‌دنبال افزایش صلاحیت‌های خود در این حوزه هستند. این مسئله تا جایی تشدید شد که در یک فرایند سیاسی، رئیس‌جمهور وقت در نامه‌ای به رئیس وقت قوه‌ی قضاییه هشدار داده بود که تأیید قانونی وی از ساترا در محدوده‌ی صلاحیت قوه‌ی قضاییه نیست و به‌طور بالقوه در قلمرو شورای عالی فضای مجازی قرار دارد. در امتداد این فضا و در آن برهه، برخی از پلتفرم‌ها از جمله فیلم‌مدعی شدند که ساترا وظیفه‌ی قانونی در این زمینه ندارد و برخی از پلتفرم‌ها مثل نماوا در راستای منافع خود رابطه‌ی بهتری با ساترا شکل دادند.

بنابراین، مناقشات نهادی و رقابت تنظیمی منفی میان تنظیم‌گران، فضای مخربی را می‌سازد که هیچ‌کس عملاً از تعادل تنظیم‌گری موجود راضی نیست. در این شرایط، از یک سو، نوعی سردرگمی در کسب و کارها در مورد اینکه به چه نهادی باید پاسخگو باشند و از چه سیاستی باید پیروی کنند، ایجاد می‌شود و در نتیجه، سرمایه‌گذاری بلندمدت آن‌ها به‌دلیل افزایش ریسک سیاسی و فرایندهای چندتنظیم‌گری دست‌وپاگیر تهدید شده و کاهش می‌یابد. از سوی دیگر، حفره‌هایی در نظام تنظیم‌گری ایجاد می‌شود که سرمایه‌گذاران خصوصی را قادر می‌سازد در میان فضاهای متفاوت تنظیم‌گری حرکت کنند و از طریق خرید محکمه و آریترایز تنظیم‌گری، خود را در موقعیت‌های مطلوب‌تری قرار دهند تا منافع خصوصی خود را به‌بهای از دست رفتن منافع عمومی دنبال کنند. علاوه بر این، رقابت تنظیمی منفی می‌تواند منجر به آن شود که استانداردهای تنظیم‌گری در ازای به‌دست آوردن شمول و مشروعیت گسترده‌تر در بازار، به حداقل برسد و سیاست‌های بالادستی تنظیمی به‌اثر بخشی نرسند.

یکی دیگر از مسائلی که نظام تنظیم‌گری ایران را دچار چالش کرده است، رابطه‌ی شورای رقابت با تنظیم‌گران بخشی است. روابط این دو نوع تنظیم‌گر در سایر کشورهای جهان مدل‌های متفاوتی

دارد؛ در برخی کشورها مثل استرالیا، اسپانیا و هلند، احکام تنظیم‌گر رقابت بر تنظیم‌گر بخشی ترجیح دارد، در برخی کشورها مثل آمریکا، در زمان وقوع تعارضات، ترجیح با تنظیم‌گر بخشی است و در برخی کشورها مثل انگلستان، همپوشانی و همزمانی صلاحیت‌ها بین تنظیم‌گر رقابت و بخشی وجود دارد. نکته‌ی حائز اهمیت آن است که در همه‌ی این انواع، نسبت میان تنظیم‌گر رقابت و تنظیم‌گر بخشی مشخص است؛ در حالی که در ایران اینگونه نیست و دائماً درگیری‌هایی میان تنظیم‌گران بخشی و رقابت وجود دارد و هر دو طرف درگیری مدعی آن هستند که حیطه‌ی صلاحیتشان توسط دیگری در حال تهدید شدن است. با وجود آنکه اولین راه‌حل آن است که نسبت قانونی این نهادها با یکدیگر مشخص شود، اما ایجاد شبکه‌ای از تنظیم‌گران که در آن تعاملات سازنده‌ای میان نهادها شکل بگیرد، می‌تواند راه‌حلی جایگزین برای کاهش اصطکاکات میان تنظیم‌گران باشد و رویه‌هایی عرفی را برای حل مشکلات تنظیم‌گران بخشی و رقابت ایجاد کند.

علاوه بر ضرورت کاهش رقابت تنظیمی منفی در میان تنظیم‌گران، در برخی مواقع، تنظیم‌گران به دلیل ضرورت‌های عملکردی باید با هم‌تایان خود مشورت کنند و با یکدیگر هماهنگ باشند. امروزه، همگرایی مفهومی رایج است که بسیاری از مسائل نوظهور بر آن مبتنی هستند؛ فناوری‌های نوظهور منجر به همگرا شدن مدل‌های کسب و کار شده‌اند که اتخاذ شیوه‌های همگرا در سیاست‌ها و مقررات را گریزناپذیر می‌کند. از این رو، تنظیم‌گران حوزه‌های متفاوت که درگیر این مسائل هستند باید با یکدیگر رابطه‌ی نزدیک و هماهنگ‌تری داشته باشند. به‌عنوان مثال، یکی از رؤسای سابق سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی در یکی از نشست‌های اندیشکده‌ی حکمرانی شریف در سال ۱۴۰۰، عنوان داشت که در مسئله‌ی نوظهور کیف پول الکترونیکی، سازمان تنظیم مقررات به دنبال همکاری با بانک مرکزی بوده که به دلایلی تعامل با بانک مرکزی، به‌عنوان تنظیم‌گر بخش مالی، برای آنان میسر نشده است. مثال‌های دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، مسئله‌ی رمزارز یا فروش اینترنتی دارو است؛ این دو مسئله که در مرز مشترک دو یا چند بخش سنتی قرار می‌گیرد، مستلزم همکاری و همگرایی میان تنظیم‌گران متعددی از حوزه‌های گوناگون است.

کمیود تخصص و منابع یکی دیگر از مسائلی است که تنظیم‌گران در ایران به آن دچار هستند؛ مداخلات سیاسی و بودجه‌ی نه‌چندان کافی برای تنظیم‌گران، در کنار رویه‌های یکسان و شخصی‌سازی نشده‌ی سازمان اداری و استخدامی برای به‌خدمت گرفتن متخصصان، منتج به آن شده

است که تنظیم‌گران که اساساً نهادهایی تخصصی هستند، نتوانند به‌نحوی مطلوب مسائل خود را مرتفع سازند. شبکه‌ی تنظیم‌گری با فعال کردن ظرفیت استفاده از تجربیات، دانش و منابع دیگر تنظیم‌گران، فرصت‌های جدیدی را برای یادگیری تنظیم‌گران و حل مسائل آنان ایجاد می‌کند.

با توجه به آنچه ذکر شد، به‌نظر می‌رسد شبکه‌ی تنظیم‌گری با ایجاد تعاملات سازنده میان تنظیم‌گران و افزایش منابع و ظرفیت‌های هماهنگی، همگرایی و سازگاری در میان آنان، بتواند پیشنهاد سیاستی اثربخشی در جهت رفع چالش‌های رقابت تنظیمی منفی و مناقشات نهادی باشد. علاوه بر این، یکی از چالش‌های نظام تنظیم‌گری در ایران به‌رسمیت شناخته‌نشدن لایه‌ی تنظیم‌گری در سطوح مختلف حکمرانی، نخبگانی، بخش خصوصی و عمومی است. شبکه‌ی تنظیم‌گری با ایجاد یک هویت حرفه‌ای مشترک می‌تواند تنظیم‌گری را به‌عنوان یک فرهنگ ضروری تثبیت کند و تنظیم‌گران را به متحدانی بالقوه در برابر مداخلات سیاسی که امری رایج در ایران است، بدل کند. تنظیم‌گران ایران معمولاً در مقابل مقاومت‌های سیاسی و برورکراتیک، با چالش‌های هویتی مواجه می‌شوند؛ به‌نحوی که بسیاری از سازمان‌ها که کارکردهای تنظیمی دارند، خود را تنظیم‌گر نمی‌دانند و با ادبیات و استانداردهای مطلوب تنظیم‌گری آشنا نیستند. شبکه‌ی تنظیم‌گری با ایجاد بستری برای به اشتراک‌گذاری تجربیات، یادگیری‌های متقابل و هماهنگ‌کردن اقدامات پیرامون روال‌های مطلوب، هویتی جمعی از تنظیم‌گرانی که تعاریف همگرا از مسائل و راه‌حل‌ها داشته باشند، خواهد ساخت.

۷-۳. در مسیر تأسیس شبکه‌ی تنظیم‌گری در ایران

اولین اقدام برای ایجاد همگرایی و هماهنگی میان تنظیم‌گران در ایران به موضوع فضای مجازی برمی‌گردد؛ با شکل‌گیری «شورای عالی فضای مجازی»، نظام سیاسی نسبتاً جوان کشور، یکی از پیشروترین تجربیات همگرایی در حکمرانی ملی فضای مجازی را تجربه کرد، این در حالی است که نظام‌های سیاسی با سابقه‌ی قرن‌ها حکمرانی به‌تازگی و با تشکیل شوراها، مشابه^۱ به‌واسطه‌ی ادغام نهادهای سنتی هنوز در ابتدای این مسیر به سر می‌برند. اگر چه کارویژه‌ی اصلی این شورا سیاست‌گذاری در حوزه‌ی فضای مجازی است، اما یکی از کارکردهای جانبی آن ایجاد هماهنگی میان متولیان حوزه‌ی فضای مجازی است که تنظیم‌گران متعددی را در برمی‌گیرد. نکته‌ی حائز

1. UK: Digital Regulation Cooperation Forum (DRCF), Ireland: Economic Regulators Network (ERN), France: Regulatory Authority for Audiovisual and Digital Communication (ARCOM)

اهمیت در ارتباط با شورای عالی فضای مجازی آن است که ایده‌ی تأسیس شورا، ایده‌ای نوآورانه بوده که در مقام عمل با ناکامی‌های متعددی مواجه شده است. ارتباطات شورا با تنظیم‌گران به صورت دقیق تنقیح نشده است و در برخی مواقع شورا خود در قامت رقیبی برای تنظیم‌گران حوزه‌ی فضای مجازی ظاهر شده است. از طرفی دیگر، عدم مرزبندی مشخص میان سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری، هماهنگ‌کنندگی و تنظیم‌گری باعث شده است تا خلق دوباره‌ی ساختارهای «همه‌کاره»^۱ را در اذهان تداعی کند. بنابراین، به نظر می‌رسد تأسیس شورای عالی فضای مجازی گامی نوآورانه در جهت هماهنگی و همگرایی تنظیم‌گران فضای مجازی بوده است که با گذشت بیش از یک دهه هنوز نتوانسته است در مقام عمل شبکه‌ای واقعی از تنظیم‌گران ایجاد کند؛ در طی سالیان اخیر، شورای عالی فضای مجازی عملاً تمرکز بیشتری بر وظیفه‌ی سیاست‌گذاری کلان و اجرایی خود داشته است و کمتر نقش شبکه‌ای و هماهنگی را ایفا کرده است.

در راستای حل این مسئله و با توجه به لزوم هماهنگی میان تنظیم‌گران در حوزه‌ای مانند فضای مجازی که ویژگی همگرایی را با خود به همراه دارد، شورای عالی فضای مجازی اخیراً ترتیباتی نهادی برای این مهم تدارک دیده است. اوایل سال ۱۴۰۱، شورای عالی فضای مجازی شروع به احیا و بازنگری در وظایف «کمیسیون عالی تنظیم‌مقررات فضای مجازی» کرده است. این کمیسیون که ذیل شورای عالی فضای مجازی قرار دارد، نوعی شبکه‌ی تنظیم‌گری رسمی یا نهاد ناظر تنظیم‌گری^۲ است که وظیفه‌ی تنظیم سیاست‌ها، نظارت، هدایت و هماهنگی تنظیم‌گران بخشی را در حوزه‌ی فضای مجازی برعهده دارد. از جمله اختیارات و وظایف محول به این کمیسیون تعیین معماری کلان تنظیم‌گری فضای مجازی، تعیین یا ایجاد تنظیم‌گران بخشی جدید، حل اختلاف میان تنظیم‌گران بخشی و ایجاد هماهنگی و نظارت بر عملکرد دستگاه‌های صادرکننده مجوزهای حوزه‌ی فضای مجازی است.

نکته‌ی حائز اهمیت که هم در مورد شورای عالی فضای مجازی و هم در مورد کمیسیون عالی تنظیم‌مقررات فضای مجازی صدق می‌کند، آن است که هر دوی این نهادها رویکردی از بالا به پایین دارند و به نحوی رسمی برخی کارکردهای شبکه‌های تنظیم‌گری را ایفا می‌کنند، در حالی

1. One fits all

2. Regulatory Oversight Body (ROB)

که در ادبیات و مطالعات تطبیقی، مشاهده می‌شود که بسیاری از شبکه‌های تنظیم‌گری رویکردی از پایین به بالا دارند و برپایه‌ی روابط متقابل و غیررسمی بنا شده‌اند. در راستای همین مسئله، «شبکه‌ی تنظیم‌گران ایران» در سال ۱۴۰۳ به‌عنوان یک شبکه‌ی غیررسمی با ابتکار اتاق فکر اندیشکده‌ی حکمرانی شریف و با پشتیبانی و محوریت مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری تأسیس شده است. این نهاد، پس از برگزاری رویدادهای مرتبط با تنظیم‌گری، ارائه‌ی نشریات و آغاز جلسات عضویت چندجانبه‌ی تنظیم‌گران، به‌دنبال آن است که روال‌های مطلوب را ترویج کند، به میانجی‌گری در تحقیقات و فعالیت‌های تنظیم‌گران بپردازد، همکاری‌های تنظیم‌گران را تقویت کند و همپوشانی‌ها و تعارضات نهادی تنظیم‌گران را با ارائه‌ی پلتفرمی برای حل تعارضات، بهبود بخشد. شبکه‌ی تنظیم‌گران ایران در ابتدای مسیر فعالیت‌های خود به سر می‌رود و باید دید در ادامه‌ی مسیر تا چه حد می‌تواند کارکردهایی که برای شبکه‌ی عنوان‌شده را ایفا کرده و چالش‌های ناشی از فقدان شبکه‌ی تنظیم‌گری در ایران را مرتفع سازد. با توجه به موارد ذکر شده در این کتاب به نظر می‌رسد شبکه‌ی تنظیم‌گری زمانی می‌تواند در کشور با موفقیت ایجاد شده، به فعالیت خود ادامه داده و اهداف مورد انتظار را محقق نماید که از سمت تنظیم‌گران نیاز به وجود چنین شبکه‌ای به رسمیت شناخته شده و این نهادها به صورت داوطلبانه، گام‌های عملی برای تشکیل این شبکه را برداشته و به فعالیت مداوم آن اهتمام ورزند.

منابع

منابع فارسی

- امامیان، سید محمد صادق و ذوالفقاری، امیراحمد و محمدزاده، احسان و زمانیان، مرتضی. (۱۳۹۷). نظام ملی تنظیم‌گری. تهران، ایران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- مومنی راد، محسن و ناطقی، مزده. (۱۴۰۲). شاخص سلامت تنظیم‌گر (RHI). اندیشکده حکمرانی شریف.
- میرزائی، مهدی و هاشمی، سید حسین. (۱۴۰۲). بلوغ تنظیم‌گری: از کارکرد تا زیست بوم؛ مروری بر تطور مفهومی و نهادی تنظیم‌گری. اندیشکده حکمرانی شریف.

منابع انگلیسی

- Adams, T. L. (2020). Health professional regulation in historical context: Canada, the USA and the UK (19th century to present). *Human Resources for Health*, 72, (1)18.
- Bach, T., De Francesco, F., Maggetti, M., & Ruffing, E. (2016). Transnational bureaucratic politics: An institutional rivalry perspective on EU network governance. *Public Administration*, 24-9, (1)94.
- Bach, T., & Ruffing, E. (2013). Networking for autonomy? National agencies in European networks. *Public Administration*, 726-712, (3)91.
- Bach, T., Ruffing, E., & Yesilkagit, K. (2015). The Differential Empowering Effects of Europeanization on the Autonomy of National Agencies. *Governance*, 304-285, (3)28.
- Barringer, B. R., & Harrison, J. S. (2000). Walking a tightrope: Creating value through interorganizational relationships. *Journal of management*, 403-367, (3)26.
- Baumgartner, F. R., & Jones, B. D. (2010). *Agendas and instability in American politics*. University of Chicago Press.
- Berg, S. V., & Horrall, J. (2008). Networks of regulatory agencies as regional public goods: Improving infrastructure performance. *The Review of International*

- Organizations, 200-179 ,3.
- Bianculli, A. C., Jordana, J., & Juanatey, A. G. (2017). International networks as drivers of agency independence: The case of the Spanish Nuclear Safety Council. *Administration & Society*, 1271-1246 ,(9)49.
- Boeger, N., & Corkin, J. (2017). Institutional Path-Dependencies in Europe's Networked Modes of Governance. *JCMS: Journal of Common Market Studies*, 992-974 ,(5)55.
- Brown, A. C., Stern, J., Tenenbaum, B. W., & Gencer, D. (2006). Handbook for evaluating infrastructure regulatory systems. World Bank Publications.
- Busuioc, E. M. (2016). Friend or foe? Inter-agency cooperation, organizational reputation, and turf. *Public administration*, 56-40 ,(1)94.
- Busuioc, E. M., & Lodge, M. (2016). The reputational basis of public accountability. *Governance*, 263-247 ,(2)29.
- Cao, X. (2010). Networks as channels of policy diffusion: Explaining worldwide changes in capital taxation, 2006–1998. *International Studies Quarterly*, 854-823 ,(3)54.
- Carpenter, D. P. (2004). Protection without capture: Product approval by a politically responsive, learning regulator. *American Political Science Review*, 631-613 ,(4)98.
- Christensen, T., & Lægreid, P. (2007). Modern regulatory policy—ideals and practice. *Policy and Society*, 37-19 ,(4)26.
- Coen, D., Guidi, M., Yordanova, N., & Héritier, A. (2021). The logic of regulatory venue shopping: a firm's perspective. *Public Policy and Administration*, 342-323 ,(3)36.
- Coen, D., & Thatcher, M. (2008). Network Governance and Multi-Level Delegation: European Networks of Regulatory Agencies¹. *Journal of Public Policy*, 71-49 ,(1)28.
- Coendet, T. (2021). The concept of regulatory arbitrage. In *Law and economics of regulation* (pp. 181-159). Cham: Springer International Publishing.
- Danielsen, O. A., & Yesilkagit, K. (2014). The effects of European regulatory networks on the bureaucratic autonomy of national regulatory authorities. *Public Organization Review*, 371-353 ,14.
- Dunlop, C. A., & Radaelli, C. M. (2013). Systematising policy learning: From monolith to dimensions. *Political studies*, 619-599 ,(3)61.
- Eberlein, B., & Newman, A. L. (2008). Escaping the international governance

- dilemma? Incorporated transgovernmental networks in the European Union. *Governance*, 52-25 ,(1)21.
- Fleischer, V. (2010). Regulatory arbitrage. *Tex. L. Rev.*, 227 ,89.
- Frantz, P., & Instefford, N. (2018). Regulatory competition and rules/principles-based regulation. *Journal of Business Finance & Accounting*, 838-818 ,(8-7)45.
- Geradin, D., & McCahery, J. A. (2004). Regulatory co-opetition: transcending the regulatory competition debate. *The politics of regulation. Institutions and regulatory reforms for the age of governance*, 123-90.
- Gilardi, F. (2002). Policy credibility and delegation to independent regulatory agencies: a comparative empirical analysis. *Journal of European Public Policy*, 893-873 ,(6)9.
- Guidi, M., Guardiancich, I., & Levi-Faur, D. (2020). Modes of regulatory governance: A political economy perspective. *Governance*, 19-5 ,(1)33.
- Haas, P. M. (1992). Introduction: epistemic communities and international policy coordination. *International organization*, 35-1 ,(1)46.
- Hasselbalch, J., & Tsingou, E. (4 .(2020 *Regulatory Networks and Policy Communities. Governance and Politics in the Post-Crisis European Union*, 74.
- Jordana, J. (2017). Transgovernmental networks as regulatory intermediaries: Horizontal collaboration and the realities of soft power. *The ANNALS of the American Academy of Political and Social Science*, 262-245 ,(1)670.
- Jordana, J., Levi-Faur, D., & i Marín, X. F. (2011). The global diffusion of regulatory agencies: Channels of transfer and stages of diffusion. *Comparative political studies*, 1369-1343 ,(10)44
- Kapur, D., & Khosla, M. (Eds.). (2019). *Regulation in India: Design, capacity, performance* (Vol. 24). Bloomsbury Publishing.
- Knoll, M. S. (2002). Put-call parity and the law. *Cardozo L. Rev.*, 61 ,24.
- Koppell, J. G. (2010). Administration without borders. *Public Administration Review*, 70, s-46s55.
- Levi-Faur, D. (2011). Regulation and regulatory governance. *Handbook on the Politics of Regulation*, 25-1 ,(1)1.
- Leaver, C. (2009). Bureaucratic minimal squawk behavior: Theory and evidence from

- regulatory agencies. *American Economic Review*, 607-572, (3)99.
- Li, S., & Newman, A. L. (2022). Over the shoulder enforcement in European regulatory networks: the role of arbitrage mitigation mechanisms in the General Data Protection Regulation. *Journal of European Public Policy*, 1720-1698, (10)29.
- Maggetti, M. (2014). The rewards of cooperation: The effects of membership in European regulatory networks. *European Journal of Political Research*, 499-480, (3)53.
- Maggetti, M., & Gilardi, F. (2013). The policy-making structure of European regulatory networks and the domestic adoption of standards. In *Agency Governance in the EU* (pp. 77-60). Routledge.
- Maggetti, M., & Gilardi, F. (2014). Network governance and the domestic adoption of soft rules. *Journal of European Public Policy*, 1310-1293, (9)21.
- Majone, G. (1994). The Rise of the Regulatory State in Europe Western. *European Politics*, 101-77, (3)17.
- Majone, G. (2000). The credibility crisis of community regulation. *JCMS: Journal of Common Market Studies*, 302-273, (2)38.
- Mathieu, E. (2016). When Europeanization feeds back into EU governance: EU legislation, national regulatory agencies, and EU regulatory networks. *Public Administration*, 39-25, (1)94.
- Mattos, P.T. (2017), *The Regulatory Reform in Brazil: New Regulatory Decision-making And Accountability Mechanisms*, New York: Institute for International Law and Justice.
- Nabilou, H. (2017). Regulatory arbitrage and hedge fund regulation: The need for a transnational response. *Fordham J. Corp. & Fin. L.*, 557, 22.
- Newman, A. L., & Zaring, D. (2013). *Regulatory Networks: Power, Legitimacy and Compliance. Interdisciplinary perspectives on international law and international relations. The state of the art*, 265-244.
- Nogueira, R. M. (2004). Regional public goods, governance and capacity-building. *Regional Public Goods*, 275.
- Papadopoulos, Y. (2007). Problems of democratic accountability in network and multilevel governance. *European law journal*, 4)13).

- Papadopoulos, Y. (2018). How does knowledge circulate in a regulatory network? Observing a European Platform of Regulatory Authorities meeting. *Regulation & Governance*, 450-431 ,(4)12.
- Pollack, M. (2002). Learning from the Americanists (again): Theory and method in the study of delegation. *West European Politics*, 219-200 ,(1)25.
- Radaelli, C. M. (2004). The puzzle of regulatory competition. *Journal of Public Policy*, 23-1 ,(1)24.
- Rufin, C. (2004). Regional public goods and infrastructure. *Regional Public Goods*, 181.
- Ruffing, E. (2014). How to become an independent agency: The creation of the German Federal Network Agency. *German Politics*, 58-43 ,(2-1)23.
- Slaughter, A. M. (2009). A new world order. In *A new world order*. Princeton University Press.
- Slaughter, A. M., & Hale, T. N. (2010). Transgovernmental networks and multi-level governance. *Handbook on multi-level governance*, 358.
- Stone, D. (2004). Transfer agents and global networks in the 'transnationalization' of policy. *Journal of European public policy*, 566-545 ,(3)11.
- van der Heijden, M., & Yesilkagit, K. (2022). European regulatory networks: foundations and foresights. *Handbook of Regulatory Authorities*, 425.
- Vantaggiato, F. P. (2019). Networking for resources: How regulators use networks to compensate for lower staff levels. *Journal of European Public Policy*, 1559-1540 ,(10)26.
- Vantaggiato, F. P. (2020). Networks as First Best? Network Entrepreneurship and Venue Shifting in the Establishment of the Network of Euro-Mediterranean Energy Regulators. *JCMS: Journal of Common Market Studies*, 671-654 ,(3)58.
- Vantaggiato, F. P., Kassim, H., & Wright, K. (2020). Network effects: how the European competition network structures the opportunities of regulators. *LSE European Politics and Policy (EUROPP) blog*.
- Vestlund, N. M. (2017). Pooling administrative resources through EU regulatory networks. *Journal of European Public Policy*, 80-61 ,(1)24.
- Yesilkagit, K., & Danielsen, O. A. (2011). Transnational Regulatory Networks as a Solution to the Community Credibility Crisis? The Case of the European Competition Network. *Jerusalem Papers in Regulation & Governance Working Paper*, (31).